

# فدراسیون یهودیان ایرانی

شופار  
نشریه  
SHOFAR

# Iranian Jewish Federation

نشریه شوفار - سال ششم - شماره ۵۰ - مارچ ۱۹۸۸ - فروردین ۱۳۶۷

## תג שיבת



لوازه تان دیمرز

۱۳۸۸



modern  
furniture  
and  
lighting

در تمام مبلمان معتز بهترین ها مسلمانان بود  
و حال ثابت در لوس آنجلس در نمایشگاه in L.A. کلچرلینز  
بهترین مبلمان تایید کرده پدید به سر بر جبهه ترین طراحی  
و سازندگان ممبر به پیشوا تقدیم میدارد.

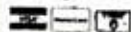


## CONTEMPORARY CLASSICS

انواع مبلمان کلاسیک با طرزها  
و رنگهای متنوع پارچه ای و چرم  
فقط در : in L.A.

1164 South Robertson Blvd., Los Angeles, CA 90035

Just north of Pico) Hours: 10 - 8 Mon. - Fri. Financing available  
213) 271-6776 Sat. 10 - 6/ Sun. 12 - 5



۱۱۶۴ را برتسون بلوا جنوبی، کمی بالاتر از زبیکو بلوار

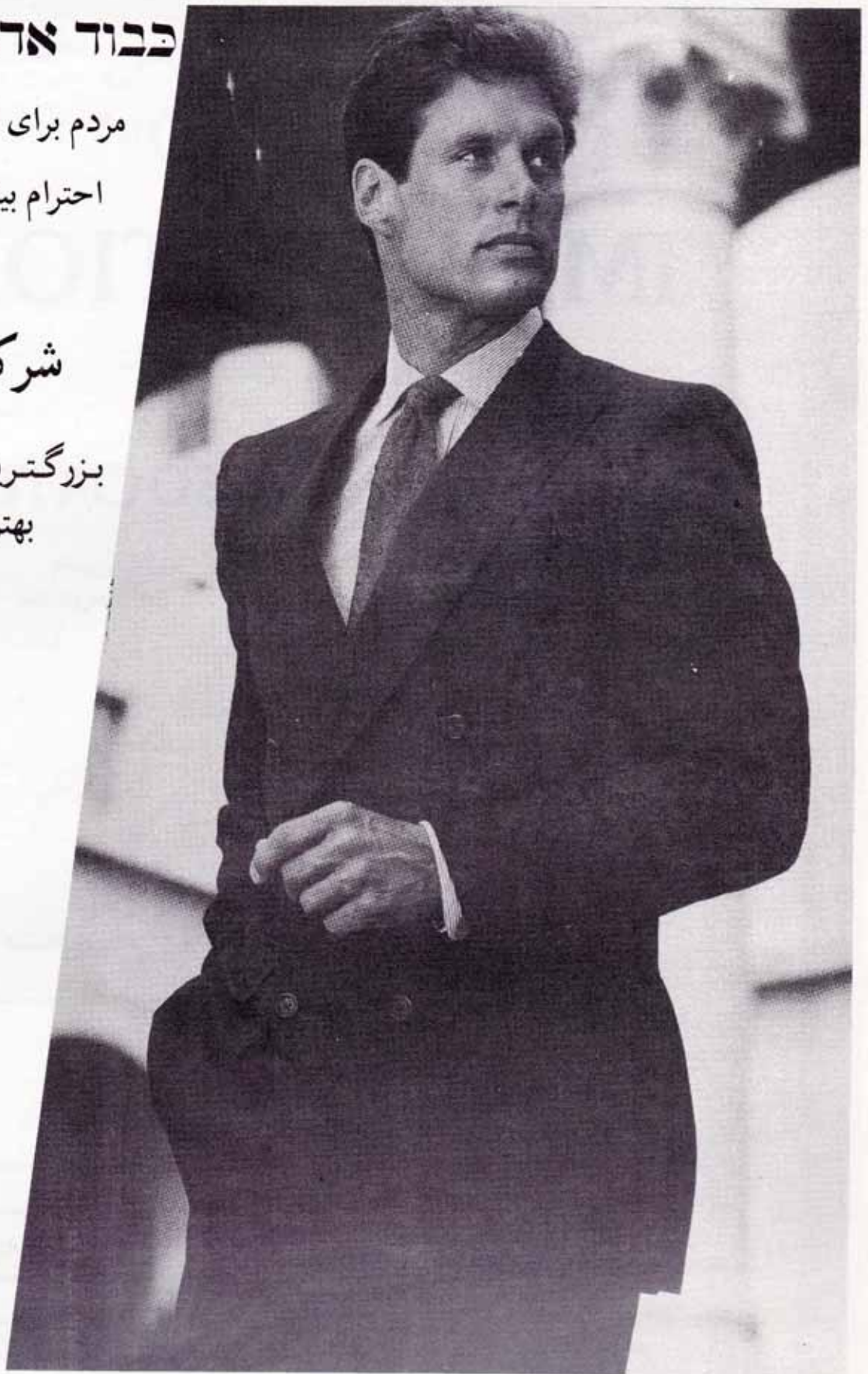
برای تجربه دیدار و بازدید از عالی ترین مبلمان کلاسیک این نمایشگاه  
in L.A. زیباترین نمایشگاه مبلمان در لوس آنجلس دعوت مکنیم...

## دندود آدم دملآدوشو

مردم برای افراد شیک پوش  
احترام بیشتری قائلند.

### شرکت پوشاک

بزرگترین وارد کننده  
بهترین و شیک ترین  
پوشاک مردانه  
از ایتالیا و آلمان



1136 S. Santee St.  
Los Angeles, CA 90015

(213) 747-0225

(213) 748-7936

# IMMIGRATION

LAW OFFICES OF

## D.F. BOYLE & ASSOCIATES

With Associate Offices In: Denver New York  
Miami Los Angeles

باهمکاری و مشاورت

دکتر عراقی

متخصص در امور مهاجرت و حقوق بین الملل

---

(213) 282-8048

---

2049 Century Park East  
Suite 1800  
Los Angeles, CA 90067

---

مشاوره اولیه رایگان می باشد

---

# سالنهای عروسی و مجالس خصوصی

## NOB HILL Banquet Center



Garden Room 100  
Celebrity Room 250  
Grand Ball Room 400  
(Guest)

مرکز جشن

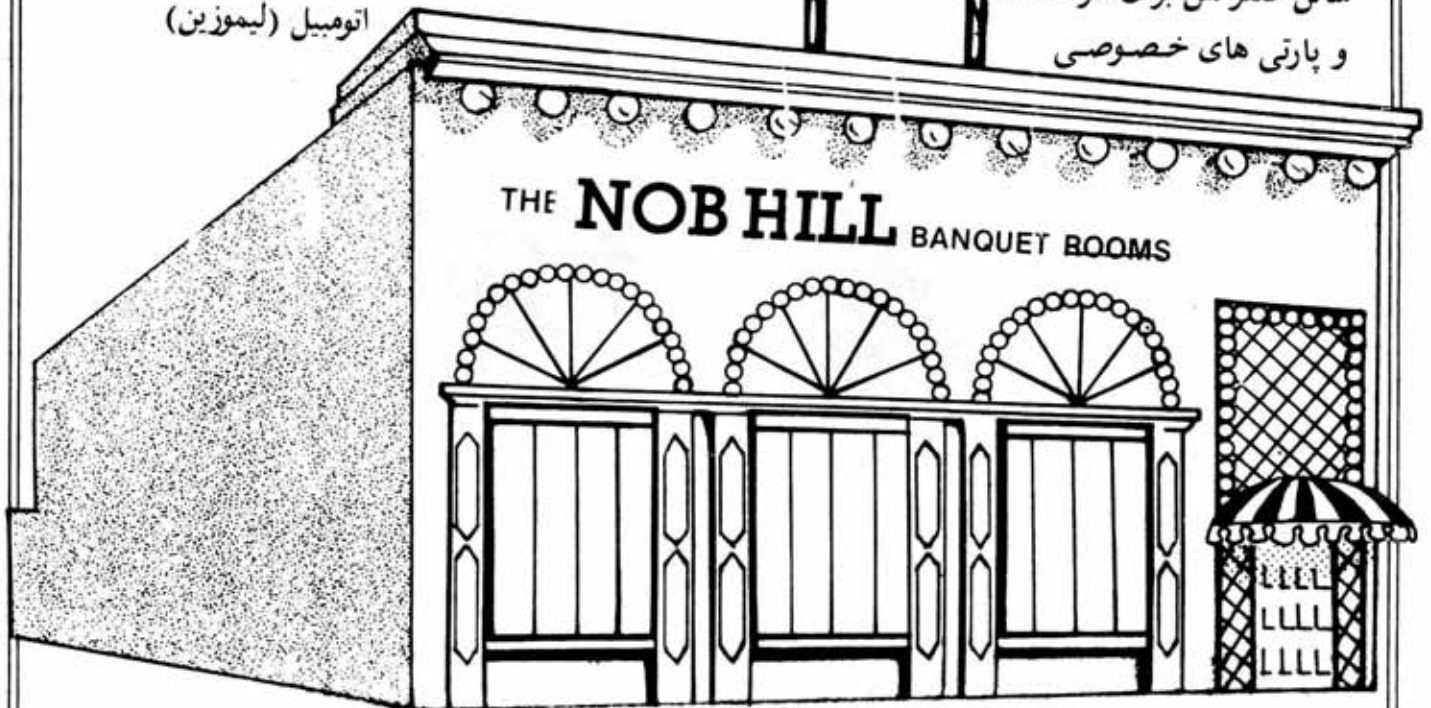
کاشر

غذای کامل شامل خدمات:

کیک عروسی وتولد  
مشروبات الکلی (بارمجهز)  
ارکستر و خوانندگان  
گل آرائی  
عکاسی وفیلمبرداری  
آرایش ولباس عروس  
اتومبیل (لیموزین)

برای برگزاری:

عروسی  
شاور  
بریت میلا  
برمیتصوا  
تولد  
سالن برای عقد وازدواج  
سالن کنفرانس برای شرکت ها  
و پارتی های خصوصی



(818) 989-2222

8229 Van Nuys Blvd.  
Panorama, CA 91402  
Roscoe & Van Nuys

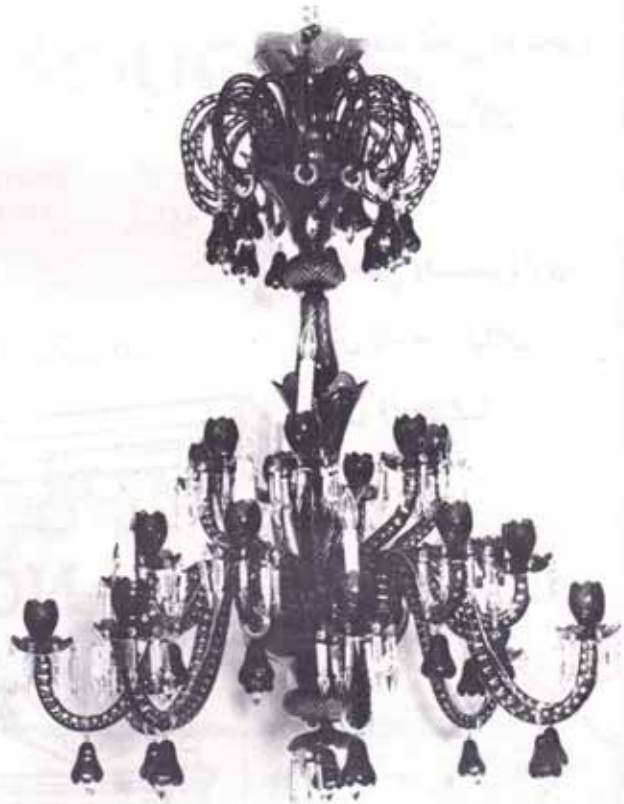
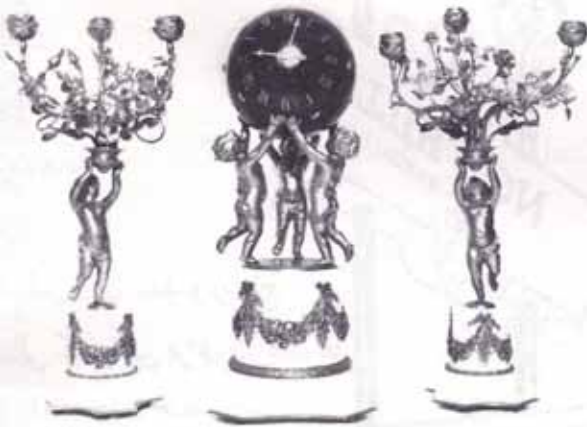
# Arté

ANTIQUES • FINE ART

# گالری آرتیه

نمایگاه و فروشگاه بزرگ

ارزنده ترین و زیباترین آثار هنری، آنتیک، نقاشی های کلاسیک، جواهرات،  
ظروف نقره ای، قالی و شانزلیه های کریستال کم نظیر از نوع کریستال بوهمین.



کارشناسان سرمایه گذاری، خرید آنتیک و آثار هنری را سالمترین و مطمئن ترین راه برای افزایش سریع سرمایه بدانند،  
با خرید از «آرتیه» علاوه بر تزئین خانه یا محل کار خود، مدتی کوتاه به دارایی خود بیافزایند. شماره بازویدز گالری بی نظیر آرتیه دعوت میکنیم.

۸۸۲۰ بوری بولوار د غرب پاریس ۷۶۶۶-۸۵۸-۲۱۳۰

# سالن آرایش خاتون

به سرپرستی پروین  
آرایشگر پارسا بقیه ایران و پاریس

زیباترین عروس شهر  
در سالن آرایش خاتون

برای درخشش هرچه بیشتر عروس در جشن عروسی  
که نتیجه دست هنرمند «پروین» می باشد  
با ما تماس بگیرید

باتعین وقت قبلی

**(213) 651-4616**

داخل شاپینگ سنتر  
The Third Street Collections  
8250 W. 3rd St., #105  
Los Angeles, CA 90048

تقاطع 3rd & Sweetzer



سیمون

آرایشگر معروف که در «جردن» تهران بود  
همکاری خود را با سالن آرایش خاتون آغاز کرد

نشریه شوفاژ - سال ششم - شماره ۵۰ - صفحه ۷

فدراسیون یهودیان ایرانی

Iranian Jewish Federation

هفته همبستگی یهودیان ایرانی را جشن میگیرد.

بدین مناسبت مجلس جشنی در تاریخ یکشنبه ۲۶ جون ۱۹۸۸  
از ساعت ۸ بعد از ظهر در سالن هتل مجلل بناونتور برگزار میگردد.

پذیرائی: کوکتل

هنرمندان: خانم هایده - ستار - قاسم گلی

و گروه دیگری از هنرمندان که نامشان  
بعداً اعلام خواهد شد.

مجری برنامه: شهرام

برای تهیه بلیط و هرگونه اطلاع بیشتر به دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی به شماره

۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) مراجعه فرمائید.



# SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730  
(213) 655-7731

سال ششم - شماره ۵۰  
مارچ ۱۹۸۸ - فروردین ۱۳۶۷

● شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیر انتفاعی منتشر می شود. هدف ماعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

تحت نظر شورای نویسندگان:

دکتر سلیمان آقائی (مدیرمسئول)

صیون ابراهیمی

دکتر هوشنگ ابرامی

الیاس اسحقیان (مدیر داخلی)

دکتر باروخ بروخیم

گیتی بروخیم (سیمانطوب)

سام کرمانیان

دکتر نصرتی

مهندس کامران خاورانی (مشاور فنی)

وهتری

● نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر می شود همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند.

● مقالاتی که با ذکر نام نویسندگان و یا منبع خبری چاپ می شوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

● نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهای درج یک نوبت آگهی

تمام صفحه (داخل)	۲۵۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۴ صفحه	۸۵ دلار
۱/۸ صفحه	۵۰ دلار

مدیر امور بازرگانی: موریس اسحقیان

تلفن: ۶۵۹-۱۱۷۶

For more information regarding  
advertising please call:

MAURICE ESHAGHIAN

(213) 659-1176

## سخن ماه

### مدتی این مثنوی تأخیر شد

و دیگر بار نزد شما میآیم - در آغاز سال نو، بادستانی پراز شکوفه های بهاری. با سلامی دوباره و آرزوی سالی که برای همگان و بویژه هم میهنان و همکشیان ما، سالی پر برکت باشد و ایران، سرزمین ما روی آرامش ببیند و صلح و دوستی بر قلبه همه یهودیان جهان حکمفرما گردد.

با این امید که کشتارهای بیرحمانه ای که با جنگ شهرها آغاز شده و بسیاری انسانهای بی گناه، بویژه هم میهنانمان رابه خاک و خون کشیده و می کشد، هر چه زودتر پایان پذیرد.

همانطور که خوانندگان ما آگاهی دارند، سازمانهای یهودی ایرانی مقیم این دیار در گرد همائی بزرگی که در کنیسیای نصح اسرائیل تشکیل دادند، ضمن ابراز انزجار از این کشتار بیبوده و بیرحمانه، طی قطعنامه ای از سازمان ملل، دول متخاصم و وجدانهای آگاه بشری خواستند که ضمن متجاوز شناختن رژیم عراق به میهن ما، کلیه مساعی خود رابه ایجاد یک صلح شرافتمندانه معطوف دارند.

شوفاره، این بار پس از مدتی تأخیر بدست شما میرسد. در طول این مدت نامه ها و تلفن های بسیاری از خوانندگان عزیز نشریه داشتیم که همگی علت را جو یا می شدند و گروهی نیز نگران که نکند کار ما به پایان رسیده است.

این شماره از نشریه که اکنون در دست شماست پاسخ به این نگرانی است و تأکید بر این امر که ما ماندگاریم البته به پشتوانه محبت های بی انتهای دوست داران نشریه. اما اینکه «چرا اینقدر تأخیر؟» پرسشی است که مامکلف به پاسخ گوئی بآن میباشیم. همانطور که بارها اشاره شده - نوشتن، تهیه، تدوین و طراحی مجله بعد از گروهی است که بدون هیچگونه چشم داشت مالی و تنها به انکاء عشق و علاقه به اهداف فدراسیون یهودیان ایرانی، باین مهم همت میگذارند. معیذاً هزینه چاپ و انتشار نشریه بعد از فدراسیون است که با بالا رفتن قیمت ها این هزینه به حدی رسیده که حق اشتراک های دریافتی و درآمد آگهی ها نیز تکافی هزینه های آنرا نمی نماید.

با توجه به میزان هزینه های فدراسیون یهودیان ایرانی و منابع بسیار محدود درآمد آن، هیئت مدیره فدراسیون به شورای نویسندگان شوفار تکلیف نمود که راههای ازدیاد درآمد و کاهش هزینه های نشریه را بررسی نموده و به اجراء بگذارند. با مطالعه و صرف وقت زیاد، هزینه چاپ و انتشار نشریه از این شماره بعد به حداقل تقلیل داده شده است. در مورد ازدیاد درآمد نشریه، متأسفانه این امر از دست ما بیرون است و منوط به پشتیبانی همکیشان عزیز. مجدداً لازم به یادآوری است که فدراسیون یهودیان ایرانی سازمانی است غیر انتفاعی و کلیه وجوه اهداتی باین سازمان قابل کسر از درآمد مشمول مالیات می باشد.

ما برای هر یهودی ایرانی که نشانی او را در دست داشته باشیم (البته در داخل آمریکا) نشریه را میفرستیم. این شما دریافت دارندگان نشریه هستید که در ازای زحمات و تلاشهای شورای نویسندگان و سایر دست اندرکاران شوفاره، با اهداء حق اشتراک یا حتی بیشتر، ما را یاری کنید. این بعد از صاحبان کسب و حرفه است که بما آگهی بدهند و بالاخره، این وظیفه هر یهودی ایرانی است که هم شخصاً ما را از لحاظ مادی پشتیبانی کند و هم دیگران را تشویق باین کار نماید.

و ما میمانیم و باز نزد شما میآیم - چرا که دوستان داریم. با کدلانی چون شما که هرگز پشتیبانی خود را از ما دریغ نداشته اید، شما که پشتوانه ما بوده و هستید. چرا که ماهستی خود را از شما داریم.

پس بر همه مبارک و نوروزتان پرورز.

## کنفرانس جهانی یهودیان در کشورهای عربی

نمایندگان فدراسیون یهودیان ایرانی پس از شرکت در کنفرانس جهانی یهودیان در کشورهای عربی در واشنگتن درکنگره آمریکا حضور یافتند و باروئسای کمیته های حقوق بشر سنا و مجلس نمایندگان ملاقات و درباره وضع یهودیان ایران مذاکره نمودند.

دولت های عربی با درآمدهای عظیم نفتی شان برای اسکان و کمک به اسکان آواره گان عرب فلسطینی فقط ۱۱۰ میلیون دلار بوده است.

پس از پایان کنفرانس و قرائت و تصویب قطعنامه نمایندگان فدراسیون یهودیان ایران درکنگره آمریکا حضور یافته و باروئسای کمیته های سنا و مجلس نمایندگان ملاقات و راجع به وضع یهودیان ایران به تفصیل مذاکره نمودند. نمایندگان فدراسیون از سناتورها و نمایندگان مجلس مصر تقاضا نمودند از نفوذ خود برای کمک به یهودیان ایرانی که در بسیاری از کشورهای جهان پراکنده اند استفاده نموده بخصوص تقاضا نمودند در مورد صدور ویزای ورود به آمریکا به یهودیان ایرانی پناهنده به کشورهای اتریش و ایتالیا تسهیلات بیشتری برقرار شود.

فدراسیون یهودیان بویژه مایل است از آقای لنتس رئیس کمیته حقوق بشر مجلس نمایندگان و خانمشان بخاطر اظهار همدردی بایهودیان ایرانی صمیمانه سپاسگزاری نماید و امیدوار است اقدامات ایشان بتواند در این باره کاملاً مؤثر باشد.

**متن قطعنامه کنفرانس در همین شماره از نظر خوانندگان گرامی شوفارمی گذرد.**  
**قطعنامه کنفرانس جهانی یهودیان در کشورهای عرب منعقد در شهر واشنگتن.**  
نظر به اینکه قطعنامه شماره ۱۸۱ مصوبه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل

زندگی در سرزمین های عربی را برای نمایندگان کنفرانس تشریح نمودند. بویژه رفتار دولت سوریه با بیش از ۴۰۰۰ نفر یهودیان مقیم آن کشور و اینکه آنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی محرومند موجب تأثر و نگرانی فراوان گردیده شرکت کنندگان در کنفرانس از حافظ اسد رئیس جمهور سوریه خواستند که به این رفتار شرم آور و غیر انسانی بایهودیان سوریه پایان داده شود. به موجب گزارشی که به کنفرانس داده شد از هنگام استقلال کشور اسرائیل تا کنون در حدود ۹۰۰ هزار نفر یهودی کشورهای عرب از موطن اصلی خود رانده شده و کلیه دارائی و اموال آنها ضبط گردیده بسیاری از آنان سخت مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و بدون هیچگونه گناهی بخاک و خون غلطیده اند.

کنفرانس یک کمیته برای رسیدگی به وضع دارائی یهودیان در کشورهای عرب تأسیس و اعلام گردید که از همه مراجع جهانی برای احقاق حقوق رانده شدگان و گرفتن غرامت دارائی آنها که از ده هابلیون دلار نیز متجاوز است طلب یاری و کمک خواهد نمود. نمایندگان دولت اسرائیل به آگاهی شرکت کنندگان رسانیدند که از تاریخ استقلال اسرائیل تا کنون دولت اسرائیل باند داشتن هیچگونه منابع یا درآمد نفتی بیش از ۱۱ بلیون دلار برای اسکان یهودیان رانده شده از کشورهای عرب متحمل هزینه شده است در صورتیکه جمع کل پرداختی

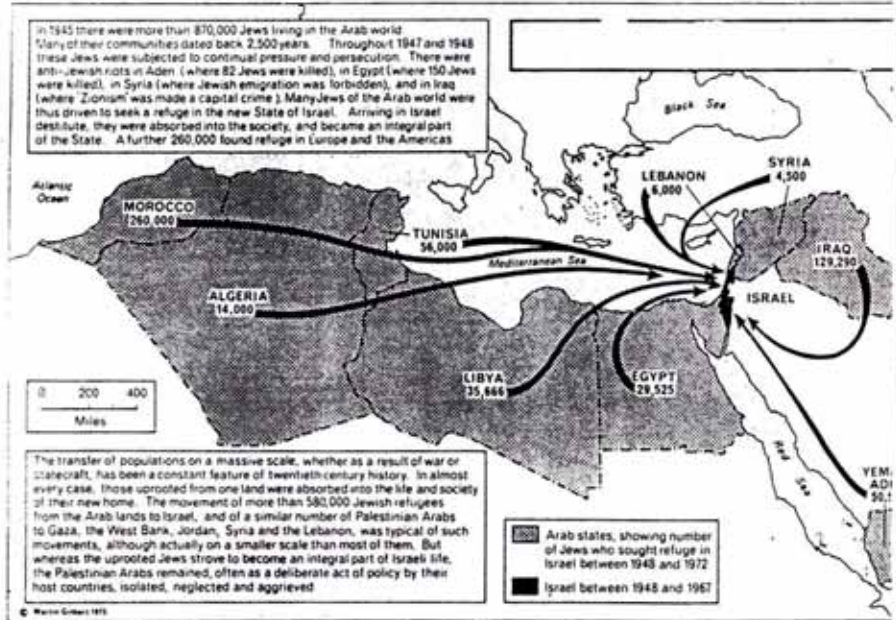
سومین کنفرانس جهانی یهودیان در کشورهای عربی در تاریخ ۲۶ اکتبر تا ۲۸ اکتبر به مدت سه روز در واشنگتن برگزار گردید. در این کنفرانس نمایندگان ۱۴ کشور شرکت داشتند. نمایندگان فدراسیون یهودیان ایران نیز بعنوان ناظر در این کنفرانس حضور داشتند.

در روز ۲۶ اکتبر پس از مصاحبه مطبوعاتی بانمایندگان رسانه های مطبوعاتی جهان جلسه کنفرانس اعلام رسمیت نمود ابتدا دو پیام رؤسای جمهور اسرائیل و آمریکا و همچنین متن پیام آقای شامیر نخست وزیر اسرائیل قرائت گردید. جریان این کنفرانس از بسیاری از ایستگاههای تلویزیونی و رسانه های گروهی آمریکا پخش گردید.

هنگامی که لُرد تامان رئیس جلسه حضور نمایندگان فدراسیون یهودیان ایران رابه بیش از ۳۰۰ نفر شرکت کنندگان در کنفرانس اعلام نمود همه شرکت کنندگان که اکثراً از مقامات عالیرتبه کشورهای شرکت کننده بودند به پاخواستند و با کف زدنهای ممتد و طولانی، نمایندگان فدراسیون یهودیان ایران را پذیرا شدند.

در جریان کنفرانس از آنچه برخوهران و برادران یهودی ما در کشورهای عربی میگذرد به تفصیل صحبت شد و تعدادی از یهودیان کشورهای عربی منجمله سوریه - عراق - لیبی و یمن که پس از شکنجه و آزار فراوان موفق به گریختن از آن کشورها شده بودند واقعیت

## JEWISH REFUGEES TO ISRAEL FROM ARAB LANDS MAY 1948 - MAY 1972



Courtesy of Martin Gilbert

رئیس جمهور سابق آمریکا وفانموده و به دختران و زنان یهودی مقیم کشور سوریه اجازه خروج داده شده همچنین کنفرانس تقاضامینماید که مقررات کنوانسیون ژنو مصوبه ۱۹۷۷ در مورد صدور اجازه خروج دختران یهودی مقیم سوریه از طرف این دولت رعایت گردد- کنفرانس از کلیه جوامع بین المللی می خواهد که از دولت سوریه بخواهند بیش از این از خروج این دختران جلوگیری نمایند.

۳- کنفرانس از رهبران دول عربی طلب می کند که تعهدات بین المللی خود را محترم شمرده و غرامت مناسب به اتباع یهودی خود که از آن کشورها اخراج شده اند پردازد و دارائیهای مذهبی و فرهنگی ضبط شده را به یهودیان مقیم آن کشورها باز پس دهند.

۴- کنفرانس از دول عرب می خواهد بیش از این از احل مسالمت آمیز مسئله پناهندگان فلسطین جلوگیری نمایند.

کنفرانس پشتیبانی خود را از کوشش های مداوم و همه جانبه دولت اسرائیل برای اجرای قرارداد صلح مصر و اسرائیل و همچنین ایجاد روابط دوستانه با کلیه کشورهای عرب اعلام می دارد.

۶- کنفرانس بویژه از یهودیان کلیه کشورهای جهان طلب می کند از مبارزه کنفرانس برای احقاق حق یهودیان کشورهای عرب پشتیبانی نمایند.

۷- کنفرانس از همه جوامع بین المللی بخصوص دولت آمریکا تقاضا دارد در هنگام مذاکره برای رهائی گروگانهای آمریکائی یهودیان کشور لبنان را که تاکنون ۹ نفر آنها اعدام شدند فراموش ننمائید همچنین از دولت آمریکائی خواهد که از نفوذ خود در کشورهای عرب استفاده نموده و از آنها بخواهد که حقوق اقلیت های یهودی را محترم شمرده و اموال و دارائی های یهودیانی را که اخراج نمودند مسترد دارند. کنفرانس مصر را از دولت و مردم ایالات متحده تقاضا دارد که کوشش خود را برای حل مسئله آواره گان برای کشورهای عرب تشدید نموده و اسکان آواره گان فلسطینی در کشورهایی که در آن اقامت دارند کمک نماید.

و نظریه اینکه پارلمان اسرائیل طی مصوبه به مورخ ۲۶ اکتبر ۱۹۸۷ اعلام کرده است که آماده است در چهارچوب یک قرارداد صلح همه جانبه به اعرابی که کشور اسرائیل را ترک نموده اند غرامت پرداخت نماید.

و نظریه اینکه شورای امنیت سازمان ملل بموجب قطعنامه شماره ۲۴۲ مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ مزبور مقرر داشته است که امضای قرارداد صلح همه جانبه مستلزم آنستکه مسائل پناهندگان که شامل پناهندگان یهودی از کشورهای عرب نیز میباشد باید حل و فصل گردد.

بنابراین ۱- ما نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس جهانی یهودیان در کشورهای عرب از کلیه سران این کشورها بویژه رؤسای کشورهای سوریه و عراق و یمن تقاضایمانیم که از شکنجه و آزار یهودیان مقیم آن کشورها خودداری نموده و حقوق بشری آنان را رعایت نمایند.

۲- کنفرانس بویژه از دولت سوریه طلب میکند به وعده آقای حافظ اسد به آقای کارتر

متحد در مورد تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عرب مورد مخالفت جامعه عرب واقع گردید و اعلام جنگ کشورهای عربی به دولت جدید التاسیس اسرائیل موجب گردیده است که تعداد زیادی از یهودیان کشورهای عربی و اعراب فلسطین از خانه های خود رانده شوند.

و نظریه اینکه هنوز بسیاری از کشورهای عربی برخلاف دستور اعلامیه حقوق بشر یهودیان کشورهای خود را از بسیاری از حقوق انسانی محروم نموده اند.

و نظریه اینکه تاکنون بیش از ۹۰۰ هزار نفر از یهودیان مقیم کشورهای عربی از کشورهای خود اخراج شده و همین گروه بیش از نیمی از آواره گان خاورمیانه را در برمیگیرد.

و نظریه اینکه کشور اسرائیل با منابع محدود خود برای اسکان یهودیان رانده شده از کشورهای عرب متحمل هزینه فوق العاده بالغ بر ۱۱ بلیون دلار گردیده است.

و نظریه اینکه جامعه عرب با هرگونه راه حل مسالمت آمیز در باره پناهندگان عرب فلسطینی مخالفت نموده است.



## جمشید کشفی بزرگمردی که از میان ما رفت

هنگامی که نشریه شوفار زیر چاپ میرفت با کمال تأسف و اندوه باخیر شدیم، جمشید کشفی نماینده سابق یهودیان در مجلس شورای ملی و یکی از برجسته ترین رهبران معاصر و خدمتگزاران جامعه یهودیان ایرانی در بامداد روز سه شنبه ۸ مارچ ۱۹۸۸ در گذشته است.

در مراسم خاکسپاری آن زنده یاد، راودا وید شوفط سخنانی ایراد نمودند که برآستی حق کلام را در مورد جمشید کشفی ادا نموده است که ذیلاً ملاحظه میفرمائید. علاوه بر این، در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۷ مجلس تجلیلی برای قدردانی از خدمات نامبرده با حضور ایشان برگزار گردید که گزارش این مجلس نیز در زیر آمده است.

یادش بخیر و روانش شاد.

### سخنان راودا وید شوفط در مراسم خاکسپاری مرحوم جمشید کشفی

خویش، به علم سخن و شعر عشق می ورزید و وقتی که این عشق با عشق «تورا» درهم آمیخت و تورا و تفیلدها را با آن بیان کرد، ثمره نیکوی آن کتاب راهنمای سعادت بود.

در این تابوت چوبین مردی بخواب ابدی رفته است که رسالت انسانی خویش را در زمان حیات بخوبی به انجام رسانید. او از نادر انسان هائی بود که توانست گردش چرخ

می گویند آنهائی که عاشق هنر خویشند، آنهائی که روحی حساس و ظریف اما توانا و پویانده دارند، خیلی جوان میمیرند، ولو اینکه با سیر عمری از دار دنیا بروند. آنها جوان میمیرند زیرا که در روز مرگ نیروی روحانی و آرمان ها و امیدهایشان جوان است.

دوست عزیز ما آقای جمشید کشفی جوان و پرشور و خوشبین رحلت کرد. چرا که به هنر

صبح روز سه شنبه، روزی که درباره خلقت آن دوبار واژه «کی طوو» (روز نیکوئی) در کتاب مقدس تورا آمده است، روز نزول غم بود. روز از دست رفتن انسانی با روح ظریف، پراحساس نیکو سرشت و با احسان. با اینکه میدانستیم روز رجعت او فرا خواهد رسید. معذرت تلخی مرگ را نمی توان با علم و با آگاهی قبلی از آن، نادیده گرفت.

غدار که انسان ها و هستی آنها را بپرچمانه در میان چرخهای مهیب خود خرد و خاکشیر میکند. مہار کند. او مدت ها با این چرخ دست بگریبان بود و کجرفتاری های آنرا نه تنها تحمل میکرد بلکه نسبت به آنها بی اعتنا بود. اسلحه او در این مصاف نابرابر امید و خوشبینی و ایمان بود - امید به آینده بهتر و امید به شهر رساندن آرزوها و نقشه ها و حتی رو یا های خود.

آخرین بار که دوهفته قبل او را دیدم، نحیف تر و لاغرتر از پیش شده بود. با اینحال دستم را در دست گرفت و گفت به امید خداوند خوب خواهم شد و سلامت خود را باز خواهم یافت و بقیه اشعاری را که ناتمام گذاشته ام پایان خواهم رساند. باخود به این همه ایمان، اعتماد، اراده و امید آفرین گفتم و او را ستایش کردم. اما در درون گریستم.

«قدیش» یکی از نیایش های پایه ای در دین ما است که سوگواران آنرا در ایام سوگواری ادا میکنند. عرفای یهود با دیدی متفاوت به این تفیلد مینگرند. یکی از آنها «ربی بونم»، تفسیری متفاوت برای آن ارائه داده، میگوید: «در قدیش اصلاً کلمه ای در باره مردگان ذکر نشده است. در آن سخنان تسلی بخش نیز برای بازماندگان یافت نمیشود. پس چرا این دعا برای درگذشتگان خوانده میشود؟» ربی بونم خود جواب میدهد «دلیل این دعا اینست که هر حیاتی بدرگاه خداوند عزیز و ارزشمند است. چون در وجود هراتسان اخگر الهی به ودیعه گذاشته شده است. با مرگ هر انسان پارسا و صدیق، آن اخگر نیز از روی زمین ناپدید میشود و تقدس و ویژه آن از روی زمین کاهش می یابد.» از دیدگاه عارف جلال حق نیز از فقدان آن انسان پارسا ناراضی است و در رنج است، و استغفراله، مانند یک انسان سوگوار است. پس بهنگام قدیش وقتی که میگوئیم ایتگدل و ایشقدش، یعنی مقدس باد نام خداوند و او را ستایش میکنیم، نه تنها خود را تسلی میدهیم بلکه آفریدگاری را که چنین موجود نیک و مؤثری را از دست داده است نیز تسلی میدهیم.

فقدان آقای جمشید کشفی برای همه

جبران ناپذیر است. همه ی ما احتیاج به تسلی داریم. بقول ایوب، مرد کهن رنج و درد، انسان چیست که بخواهد با خدا و مشیت او درافتد. و اگر هم بخواهد به یکی از هزاران پرسش او پاسخ داده نخواهد شد. بنابراین در برابر مشیت او چاره ای جز تسلیم و رضا نیست:

### شب نم نکرد داغ دل لاله را علاج نتوان بگریه شست خط سرنوشت را

این چند سالی که این افتخار را داشتم در کنار او در جلسات و موقعیت های مختلف به نشیمن، متوجه شدم که علاوه بر خصلت های نیکو، او از شاگردان مکتب «اهرون» نیز می باشد. و این بند گذشتگان را که میگویند: «همواره سعی کن تا از شاگردان مکتب اهرون باشی» امانت دار بود. معروف است که اهرون همیشه بدنبال برقراری صلح و صفا و دوستی بین مردم بود. از پای نمی نشست تا جدائی ها و نفاق هارا تبدیل به پیوند و دوستی گرداند. مرحوم جمشید کشفی دوستدار صفا و صمیمیت و صلح بود و با همه بادرستی سخن میگفت. از بحث وجدل دیگران را برحذر میداشت و در اختلافات سعی داشت کارها را با دوستی بی پایان برساند. در سخت ترین مباحث و مشکلات او تنها کسی بود که بادیدی مثبت و امیدوار به مسائل می نگریست.

افسوس که او دیگر در میان ما نیست. افسوس که دیگر نمی توانیم از صبر و حلم و درایت و ذوق او بهره مند گردیم. افسوس که صدای شعر او را نمی شنویم، اما ایمان داریم که روح پاکش در عالم قدسی سرودخوان است و از انوار حق و زندگی روحانی برخوردار.

خداوند عطا فرمود و باز ستاند. متبارک باد نام اعظم الهی تا ابد.

### بزرگداشت جمشید کشفی

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۷ سالن کنسای سفارادی از جمعیت موج میزد. این جمعیت که به دعوت فدراسیون یهودیان ایرانی و سازمانهای وابسته و همچنین سایر

سازمانهای یهودی مقیم این دیار پاسخ مثبت داده بودند آمده بودند تا به بزرگداشت مردی به نشیمنند که در بسیاری از حوادث و روی دادهای کشور و جامعه ما مؤثر بوده و در تاریخ معاصر ما مکانی بس والا دارد.

ابتدا آقای دکتر فروزان پور پس از خوش آمد به شرکت کنندگان، مراسم برنامه تجلیل از جمشید کشفی را اعلام داشتند و پس از آن راو داوید شوفط رهبر مذهبی مورد احترام جامعه ما بایبانی رسا و مؤثر تاریخ معاصر جامعه و همچنین خدمات جمشید کشفی را برشمرد. در این مراسم آقایان دکتر آقائی رئیس فدراسیون یهودیان ایرانی، آقای مسعود هارونیان از طرف سازمان فرهنگی یهودیان ایرانی و آقای دکتر کرمانشاهی، عبدالله طالع، ناصر اولیائی و منوچهر امیدوار نیز سخنانی ایراد داشتند.

در مراسم بزرگداشت جمشید کشفی لوحه یادبودی که از طرف فدراسیون یهودیان ایرانی و سازمانهای وابسته و سایر سازمانهای یهودی تهیه شده بود توسط حاخام یدیدیا شوفط به آقای جمشید کشفی اهداء شد. علاوه بر این سازمان فرهنگی یهودیان ایرانی نیز لوحه بزرگداشتی که از طرف سازمان مزبور تهیه شده بود به جمشید کشفی هدیه کرد. آقای ناصر اولیائی نیز پس از پایان سخنرانی خود لوحه بسیار زیبایی که حاوی ده فرمان بود از طرف بزرگانان به جمشید کشفی اهداء نمود.

ذیلاً قسمتی از سخنان رئیس فدراسیون یهودیان ایرانی را که در مراسم بزرگداشت جمشید کشفی بیان داشتند برای اطلاع خوانندگان گرامی شوفار درج مینمایم.

### دوستان ارحمند ، میهمانان گرامی

تاریخ ملت یهود پر است از فراز و نشیب های بسیار. تاریخی است مشحون از به اوج رسیدن ها و به ژرفا فرو رفتن ها. تاریخی است که به زعم گروهی از ما از پیش بر پیشانی ما نوشته شده است و به اعتقاد گروهی دیگر تاوان پایداری پرتوان ملت ما است در برابر اهریمنان و ستمگران زمان.

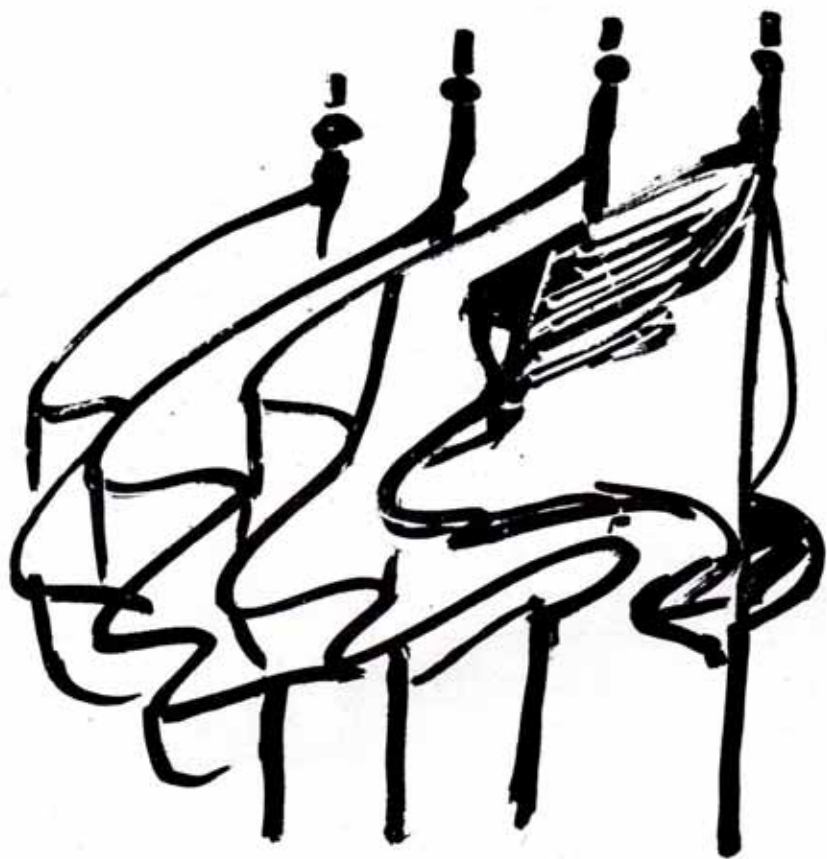
این تاریخ را از آغازتابه انتها که بخوانیم همه جادریان یک وجه مشترک می بینیم و آن نقش رهبری است. از ابراهیم و اسحق و یعقوب تا موسی این انسان برتر همه اعصار و قرون. از حماسه های افتخارآفرین مصادا و مردخای تا قیام دلیرانه گتوی ورشو. از استقامت بی پایان هرثصل تا مبارزات بن گوریون و گلدامایر. توان یک رهبر پیشگام و جانباز به معنای واقع کلمه ره گشای خلق مایوده است.

و اما رهبری در جامعه یهود با رهبری در سایر جوامع از زمین تا آسمان تفاوت دارد. یک رهبر راستین یهودی خدمتگزار است نه سرور. یک پاک باخته است نه توانگر. یک دل داده به خلق است نه وابسته جاه و مقام و بالاخره انسانی است والا که برای رضای خاطر خود و خدای خود می کوشد نه برای تظاهر و خودنمایی.

جمشید کشفی از این تبار است. مردی که هرگز بدنیاال نام و نشان نبوده و نیست ولی همه جا نام و نشان خلق خود و کشور خود را بلند آوازه کرده است و می کند. زندگی او نمادی است از زندگی خلق یهود. فراز و نشیب های بسیار در شیب همه استواری و در فراز به نشیب افتادگان را دریافتن.

کسانی که با سخن اعتقادی و فکری من آشنائی دارند میدانند که من هرگز تعریف بیبیهوده از هیچ کس به زبان نمی آورم این نه فقط از آن رو است که ساختار شخصیت من به من چنین اجازه ای را نمی دهد بلکه به اعتبار افتخار خدمتی که از سوی جامعه یهودیان ایرانی این دیار به من محول شده و وظیفه ام به من حکم میکند که در معرفی همگنانم از غلو پرهیزم. اما آنانکه جمشید کشفی را از نزدیک می شناسند با من همصدا می شوند که در مورد ایشان خیلی از گفته هائی که بنظر بعید میآید گویائی کافی برای برشمردن خصائل ایشان را ندارد.

اما یک نکته در باره جمشید کشفی بیشتر از همه چیز مرا و بسیاری از دوستانش را شیفته خود کرده است و آنکه او در فراز و نشیب زندگی هرگز حسین درهم نکرد و



در این دیار نیز جمشید کشفی راهی دیگر برای خدمت به جامعه خود دنیاال کرده است. علاوه برآنکه فعالیت خود را در سازمان نصح ایسرائل و بعنوان رئیس هیئت مدیره سازمان ادامه میدهد به ترجمه و به شعر برگرداندن بسیاری از نیایش های یهودی پرداخته و بدین ترتیب ادبیات غنی یهود به شعر روان فارسی در دسترس بسیاری از جوانان جامعه قرار خواهد گرفت و بیشتر به ارزش های والای یهودیت و میراث گرانبهای ملت خود پی خواهد برد. خوشبختانه این کتاب بزودی در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. مطمئناً شما نیز بامن هم عقیده هستید که جمشید کشفی را میتوان مردم دوستی دانست که مردم دوستش دارند. سختم ربا آرزوی اینکه آقای جمشید کشفی به خدمات اجتماعی و مذهبی خود به استواری هر چه بیشتر ادامه و با امید به توفیق در این خدمات را بپایان می برم.

از بازی روزگار شکوه ننمود چه به آن هنگام که جهان بکام او بود. و چه زمانیکه روزگار به او پشت کرده بود و بزعم بسیاری پاک باخته بود همیشه همتی داشت به استواری کوه ها و طبعی به بلندی آسمانها- و هرگز کسی ندید که کشفی از ناسازگاری ایام بنالد.

هنگامی که از کشفی سخن میگوئیم دریغ است از ملیحه کشفی همسرا و بانویی که از افتخارات جامعه ما است نام نبریم. زنی که تمام زندگی خود را صرف خدمت به جامعه کرده است و هرگز یکدم از خدمت به خلق باز نه ایستاده است. بانویی که برای بسیاری از کودکان پرورشگاههای سازمان بانوان یهود ایران مادری راستین بود و با تمام تاب و توان خود از کمک به درماندگان و بیسویان دریغ نداشت و همین خصائل والای او است که مصداق این جمله است که در پشت سر مردان بزرگ زنان بزرگی وجود دارند.

وام‌های دولتی

FNMA - FHMLC

وام‌های مسکن

وام‌های فوری

شاپینگ سنتر - آفیس بیلدینگ

کاندومینیوم - آپارتمان بیلدینگ

مسکن - ساختمان سازی

خدمات مالی ژرژ اسحقیان

برای گرفتن وام همیشه احتیاج به اثبات درآمد و یا شغل ثابت نیست

کمترین بهره در کوتاه‌ترین مدت

Fix Rates - Adjustable Rates  
Quick qualifying Loans

14937 Ventura Blvd., Suite 206  
Sherman Oaks, CA 91403

(818) 906-3666

# ایران در دهمین سال رژیم جمهوری اسلامی

ف - پیروز

جمهوری اسلامی ایران به دهمین سال عمر خود رسیده است. از نه سال گذشته بیش از هفت سال ونیم آن در جنگ با عراق گذشت. جنگی که نه تنها نسل کنونی را از پای در آورده بلکه فاجعه ای است که نسلهای آینده نیز از آثار آن در مان نخواهند بود. نسل کنونی بسیار و ناخواسته از مصائب این جنگ رنج برده است، صدها هزار نفر از جوانان این نسل در میدانهای جنگ جان خود را از دست داده اند. هزارهائیکه دیگر در زیر بمبارانهای دشمن جان باخته اند و میلیونها نفر خانه و کاشانه خود را از دست دادند و اکنون بصورت مردمان آواره در گوشه و کنار مملکت زندگی می کنند. میلیاردها دلار پولی که می بایستی در راه زندگی مردم صرف شود به مصرف خرید اسلحه رسیده و صدها میلیارد دلار دیگر به شهرها و تأسیسات صنعتی و کشاورزی مملکت خسارت وارد شده است. جنگ را عراق آغاز کرد و در مدت کوتاهی که سر بازنش در خاک وطن، ماندند دمار از روزگار مردم خوزستان در آوردند و حتی مانند سپاهیان مغول به تجاوز وحشیگری پرداختند و سر انجام شکست خوردند و از خاک ایران بیرون رانده شدند. در آن زمان که کمتر از یکسال از فاجعه جنگ میگذشت میبایستی جنگ را خاتمه داد تا اینگونه سرنوشت و آینده نسلها بخطر نیفتد. در این هفت سال ونیم تمام منابع انسانی و اقتصادی موجود برای ادامه جنگ بمنظور تنبیه صدام حسین و رژیم بعثی عراق تجهیز شد و در عملیات بی شمار جنگی به مصرف رسید بدون آنکه عملاً بتوان صدام حسین را ساقط نمود و نتیجه اینست که اکنون صدام حسین بر سرکار است ولی صدها هزار نفر جوانان ایرانی به زیر خاک رفته اند. صدها میلیارد دلار بملت ما، خسارت وارد آمده و پیداست که آثار چنین فاجعه ای تا نسلهای زیادی ادامه خواهد یافت.

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که ادامه جنگ بمنظور ساقط کردن رژیم عراق و تنبیه نمودن صدام حسین در این هفت سال ونیم خطا بوده است زیرا از همان ابتدا معلوم بود که این هدف در شرایط سیاسی جهان امروز و تعادلهای موجود در خاورمیانه غیر قابل حصول است، منتهی رهبران رژیم اسلامی آنقدر در شعارهای معین این هدف اغراق کردند و احساسات ساده مردم را به ادامه جنگ تحریک نمودند، پس از چندی معلوم شد که دیگر از راهی که رفته اند بازگشت مقدور نیست کما اینکه امروز هم، که با پا در میانی شورای امنیت سازمان ملل متحد راهی برای خاتمه جنگ پیدا شده، رهبران ایران آنقدر درگیر نتایج احساسات همان مردمی هستند که خود آنها را به هیجان آوردند که نمیتوانند یکباره جنگ را قطع کنند یا حالت جنگی را پایان ببرند و دشمن را به پشت میز مذاکره بکشانند و تکلیف این فاجعه بزرگی را که بوجود آمده است یک سره کنند.

گفته میشود که رژیم ایران اکنون متوجه شده است که دیگر برای رسیدن به یک هدف غیر قابل حصول که بغرض آنکه انجام شدنی هم بود چندان دورنمای دلپسندی در فردای آن دیده نمی شد نباید بیش از این جنگ را ادامه دهد منتهی هنوز نتوانسته اند راه حلی پیدا کنند که چگونه از این بن بست خارج شوند. رژیم می بیند هر روز از روز پیش زندگی مردم بدتر میشود، در صحنه بین المللی دیگر ایران یک کشور مظلوم که دچار تجاوز عراق شده شناخته نمیشود بلکه بیشتر امروز عراق است که بنظر جهانیان مظلوم میآید. شورای امنیت در لفافه کلمات، عراق را برای آغاز جنگ محکوم میکند ولی از شتمات ایران برای ادامه آن نیز خودداری نمیکند. اینکه میگوئیم زندگی مردم روز بروز بدتر میشود چیزی نیست که حتی خود رژیم آن را نبیند.

اقتصاد ایران در دوران طولانی جنگ درهم ریخته شده است، عده بیکاران و آوارگان بمیزان غیر قابل کنترلی رسیده است، کوچکترین مایحتاج زندگی مردم با کوین و ایستادن در صفهای طولانی تأمین میشود، کشاورزی ایران که هیچگاه در چند دهه اخیر وضع درخشانی نداشت اکنون به روزگار بدتری مبتلا شده است. تنها منبعی که رژیم را بر سر پا نگاه میدارد نفت است که درآمد آن از چند سال پیش باین طرف به نصف رسیده است. وضع خلیج فارس برای ایران از هر موقع ناراحت کننده تر است. کشورهای خلیج فارس ومنجمله ایران که ۵۰ درصد ذخائر اثبات شده نفت جهان را در اختیار دارند امروز بعلت ناامنی در خلیج فارس قسمت عمده ای از نفت خود را از راه خطوط لوله نفت به خارج میفرستند. شبکه لوله های نفتی که حتی خود ایران بدنبال گسترش آنست اهمیت استراتژیک تنگه هرمز را کاهش داده و رهبران رژیم دیگر نمیتوانند بگویند بایستن تنگه هرمز دنیا را منجمد خواهند کرد. خطوط لوله نفت هر روز مانند تار عنکبوت کشورهای خاورمیانه و کشورهای در معرض خطر انقلاب اسلامی را در بر میگیرد و حتی خود ایران هم بعلت وجود خواهی نخواهی دچار همین وسوسه شده است، با این تفاوت که اگر در کشورهای عربی طرحهای خط لوله بعد از یکی دو سال به بهره برداری میرسید د ایران بیشتر در باره آن صحبت میشود چون واقعاً پولی برای اجرای این طرحها در بساط نیست. چند ماه پیش وزیر نفت ایران وعده داد بزودی خط لوله گاز سابق را برای حمل نفت از طریق شوروی مورد استفاده قرار خواهد داد، ولی در همان زمان کارشناسان نفت آن را غیر عملی دانستند و خود ایران مدتها است دیگر بحثی از این شاهکار را بمیان نمیآورد. حتی اخیراً این تردید حاصل شده که ساختمان خط لوله جاسک ادامه دارد یاخیر؟ روشن است که در وضع فعلی امیدی به افزایش درآمد نفت ایران که بتواند کمکی به بخشهای از کار افتاده دیگر بکند وجود ندارد.



پس از بروی کار آمدن رژیم اسلامی ظاهراً قرار بود که توسعه بخش کشاورزی بیش از دوران رژیم پیشین توجه شود ولی اکنون پس از ۹ سال کشاورزان ایران وضع بهتری از آن دوران ندارند. در دوران پس از انقلاب گفته می شد که ایران باید از لحاظ تولید کشاورزی و تهیه مواد غذایی به خود کفائی برسد و کشاورزی بصورت محور توسعه درآمد ولی بی سیاستی رژیم و گرفتاریهای داخلی کار را بجائی رسانده که از هر زمان بیشتر مواد غذایی از خارج وارد میشود ولی هنوز مردم باید در صفهای بی انتها برای تهیه چند گرم گوشت انتظار بکشند. آمار بانک مرکزی ایران نشان میدهد که واردات مواد غذایی و تولیدات کشاورزی در دوران رژیم پادشاهی هیچگاه از ۲ میلیارد دلار در سال تجاوز نکرده است در حالیکه در دوران رژیم اسلامس همه ساله این مبلغ رو به افزایش بوده تا آنجا که در سال ۱۳۶۶ به ۳/۸ میلیارد دلار میرسد و این در حالی است که درآمد نفت در این سال بحدود ۱۰ میلیارد دلار رسیده و جنگ همچنان ادامه یافته است. شکست کشاورزی و واردات ۲۵ درصد مواد غذایی اساسی مانند گوشت - گندم و امثال آن برای رژیمی که کشاورزی محور توسعه اقتصادی آن اعلام شده و احترام به ارزشهای روستائی از سیاستهای آن بحساب آمده بسیار خفت انگیز و نگران کننده است. در دوران رژیم پادشاهی مهاجرت از روستا به شهر کم نبود ولی هیچگاه تعداد جمعیت شهرنشین به میزان جمعیت روستائیان کشور نرسید. تنها پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی است که دیده میشود سیل مهاجرت کشاورزان از روستاها به شهرها توسعه پیدا میکند و ظرف چند سال پس از انقلاب تعداد مردم شهرنشین از روستائین بیشتر شده است نتیجه آنکه اندازه مطلق جامعه روستائی بحد غیر قابل قبول رسیده و تهیه غذا در ایران از هر زمان وخامت بیشتری پیدا کرده و این درحالی است که جمعیت کشور روز بروز بیشتر میشود و رشد آن به ۳ تا ۴ درصد رسیده که بالاترین نرخ را درجهان دارد. در رژیم اسلامی ایران سیاست کشاورزی بصورت یک مسئله

انفجار آمیز درآمده، اصلاحات ارضی زمان رژیم پادشاهی با همه کاستی هائی که در آن پدید آمد و سرانجام سنگ اول انقلاب را پایه گذاری کرد، اکنون بصورت یک مسئله سیاسی بین گروههای قدرت درآمده است. گروهی از حاکمان ادامه تقسیم اراضی را عدالت اسلامی میدانند و گروهی دیگر آن را مغایر حق مالکیت در اسلام می شناسند. لویح اصلاحات ارضی بارها و بارها بین دو قطب حاکم بصورت توپ فوتبال درآمده است و رهبر انقلاب مدتها طرف هیچیک را نگرفت و ظاهراً چند ماهی است که بیشتر به گروه موافق ادامه تقسیم زمین تمایل پیدا کرده اند. پیداست در چنین وضع بی تصمیمی هیچ سیاست قاطع کشاورزی نمیتوانسته است پایه گذاری شود. البته تنها در امر کشاورزی نیست که رژیم در اتخاذ یک تدبیر و سیاست مشخص در مانده است، در بیشتر شئون اقتصادی و اجتماعی جامعه همین وضع حاکم است و هنوز شکل و مشخصات جامعه حداقل از لحاظ اقتصادی روشن نیست. همین بی سروسامانی و مجادلات درون رژیم و آثار جنگ و وضع ایران در صحنه بین المللی دست بدست م داده و چنان اوضاع را بهم پیچیده است که دیگر متصدیان دولت قادر نیستند وظائف روزمره را انجام دهند و برای بیشتر مسائل عادی به فتوای رهبر انقلاب نیاز دارند. تا آنجا که از چند ماه پیش اولین بار با استفتای وزیر کار درباره امکان برقراری مقررات خاص برای صنایع و کار فرمایانی که از تأسیسات و امکانات دولت استفاده میکنند و وصول هزینه گرداندن این تأسیسات از استفاده کنندگان و موافقت آیت اله خمینی با پیشنهاد وزیر کار، دولت این حکم را بر سایر وظایف خود تسری داد و سپس در میان مخالفین این شبهه پیش آمد که آیا دولت میتواند تا این حد خودسرانه اقدام کند و هر نظم و سیاستی را که مایل است مستقر نماید؟ در نتیجه رئیس جمهور که خود چندان موضوع را مطرح و قدرت دولت اسلامی را تابع حدود و ضوابطی دانست که سبب شد مورد تعرض آیت اله خمینی قرار گیرد و سرانجام تر قدرت نامحدود حکومت ناشی از ولایت

مطلقه پیامبر اسلام بمیان آمد تا آنجا که طبق فتوای آیت اله خمینی حکومت اسلامی میتواند حتی در صورت مصلحت ارکان دین را مانند نماز و حج تعطیل یا متوقف نماید همین فتوا خواهیهای مسئولین امر نشانه آنست که رژیم در کار اداره مملکت با مسائل بسیار درگیر است و ارکان آن هماهنگی لازم را ندارند، کما اینکه همین چندی پیش بعلت اختلاف نظر بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان که پاره ای از مصوبات مجلس را مغایر مقررات اسلام شناخته و از تصویب آن خودداری نموده است، بنا بدستور آیت اله خمینی مرجع سومی تشکیل شده که اختلافات آن دو مرجع اصلی و مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی را برطرف نماید. احتمالاً دور باطل اختلافات حاکمان و مراجع قدرت تهران ممکن است در آینده تشکیل نهادهای دیگری را باعث شود.

مطلب دیگری که در چند ماه اخیر در

ایران پیش آمد و نظر کنجکاو ناظران خارجی مسائل ایران را بخود جلب نمود آنست که آیت اله خمینی وصیت نامه سیاسی خود را تغییر داد. در اوائل زمستان گذشته رهبر انقلاب عده ای از برگزیدگان رژیم را بحضور پذیرفت تا باطلاع آنها برساند که وصیت نامه قبلی خود را تغییر داده و وصیت نامه جدید را برای سپردن به مجلس شورای اسلامی و آستان قدس رضوی تسلیم نمود. اگرچه کسی از محتوای وصیتنامه جدید خبر ندارد ولی دفتر آیت اله خمینی باطلاع عموم رسانده است که نظر به مقتضیات زمان رهبر انقلاب وصیتنامه پیشین را تغییر داده اند. بعضی از ناظران اعتقاد دارند که رهبر انقلاب که سابقاً آیت اله منتظری را برای جانشینی خود تعیین نموده بودند اکنون با وضعی که پیش آمده از رهبری یکنفره رژیم اسلامی در آینده منصرف شده است و بیشتر مایل است یک هیئت چند نفری اداره امور رهبری را بدست گیرد که احتمالاً آیت اله منتظری هم در آن هیئت خواهند بود. بقرار معلوم در این هیئت جدید حجت الاسلام رفسنجانی و آقای احمد خمینی فرزند رهبر انقلاب مشارکت دارند و باتفاق هم و نزدیکی که بین

مخبر هیئت رفع اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان چنین بنظر میآید که بُعد مسائل و مشکلاتی که دامنگیر رژیم است باعث شده تا رهبر انقلاب در تکاپوی یافتن راه حلهائی باشند که بقای رژیم را در دوران پس از حیات خود تضمین نمایند. گزینش آقای احمد خمینی برای فعالیت بیشتر در دستگاه رهبری و افزایش نامحدود قدرت دولت برای مواجهه با مشکلات فزاینده ای که در پیش است همین نظر را تأیید میکند و منتهی روشن است که تنها افزایش قدرت نامحدود است نمیتواند چاره ای برای مسائل امروز ایران باشد بلکه بیش از آن باید سیستم و نظام اقتصادی و سیاسی کشور به تعریف درآید تا نظام خودکار شود و نیاز به قدرت نامحدود و مطلقه پیدا نکند چون تاریخ نشان داده است که با زور نمیشود سعادت و خوشبختی یک ملت را فراهم نمود.

بر اساس قاعده تفکیک قوا نباید در امور اجرایی دخالت کنند، نظر به فعالیت های متعدد اجرایی ایشان بعنوان عضو شورای عالی دفاع و نماینده آیت اله خمینی و سمت های دیگر در مسائل اجرایی، بیشتر بعنوان یک هماهنگ کننده امور اجرایی جلوه گر شده است و بیش از هر کس دیگری در میان اطرافیان رهبر انقلاب بعنوان یک وزنه قابل اهمیت در مسائل داخلی و سیاست خارجی معرفی شده اند. چنین خصوصیتی از آقای رفسنجانی و احاطه ایشان به رویدادهای بین المللی و وفاداری او به آیت اله خمینی از زمانیکه در حوزه علمیه شاگرد ایشان بوده اند. باعث شده که رهبر انقلاب او را به عنوان یکی از اعضای هیئت رهبری آینده ایران در نظر داشته باشد. هر چند این انتخاب قطعیت داشته باشد ولی در شرایط فعلی ایران و ظاهر شدن آقای احمد خمینی در صحنه سیاسی و بخصوص مشارکت ایشان به عنوان

آقای احمد خمینی و حجت الاسلام رفسنجانی وجود دارد نقش آیت اله منتظری چندان مهم نخواهد بود. از این جهت بنظر پاره ای از ناظران، بر مبنای وصیت نامه جدید احتمالاً جناح محافظه کار رژیم به ریاست آقای رفسنجانی اداره امور رهبری راعهده دار خواهد شد بخصوص که آقای خامنه ای ریاست جمهور تا چندی دیگر باید سمت خود را ترک گوید و جناح چپ به رهبری او دیگر چندان اعتباری نزد رهبر انقلاب ندارد. بنظر همین ناظران این تغییر جهت در انتخاب سازمان رهبری برای سالهای پس از درگذشت آیت اله خمینی ممکن است ناشی از بیم ایشان از کم تجربگی سیاسی آیت اله منتظری باشد با وجود صلاحیت های دیگر بنظر ایشان صلاحیت کافی برای رهبری راندارند. برعکس حجت الاسلام رفسنجانی با وجود آنکه ریاست مجلس اسلامی راعهده دارند و

# gingiss®

## formalwear



• Rentals • Out of Tow Service • Same Day Service  
• Business Suit • Rental & Sales

# گین گیس

(بامدیریت ایرانی)

عرضه کننده بهترین و زیباترین تاکسیدوها، ولباسهای شب با مشهورترین مارک های جهان بانازلترین قیمت برای فروش وکرایه

## گین گیس

واقع در شرمین اوکس گالریا طبقه دوم جنب رابینسون  
Sherman Oaks Galleria  
(818) 783-0924

• سفارشات شما همانروز تحویل می گردد

# خدمات بیمه بیژن نهائی

تلفن ۵۲۰۰-۲۷۶ (۲۱۳)



**BIJAN NAHAI  
INSURANCE SERVICES**

9665 Wilshire Blvd., Suite 300  
Beverly Hills, CA 90212  
(213) 276-5200

## .... از جانب من ببوس رویش.



نامه ات پریشب رسید. درجه پست را که باز میکنم، پیش ازهرچیز چشم دنبال پاکت های چهارگوش وطنی میگردد. پاکت های آمریکائی بیپوده گنده است و بی قواره، مثل چیزهای دیگرشان. از میان کاغذهایی که از ایران میرسد، اول دستخط پرلرزش مادر است که خیلی شادمانم میکند و سپس نامه های زیبای تو.

نامه تو راسرری نمی شودخواند. با کاغذ تو باید بقول برو بچه ها، حال کرد. دست کم یک قوطی آبجو نگری (میدانم درستش «نگرگی» است، لطفاً زیرش خط قرمز نکش!) و یک نخ سیگار (سیگار معمولی راعرض میکنم - نگران نباش ماهنوز علفی نشده ایم!) خرج بر میدارد. مجهز باین دو «مخدرات!» توی مبل لم میدهم و تامل میام مشغول خواندن شوم، ناگهان ارتعاشاتی صوتی که ورای تحمل حس شنوائی است و باعث زاورا شدن آدم میشود مرا ازجا می پراند. چندین ثانیه طول می کشد تا بخودآیم و درک کنم که صدا، صدای گرامافون بنده زاده است که تا آخرین درجه بلند شده و خوداوهم باعربده آهنگ پرطیش را ک اندرول راهمراهی می کنند. فریادمیزنم «بس است!» اما صدای گرامافون آنقدر بلند است که نمی شنود. دلخوری شوم. خیلی دلم می خواست نامه ات را در سکوت مطلق می خواندم. ولی - باعرض پوزش - نمی شود. چرا؟ چون بنده منزل اطاق مطالعه ندارد، بنده منزل دوتا اطاق خواب هم به زور دارد چه رسد به اطاق مطالعه. اصلاً بنده منزل در این ناکجاآباد نیست! باری، به سروصدا تسلیم می شوم، با این فکرو دلواپسی که «نسل مابه اینجا خاتمه پیدا میکند.»

نامه ات رامی خوانم، نوشته ای: «جنگ بیدادمیکند. بچه ها خیلی دلمرده اند. نه موزیکی، نه سرگرمی، نه رفت و آمدی - همه اش کشت و کشتار است. انگار مملکت خانه ارواح شده است. بعضی وقت ها فکر میکنم «نسل مابه اینجا خاتمه پیدا خواهد کرد!» تله پاتی راملاحظه میفرمائید!

قصه، قصه نابودی ما است - چه درون

مرزو و چه برون مرز. خیرآقا، یک سیگار و یک آبجو چاره کار این نامه نیست. هردو راتجدید میکنم.

احوالپرسی اول نامه به اینجا کشید- می بخشی. انشالله حالت خوب است - که نیست، که من دارم تعارف باسمه ای میکنم، که انگار ما مجبوریم همه کاغذهایمان را با این «ایشالله ماشالله» هاشروع کنیم. دردیاری که نام شب، و نام روز، و نام زندگی «مرگ» است، «حال» تو چطور می تواند خوب باشد؟ و تعارف بنده هم مفتش گران است. پس تکلیف حال جنابعالی که معلوم شد. و اما اگر از احوال اینجانب بپرسید، الحمداله ملالی نیست جز پریشانی که یک لحظه هم رهایم نمی کند. شبها خوابم نمی برد. حتی شبهای تعطیلات آخر هفته. صبح یکشنبه است. ساعت شش بامداد. همان ساعتی که پیچ رادیو را می پیچانندی و شیر خدامیخواند، و بعدش ورزش سوندی بود- یک، دو، سه، چهار- با آهنگ پیانو. بعدتقی روحانی و برنامه بامدادی. سه ساعت است بای خوابی دست به گریبانم و در این افکار شناور. کی جرأت میکنی پیچ رادیو را بچرخاند؟ اغلب ایستگاه ها همان «آهنگ پرطپش راک اندرول» مربوط به بنده زاده را پخش می کنند. یادت هست منصور دهنده شتی همکلاسی مدرسه مان را؟ هر جا هست یادش بخیر. بشوخی و بالهجه غلیظ اصفهانی میگفت: «رادیوی ما خراب شد، همیشه بابا کرم می زند!» باور کن هر بار که پیچ این لعنتی را می چرخانم یاد حرف منصور می افتم - با این تفاوت که اینجا «همش راک اندرول می زند!»

با خود کلنجار میروم که برخیزم و به خیابان بزنم، اما خسته ام و حوصله ندارم. خوابم میآید، ولی تا سر روی متکامیگذارم، غم با سپاهیانم لشکر انگیزی می کند. خدا بیامرز پدرم میگفت باین میگویند «مخشاوا». واژه ای عبری که ترجمه آنرا نمیدانم. نمی خواهم هم بدانم. «مخشاوا» قطعاً چیزی را بمن تداعی میکند که هم سنگ فارسی آن نخواهد کرد. می برم توی اتومبیل و به خیابان میزنم.

خیلی خلوت است. «هیچ بنده خدائی این وقت صبح توی خیابانها نیست که توهستی!» این راه مسرم مرتب بمن میگوید: همسرم بیماری خوش خوابی دارد.

سر چهارراه، پشت چراغ قرمز، ایستاده ام. فقط من. خدا خدایمکنم یک ماشین بیاید و برای این چند لحظه کنارم بایستد و پشت فرمان آن خانمی باشد به زیبایی کلتو پاترا... خیری نمی شود. آرزو میکنم یکی بیاید، حتی یک مرد فلتش سبیل کلفت. فرق نمی کند، فقط یک نفر که «یک نفر» باشد. زهی خیال باطل.

چراغ سبزی شود و من میروم. باری خوب خوبان، ماداریم از درد فشار زندگی قالب تهی می کنیم و دسته دسته یاران یکنه دنیانشین که از زور رفاه کبکشان خروس میخواند، میفرمایند: «چغندر پخته می خواهی؟» ما، در تلاش معاشیم و اینان در شیش و بش جدل های عهد قوق و ماقوق. اصلاً انگار حالی شان نیست که اینجاندیای دیگری است و زمان زمانی دیگر. میرزا عبدالله خان را که می شناسی، پدر هوشنگ رامیگویم. پیر مرد هنوز هم که هنوز است بادادگاه خانواده زمان شاه مخالف است. میگوید شاه زنها را خیلی پرور کرد- برای همین بود که انقلاب شد و برای همین هم هست که اینجا کنترل زندگی دست اینها افتاده و خزعبلاتی از این دست. اما به آرایش خانم ها که میرسد، نقطه نظرهایش شنیدنی است - یعنی حیف است که برایت نویسم. ایشان میفرمایند:

«پریروز توی خیابان خانمی رادیدم که پشت چشمش را قرمز کرده بود. ما از وقتی حرف حالیمان شده تا به امروز، سرخی گونه شنیده ایم ولی سرخی چشم؟ چرا- شنیده ایم که میگویند: «فلانی از بس گریه کرده بود، چشم هایش شده بود مثل دوتا کاسه خون» یا مثلاً «از بس غصه خورده ام یک چشم اشگ است و یکی خون»، ولی اینکه آدم دستی چشم خودش را سرخ کند، باید عقلش پاره سنگ بردارد. بی رودر بایستی، بنده هر وقت اینگونه، آرایش های عجیب و غریب را می بینم، وحشت می کنم. من نمیدانم این

خانم ها حالیشان هست یا نه که قصد از آرایش آنستکه خود را در دل مردها جا کنند اینک زهره آنها را بترکانند. اصلاً آقا، من حرف دیگری دارم. ببینید عزیزم. یادش بخیر، حاج روبن آق بابا میگفت: آدم اگر بنا بود سیگار بکشد، خداوند متعال او را با یک دودکش (که احتمالاً روی کله اش تعبیه شده بود) می آفرید. حالا بنده هم به تقلید از آن خدا بیامرز میگویم، اگر خانم ها بنا بود توال کنند، بایک جعبه لوازم آرایش بدنیا می آمدند. شما تورا را بخوانید، نویسیم را بخوانید، کتبیم را بخوانید، بهره صیدوری دم دستتان آمد مرا جعه کنید، اگر یک جانوشته شده بود که خانم ها حق دارند توی کار خدا دست ببرند و آنچه را که آفریده، روتوش کنند، بنده گردنم را میگذارم زیر گویوتین. حالا نپرید بروید یک آیه گنگ و مبهم خارج از حد معلومات حقیر گیر بیاورید و بیایید تعبیر و تفسیر کنیدها! شما را بخدا کلا هتان راقاضی کنید و راست و پوست کنده به بنده بفرمائید که آیا مثلاً اینهمه سیاهی که خانم های این روز و روزگار به پلک ها و مژه هایشان میزنند برای چیست؟ که بنده راتحمیق کنند که مژه هائی چون تیررسته از کمان دارند؟ اینها خیال می کنند با چه طرفند؟»

میرزا عبدالله خان جایش اینطرف نیست - جایش آنجا است که توهستی. یک «اشهد» کم دارد و یک ته ریش تا برمسند ریاست اداره مبارزه با منکرات تکیه بزنند. کی گفته ما انقلابی نداریم؟

تولد من را تبریک گفته بودی، یک دنیا ممنون - اما چه تبریکی. بی ادبی نباشد، ولی من سردرنمیآوریم که تولد، اونهم تولد پنجاه سالگی، دیگر چه تبریکی دارد؟ بله قربان! منحنی کله قندی شکل زندگی رسید به نقطه اوج و داردمیرود که توی سرازیری بیفتد. بچه ها پارسان روی کیک تولد حقیر، چهار تا شمع گنده گذاشته بودند و نه تا شمع ریزه - یعنی چهل و نه، اما خوب، رو بهمرفته سیزده تا شمع بیشتر نبود. امسال، چشمتم روز بد نبیند، پنجاه تا شمع گذاشته بودند روی کیک مربوطه. من همینطور بهت

کنم که در هیچ برهه ای از زمان - از حالا تا ابدیت، هیچ حقی حتی به صتار از دارائی داماد نداشته باشم.

اگر گفتمی خسرو چه کرده؟ نمیدانی؟ کمی فکر کن. خسرو جوشی راتجسم کن در متن چنین صحنه ای! حدست کاملاً درست است: داماد و خانواده مربوطه با اردنگی از خانه اش بیرون انداخته. دست مریزاد!

از اینکه تنهامانده ای اظهار دلتنگی کرده ای و بر ما غبطه خورده ای که دور هم جمع هستیم و کیف همدیگر را می کنیم، این خبرها هم که فکرمیکنی نیست. در نامه قبلی برایت نوشتم که چطور جمع ها از هم پاشیده و معیارهای طبقاتی عجیب و غریب مبنای معاشرت ها و رفت و آمدها شده است. به اجاره نشین ها آپارتمان دارها محل نمی گذارند و آنها که خانه شخصی دارند با هیچکدام از این دو رفت و آمد نمی کنند. البته اگر متمکن باشی و اجاره نشین، مورد استثناء قرار میگیری!

نجات، دوست مشترکمان از آنهاست است که متمکن نیست و بازن و سه تا بچه توی یک آپارتمان کوچک دوطبقه خوابه اجاره ای زندگی میکنند. مدتی است در یک خیابان که آدم، آدم را می خورد، یک مغازه ساندویچ

فروشی باز کرده و به سختی روزگاری گذرانند. اشکال نجات هم اینست که «خودش است» و تظاهر نمی کند. در جمع، از گذشته اش که خیلی مرفه زندگی میکرد حرفی

بمیان نمیآورد. در حالیکه در این دیار غربت لاف زدن عادت همه گیری شده. تورج که در تهران کارمند ساده یک کارخانه تولیدی بود، اینجامدعی ریاست آن کارخانه و ده

تا شرکت دیگر شده. یک بار جلوم و نجات داشت به گروهی که او را درست نمی شناختند میگفت: «اعلیحضرت چندین بار با بنده در این مورد در کاخ نیاوران مشورت کردند و بنده خدمتشان گفتم - قربان این کار را نکنید، مردم انقلاب می کنند، ولی

خدایا امروز گوش نداد و شد آنچه نباید بشود!» نجات هم نگذاشت و برداشت و به تورج گفت: «تو اصلاً تهران را از خیابان شاهرضابه بالا بلد نبودی، حالا مدعی کاخ نشینی

شدی؟» چشمت روز نبیند، یک دعوائی راه افتاد که نگو و نپرس. نتیجه این شد که ما گفتیم تورج در آینده دست کم جلونجات اینهمه قمیز در نخواهد کرد - اما از آنجا که «تربیت نااهل را چون گردگان برگنبد است» تصور ما غلط از آب درآمد، اینطوری:

تورج داشته برای یکپهفته به مسافرت میرفته، شاید به نیویورک. بعد از اینکه چندین ماه بانجات تماس نداشته، باوتلفن میزند که با او خدا حافظی کند. نجات مؤذبانانه تشکر میکند و برای او این داستان را نقل می کند:

مگسی در هوا پرواز میکرد. خسته شد. روی سرگاو نشست. نشست و نشست تا خستگی اش در رفت. وقتی میخواست برخیزد و برود، خطاب به گاو گفت: «بنده را خیلی می بخشید که مزاحم شدم و بر سر شما سنگینی کردم. حالا که می خواهم از حضورتان مرخص شوم لازم دانستم کسب اجازه کرده مراتب سپاسگزاری خودم را خدمتتان اعلام دارم.» و گاو به مگس پاسخ میدهد: «واله نه ما آمدنت را فهمیدیم و نه رفتت را»

ترا خدا زود به زود کاغذ بده.  
و دیگر درود و بدرود.

## کتابفروشی نسترن

فروش کتب متفرقه و مجموعه از  
تفیلای روش هشانابا ترجمه فارسی  
که در لوس آنجلس تهیه شده است

2370 WESTWOOD BLVD. SUITE H  
LOS ANGELES, CA 90064  
(213) 470 - 0406  
(213) 851 - 9931

زده جلوشمع ها ایستاده بودم. دوستان دسته جمعی اول تولدمبارک خواندند، بعدش هم «هپی برت دی» و بعد فریاد «یاالله، یاالله، فوت کن دیگه، شمع ها آب شد!» راست می گفتند، این نمایشی بود نورانی از همه سالهائیکه مثل شمع از زندگی من آب شده بود. و بعد، با چاقو افتادند به جان کیک و پیکرشمع آجین. شیرینی مادر مرده را تکه تکه کردند.

احوال خسرو را پرسیده بودی، اوقاتش خیلی تازگی هاتلخ است. طفلکی حق هم دارد. نمیدانم خبرداری یا نه، توی این مملکت زن و مرد مشترک الماند - یعنی از لحظه ایکه بعقد قانونی یکدیگر درآمدند، پنجاه پنجاه حق به کلیه مایملک یکدیگر دارند. این قانون توهینی است به عظمت پوشالی ما مردها که در سرزمین گل و بلبل زن را جزئی از ابواب جمعی خانه میدانستیم. این قانون بما خیلی زور میآورد ولی از آنجا که «مردی گفته اند و زنی»، ما مردها هم فوری به مقابله به مثل پرداخته ایم. این بلانی که به سر خسرو آمده - و شده است یک بیماری همه گیر و خانمان بباد ده، عارضه همان مقابله به مثل است.

خسرو را که می شناسی، آدمی نیست که هیچ چیز را از زن و بچه اش دریغ بدارد. پروانه دختر بزرگش نزدیک به بیست و چهار سال سن دارد. باورت می شود؟ همان نیم وجبی که تا چندی قبل مثل فریره این طرف آنطرف میدوید، حالا فوق لیسانس گرفته و بزودی هم بناست دوره و کالت رایبگذرانند. ماشاله هزار ماشاله مثل دسته گل. درست؟ اخیراً از میان خواستگارهایش انگشت گذاشته روی یک نفر که فکر میکرده خیلی آدم حسابی است - اگر اسمش را برایت بنویسم، توهم فوری خواهی گفت که نه بابا اینها آدمهای خیلی حسابی هستند، اما بگذریم. خانواده داماد میآیند و حلقه رد و بدل می کنند و حرف از تعیین تاریخ نامزدی بوده که ناگهان آقایان که خانواده داماد باشند یک ورقه می گذارند جلوی عروس خانم که یک عدد امضاء خوشگل بیاندازید زیرا این کاغذ، متن ورقه چه باشد؟ هیچ! که من عروس امضاء میدهم و تقبل می

# دکتر روبرت خرمیان

جراح و متخصص پا

متخصص و فارغ التحصیل امریکا

اولین جراح و دکتر پودیتریک، در جامعه دکتران ایرانی لوس آنجلس

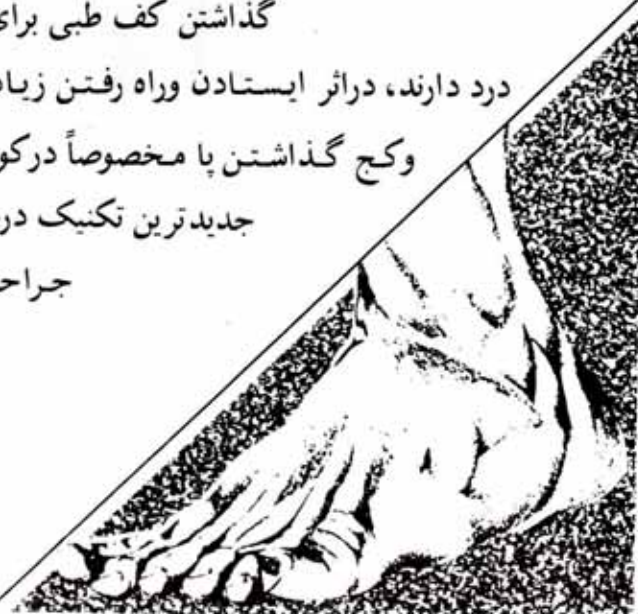
DOCTOR OF PODIATRIC MEDICINE  
AND SURGEON



- |                              |   |
|------------------------------|---|
| Ulcers and Wounds            | نقص عضو مادرزادی پا - عفونت و زخم های عمیق پا         |
| Birth Defect of the Feet     | میخچه - درد شدید کف پا - بیماریهای مفاصل و استخوان پا |
| Heel Spur and Arch Pain      | جراحات ورزشی - بیماریهای پوستی و قارچ وزگیل پا        |
| Joint Disease - Edema        | شکستگی - ترک - پیچ خوردگی انگشتان و مچ پا             |
| Bunion and Hammer Toes       | درد و بیرون آمدن رگهای پا                             |
| Tendonitis                   | بیماری و کجی ناخن پا - خمیدگی و کجی انگشتان پا        |
| Dermatitis and Warts - Corns | گذاشتن کف طبی برای کسانی که پا                        |
| Variocose Veins              | درد دارند، در اثر ایستادن و راه رفتن زیاد - صافی پا   |
| Flat Feet and Pronation      | و کج گذاشتن پا مخصوصاً در کودکان - ورم پا             |
| Sports Medicine              | جدیدترین تکنیک در عمل جراحی پا                        |
| Ingrown and Diseased Nails   | جراحی پلاستیک پا                                      |

2222 Santa Monica Blvd., Suite 301  
Santa Monica, CA 90404

(213) 829-1866



## رویال دیزاین عرضه کننده بهترین هاست



## رویال دیزاین

زیباترین لوسترهای کریستال

با طرح های متنوع

در رویال دیزاین

1339 Santa Monica Mall  
Santa Monica, CA 90401  
(213) 451-0031





**ROYAL**  
Design Inc.

سانتامونیکا مال قدیم

شماره ۱۳۳۹۵

رویال دیزاین

۰۰۳۱-۴۵۱(۲۱۳)

دیگر منتظر سفارش و  
وعده‌های خیالی  
نباشید

زیرا در رویال دیزاین هر نوع مبلمانی که شما بخواهید  
در رنگ و طرح‌های مختلف همان روز  
به منزل شما حمل می‌شود

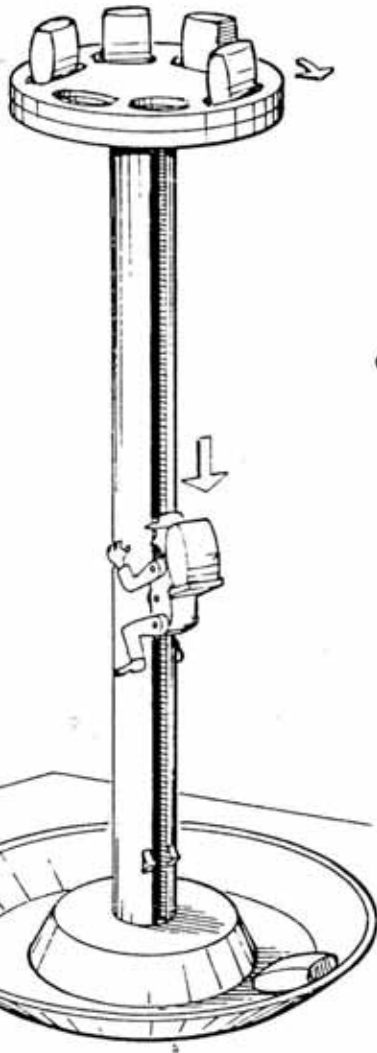
قیمت و طرح‌های رویال دیزاین را در هیچ کجای دیگر  
نخواهید یافت



## ناتان زپلویچ و عروسک «بوخن والد»

نوشته: نوراله خرازی (نوری)

«... ایامی بود که در مرحله های یهودیان در سرزمین های دور و نزدیک اغلب گروهی او باش راه می افتادند و جار زدن چندش آور «پوست جهود میخیریم ...» بزبان های مختلف بلند میشد و زنان و کودکان و مردان یهودی در پشت درهای بسته آنرا می شنیدند و می لرزیدند. این جارمخوف آنتی ژوئیف ها اغلب از مرحله حرف تجاوز نمیکرد و برای نقامدادن و ترساندن بود و بزودی فراموش میشد ولی انعکاس آن مثل ابری مسموم در فضا معلق ماند و بعد... و بعد از صدها فرسنگ جنین نیمه غمضروفی هیتلر و آیشمن ها و دکترمنگله ها (در حالیکه در رحم مادران خود شناور بودند و خواب میدیدند و با ابلیس عهد نامه می بستند و خط و نشان میکشیدند) این پیام شوم را شنیدند و جنیدند و بخاطر سپردند... و سال ها بعد وقتی قدرت را در دست گرفتند عهد خود را با ابلیس بیاد آوردند و سرزمین بنهویون و کانت و شوپنهاور و هیکل و آیشتن را تبدیل به سلاخ خانه کردند و از پوست بدن انسان ها حساب چراغ ساختند و از چربی آنها صابون... آنها جار زدن (پوست جهود میخیریم...» را از حرف بمرحله عمل در آوردند و دین خود را به ابلیس ادا کردند....»



به این عکس خوب نگاه کنید: اسم او ناتان زپلویچ است. او یکی از بازماندگان فاجعه هولوکاست هیتلراست.

به طرح بغل عکس او هم خوب نگاه کنید این طرح و الگو عروسکی «جان بخر» است که او درست ۴۴ سال پیش در سرمای سنگ شکن زمستان در یکی از بازداشتگاه های مخوف (بوخن والد یا نظیر آن) تعبیه کرده و توانسته است خود و ۲۹ نفر از همقطاران یهودی خودش را از تیر باران شدن یا روانه اطاق های گاز شدن نجات دهد....

این طرح (نانوای متحرک) را ناتان (از روی حافظه) سالها بعد وقتی در آمریکا مستقر شد و خاطرات دردناک و کابوس

مخوف اسارت در بازداشتگاه های مختلف راپشت سرگذاشته بوده با دست خودش بروی کاغذ آورده و همسرش که اکنون در شیکاگو بسر میبرد آنرا در اختیار ما گذاشته. سرگذشت ناتان و اسباب بازی او مثل داستان آنافرانک معروفیت جهانی ندارد ولی بهمان اندازه هیبت آور و چندش انگیز است. داستان او مثل عُصیان رقت انگیز یهودیان ورشو (لهستان) و شوریدن آنان بر علیه نازی ها گریه خیز نیست ولی شورانگیز است و در نوع خود بی نظیر است.

وقتی ناتان از بازداشتگاه بوخن والد فرار کرده است فقط ۸۷ پوند وزن او بوده. او سه بار روانه اطاق گاز شده است ولی هر سه

بار نجات یافته و بطور معجزه آسایی زنده مانده است که داستان دیوانه کننده خودش را برای ماتعریف کند و یکبار دیگر به خود و به ما و به دنیا و به دشمنان و هواداران ما ثابت کند که سر دوام ماطی ۲۷ قرن گالوت، امید و ایمان و نبوغ و سرسختی و لنگ نینداختن بوده است و هیچکس دست ما را نگرفته.

تپه یک عروسک یا اسباب بازی چندان مهم نیست ولی هدف ناتان و محیط مخوف و وحشیانه ای که ایده این اسباب بازی در آن نطفه گرفته و جان گرفته و «جان بخر» شده است این چند قطعه چوب (این خبثت ساز متحرک) را جزء ذیقیمت ترین و گرانبهاترین اشیاء و سمبل ها در آورده است

و تقریباً آنرا مقدس کرده است و این عروسک لایق موزه هائی مثل یدواشم و لوور و واتیکان است و نورشخینا از آن ساطع است و نباید آنرا دست کم گرفت.

ناتان ز پلوی بیچ با چند قطعه چوب نیمه پوسیده و مرطوب و یک مته شکسته و چاقوی زنگ زده ای که در سرمای سنگ شکن زمستان در پشت سیم های خاردار و الکتریکی از زیر برف ها پیدا کرده است و در کنار اجساد ای که از سرما خشک شده بودند، در چند قدمی اطاق های گاز و در صدای چندش آور گلوله هائی که سینه زندانیان را از هم میدریده و در مجاورت تنوره های سوزاندن اجساد و بو و دود گوشت و پیه و استخوان های نیمه سوخته انسانی عروسک خودش را بوجود آورده است و نه تنها جان خود و ۲۹ نفر رانجات داده است بلکه از یک بابت سلولی و موئی و عنصری از یک یک ۶ میلیون قربانی هیتلر را هم در آن دمیده است.

این اسباب بازی «مخوف» خیلی چیزها است:

این چند قطعه چوب سمبل نبوغ و چاره جوئی یک قوم دریدر و مستمیده است. این نانوا نماینده همه التماس های ماتهدیدها و توهین های بما است... ترس و لرزهای ما، پوگریم های ما و کت و پارشدن ها و تبعید ها و تغییر اجباری مذهب ما و «وصله» زدن های ما و آجیل دادن های ما برای نجات خودمان و زن و فرزندمان خودمان طی قرن ها گالوت در آن موج میزند.

از انگشت رمالی که در دل شب سراسیمه برای یک فرد با نفوذ مذهبی هدیه برده ایم که فردا فتوائی بر علیه ما میدهد گرفته تا جازدن چندش آور «پوست جهود میخریم...» و چرب کردن سبیل داروغه ها و نقل و کله قند و دستمال ابریشمی بردن و تعنیت وسط هفته گرفتن و پلاس پوشیدن و در راه آب قایم شدن و پنهانی شمع شب شبات را در زیر سبید روشن کردن همه در این عروسک چوبی و هیبت آور ناتان ز پلوی بیچ بیتوته کرده اند و آنرا جان داده اند و سوسومیزند.

ناتان در شهر ریگا (پایتخت ایالت لاتویا در بالتیک) در موقع حمله آلمان ها به روسیه

۷۹ نفر از اعضای فامیل خودش را از دست داد و بیخس شد.

پسراهن سیاهان هیتلر در یک روز در شهر ریگا ۲۲ هزار نفر یهودی را بقتل رساندند و از ۱۲۰ هزار یهودی لاتویا فقط ۱۱۲ نفر جان بدر بردند و او یکی از این ۱۱۲ نفر بود و استعداد میکائیکئی او از مرگ حتمی نجاتش داد.

ناتان بعد از جنگ به اسرائیل رفت و در جنگ استقلال ۱۹۴۸ شرکت کرد و در سال ۱۹۵۰ به آمریکا آمد و اسم خودش را از ز پلوی بیچ به «زپیل» تغییر داد و ۸ سال تمام در نیویورک و سایر شهرها مرارت و سختی و گرسنگی کشید و هیچکس با او ننگفت خرت بچنداست. او اغلب با تبسم تلخی میگفت: «هیتلر بمن یاد داد که چطور گرسنگی بکشم.» ولی سرانجام سر سختی و سماجت و نبوغ او توجه یک کارخانه قلم خود کار سازی را جلب کرد و برای اولین بار سر نوشت بروی او لبخند زد و قلم های خود کار او دنیا گیر شد.

تا سال ۱۹۸۰ بیشتر از ۲۰۰ میلیون از قلم های او در سراسر دنیا فروش رفت و بتدریج او صاحب ۳۲ اختراع ثبت شده در انواع قلم خود کار بود.

مجله معروف فوربز در یکی از شماره های سال ۱۹۷۴ خود او را یکی از نغمه موفق ترین مخترعین معاصر قلمداد کرد.

ولی این رساله درباره نبوغ او و ۳۲ اختراع ثبت شده او و موفقیت های چشمگیر و درخشان او نیست. این رساله درباره سه بار از اطاق گاز نجات یافتن او و کمک های ذیقیمت او در جنگ استقلال اسرائیل نیست. این رساله درباره اسباب بازی جان بخراو است و باید آنرا با گوش جان شنید و باو و نبوغ او و ایمان او احسنت گفت و سرتعظیم فرود آورد. این داستان داستان عروسک بوخن والداست.

ناتان ز پیل چند سال پیش در سانتا باربارا از بیماری سرطان درگذشت ولی حتی در پنجه در افکندن با هیولای مرگ هم طبع شوخ و خوش مشربی و خوش بینی و ایمان خودش را از دست نداده بود و در موقع جان دادن به همسر خودش گفته بود: من بدلم برات

شده است که باریتعالی برای من مأموریت مهمتی دارد و گرنه در چنین موقعی مرا احضار نمیکرد.

این فرد مستمیده که حق داشت بهمه چیز و همه کس بدین باشد و هیچکس را نبخشد همه را ببخشید. او مثل آنافرانک به زندگی و پاک طینستی هموعان خود و حتی دشمنان خود خوشبین بود و ایمان داشت.

طلی یکی از دردناک ترین فصل های تاریخ بشر، در موزائیک مخوف سیستم ابلسی آدولف هیتلر و سیاست منفور هم نوع و «حل نهائی»، ناتان ز پلوی بیچ با این اسباب بازی بصورت هیتلر و جلادان نازی تف انداخته است و زنده مانده است که آنرا برای ماتعریف کند.

در هنر نسلی یک عده ای قلیل با فداکاری و علو طبع و نبوغ و بلند همتی و وارستگی خودشان زندگی را برای سایر ما قابل تحمل میسازند. ناتان ز پلوی بیچ جزه این گروه برگزیده و نخبه است و روحش شادباد.

این اسباب بازی خبتاز متحرک در عین محقر بودن سمبلی از امید (در عین نومیدی) و سرسختی (در عین تزلزل و تردید) و مقاومت (در اقیانوسی از یأس) است.

بیائید داستان ناتان را از زبان خودش بشنویم و بعد از خواندن آن اگر خواستید برای روح او و روح ۶ میلیون که جان بدر نبردند یک قدیش بزنید و بعد... و بعد این سؤال دردناک را از خود یا اگر جرئت و جگرش را دارید از خدای خود بکنید:

آیا در بین این ۶ میلیونی که هیتلر و جلادان او با قساوت قلب و بی رحمی کشتند و سوزاندند و تیر باران کردند آیا چند نفر امثال ناتان ز پلوی بیچ وجود داشته اند؟ چند نفر مثل الی وایزل و آنافرانک و سیمون و یزنتال بوده اند؟ چند نفر نظیر آکبرت انیشتن و هنری کیسینجر نابود شده اند...؟ چند نفر...؟ چند نفر...؟

و اگر جواب دردناک آنرا یافتید ما را هم بی خبر نگذارید.

### داستان ناتان ز پلوی بیچ :

زمستان سال ۱۹۴۳ بود و من که فارغ التحصیل (!) چند اردوگاه مرگ و بازداشتگاه

های مختلف بودم در «بوخن والد» جان میکنم.

در اردوگاه قبلی ما را مأمور حمل کیسه های سنگین شکر و نمک کرده بودند و دیگر رمقی برایمان باقی نمانده بود. حمل کیسه های شکر قدری آسان تر بود چون محتوی نرم آن براحتی روی دوش های استخوانی ماقرار میگرفت ولی کیسه های لعنتی آب کشیده نمک (با تکه های درشت و نوک تیز) شانه های نحیف و پشت نیمه عریان ما را خونین میکرد و درحقیقت نمک بروی زخم ما میپاشید!

ما روزی ۱۸ ساعت بردگی میکردیم و وقتی هم فرسوده شده ومی افتادیم ما را تیرباران کرده یا روانه اطاق گاز میکردند.

یک روز سرد و یخ بنندان متصدی کمپ که یک افسر اس اس بود و از استعداد مکانیکی من اطلاع داشت به محوطه ما آمد و نامه ای از جیب پالتو خود بیرون کشید.

ماهمه از ترس و سرمادندان هایمان بهم میخوردم و باقلبی لرزان منتظر شنیدن «لیست مرگ» ایستادیم چون اغلب روزها متصدیان و گاردهای زندان (معمولاً بعد از نهار) ۳۰ تا ۴۰ نفر از ما را در کنار دیوار ردیف کرده به مسلسل می بستند و گونی این کشت و کشتار و سلاخی بمنزله یک دسرخونین بعد از نهار آنها بود.

افسر اس اس بعد از اینکه قدری ما را ورنانداز کرد و از تماشای وحشت مرگ بروی چهره های ما لذتی ابلیسی برد گفت: همسرم نوشته است که متفقین مرتب برلن را بمباران میکنند و برای او میسر نیست که عروسک یا هدیه دیگری در این کریسمس برای ۳ فرزند خردسال ما بدست بیاورد.

بعد چشمان خاکستری رنگ و سردخودش را بروی من دوخت و بالحن شمرده اضافه کرد: اگر تو هر چه زودتر برای ۳ پسر من اسباب بازی یا عروسک جالبی تهیه کنی که مورد پسند من و آنها قرار گیرد تو و ۲۹ نفر از همقطاران ترا موقتاً از تیرباران کردن معاف خواهم کرد.

سپس نامه رانا کرد و درجیب بغل خودش گذاشت و بیرون رفت و مامات و مپهوت

بصورت یکدیگر خیره شدیم. ماهمه از گرسنگی و مرارت بصورت اسکلت و مرده های متحرک درآمده بودیم ولی مصمم بودیم زنده بمانیم و افسر سنگدل اس اس این فرصت را (موقتاً) بما عطا کرده بود.

در محیط لعنتی و مرگبار بازداشتگاه که زندانیان مثل برگ درخت در خزان می افتادند و میمردند یا روانه اطاق های گاز شده و یا تیرباران میشدند و نگاه در زیر ضربات بی رحمانه مشت و لگدگاردها مشاعر خودشان را از دست میدادند مواد اولیه ای برای تهیه یک عروسک یا اسباب بازی مکانیکی جزء محالات بود و از فنریاباطری و موتور و ابزار آلات خبری نبود. لکن وقتی پای جان در میان باشد هیچ چیز محال نیست.

سرانجام من و همقطارانم با چند قطعه چوب نیمه پوسیده و یکی دو چاقوی شکسته و یک مته زنگ زده (با استفاده از قوه جاذبه) موفق شدیم اسباب بازی نانوای متحرک را تقریباً از هیچ بوجود بیاوریم. ایده ساده ای بود ولی در بیابان لنگه گیوه نعمت خدا است.

نانوا از ستون چوبی توخالی بطرف بالا صعود میکرد و وقتی به انتهای آن میرسید یک کیسه آرد کوچک (که ما از چوب تهیه کرده و رنگ کرده بودیم) بروی سر او می افتاد و او سنگین شده بطرف پائین نزول میکرد و وقتی کیسه آرد از شانه او پرت میشد سبک شده و باز سر صعودی را از سر میگرفت و باز هوار بر سرش می آمد و بر میگشت. این جریان تقریباً مضحک بالا و پائین رفتن نانوا ۶ بار تکرار میشد و باتعبیه مجدد شش کیسه آرد در بالای برج این ماجرا از سر گرفته میشد.

وقتی عروسک چوبی آماده شد دو هفته قبل از کریسمس بود و من بادستانی لرزان و قلبی که خودم هم صدای آنرا می شنیدم ختاز متحرک را بدون حرف به او ارائه دادم و بعدمثل کسی که هپنوتیزم شده باشد به چشمان خاکستری و سرد و بی رحم او خیره شدم چون میدانستم پیام مرگ (یا بخشودگی موقت) ما ۳۰ نفر از تیرباران شدن در آن چشمان خواهد بود.

در آن لحظاتی که او با نانوا می متحرک

و بر میرفت دیگر اردوگاه مرگ و سرما و گرسنگی و اجساد روی برف افتاده و رگبار مسلسل و بوی دود گوشت و چربی و استخوان انسانی که از تنوره های مجاور بر میخاست درهم کشیده و دستان دستکش دار افسر اس اس بود که مرا در جای خود میخکوب کرده بود و ضجه ای را که از درون من بر میخاست بزحمت در خود خفه میکردم.

چند دقیقه ای که بنظر من بقدر صدسال آمد بدون حرف گذشت و این بار من چشمان او را فراموش کردم و به لبان نازک و بهم فشرده او نگاه کردم ... ناگهان تبسمی بر لبان او نقش بست و من فهمیدم خودم و ۲۹ نفر بیگناه دیگر از مرگ نجات یافته ام .. ضجه ای که در درون خود بزحمت خفه کرده بودم ناگهان ترکید و من بی اختیار شروع به گریه کردم و بروی زمین در غلغله کردم.

وقتی بهوش آمدم افسر اس اس رفته بود ولی دو هفته بعد او به کمپ ما آمد و با اینکه افسران نازی آلمانی حق نداشتند بایهودیان دست بدهند با گرمی بمن دست داد و گفت نامه ای از همسرش داشته است و همگی مفتون ختاز متحرک شده اند و در محله بمباران شده آنها در شهر برلن فقط سه پسر او هدیه کریسمس داشته اند.

ظاهراً ناتان بخيال خودش با تهیه این اسباب بازی فقط جان خود و ۲۹ نفر دیگر را نجات داده است ولی ارزش شاهکار غم انگیز او (این عروسک ظاهراً بی قابلیت) خیلی بیشتر از اینها است و مدرک دارم و اگر بعضی مطالب را تکرار میکنم عذر موجه دارم.

درست است که این «نانوای متحرک» تراژدی یهودیت است و مینیاتوری از یک فصل دردناک و غم انگیز یک قوم ستم دیده و «از چشم خدا افتاده» است ولی وقتی دایره دید خود را وسعت بدهیم و با چشم جان به آن بنگریم دنیا گیر و جهان شمول میشود و بهمه ستم دیدگان و مظلومان و بدبیاران تاریخ تعلق دارد و عظمت آنها هم در همین است چون ضد و نقیض تاریخ در آن موج میزند این ختاز متحرک مثل شمعی است بر مزار دسته جمعی همه آنها که (چه یهودی چه نصاری - چه

گبرو چه مسلم) در سراسر تاریخ خونشان بناحق ریخته شده است و حتی خداهم اسم آنها را فراموش کرده است!

مرهمی است بزخم دل همهٔ مظلومان و استثمارشدگان و ستمدیدگان و شهیدان تاریخ چند هزار سالهٔ بشر- تاریخی که نودونه درصد آن داستان بی رحمی های بشر به بشر است و (جزء در بعضی موارد استثنائی) چندان باعث سر بلندی نیست و نشان میدهد که در ماورای قشر نازک «تظاهر به انسانیت» و نوع دوستی جانوری مخوف و هیولانی خونخوار آمادهٔ نابود کردن و سوزاندن و به بردگی بردن و بزانودر آوردن هم نوعان ضعیف تر از خود است و این حیوان وحشی هرگز رام نخواهد شد.

این عروسک چوبی خنجری است در قلب سیاه همهٔ تعصبات مذهبی و تبعیضات نژادی و دشمنه ای است در سینهٔ همهٔ سفاکان و چاقو کشان و او با شان و دیکتاتورهای تاریخ و سمبلی است از عصیان و قد علم کردن مظلوم بر علیه ظالم.

و وقتی هم جنبهٔ «یهودیت» آنرا در نظر بگیرید این «عروسک بوخن والد» مژستی آهنگین است بر دهان مؤرخین قلبی و ضد یهود که میکوشند دنیا ثابت کنند فاجعهٔ ۶ میلیون هرگز روی نداده است.

میدانم خیال خامی است ولی آیاممکن است این عروسکی که ناتان در ۴ سال پیش در بازداشتگاه مخوف بوخن والد تهیه کرده است هنوز در گوشهٔ گاراژی در برلن گرد و خاک بخورد؟ آیاممکن است یکی از فرزندان افسر اس اس آلمانی آنرا نگاه داشته باشد و بعد از سال ها آنرا به فرزندان او خودش داده باشد؟

این مدل اصلی که ناتان فقط یک عدد آنرا تهیه کرده است یک عروسک عادی نیست و باید بهر قیمتی است پیدا شود چون همانطور که عرض کردم در هراتم و الکترونی از فیبرهای چوبی آن ناله و فغان دلخراش شش ملیون لانه گرفته است.

چون سرتاپای آن از خونابهٔ نامرئی قربانیان هیتلر اشباع شده است و در پیه و چربی بدن آنهاست که در تنورهای

هیتلر بریان شده اند غسل داده شده است. لابد میخواهید بگوئید میتوان مدل تازه ای از این نانوائی متحرک تهیه کرد ولی مجدد ساختن آن فایده ای ندارد و دردی رادوا نمیکند و اگر باعاج آبنوس و طلا هم تهیه شود بدرد نمیخورد. باید کوشید و مدل اصلی را پیدا کرد... مدلی که از یک یک ۶ میلیون قربانی هیتلر عنصری بعاریه گرفته و تا ابد نعره میزند و فریاد خشمگین آن دل رامیسوزاند.

سال ها بعد وقتی یکی از دوستان ناتان (که خود در تبعیه کردن و بوجود آوردن انواع اسباب بازی ازمخترعین معروف آمریکا است) داستان اسباب بازی نانوائی متحرک و پاربدوش کشیدن دائمی آنرا از زبان اومی شنود متحیر می ماند و از لحاظ روانشناسی آنرا حقیقتاً جالب و پرمعنی می یابد.

ناتان ز پلوی بیچ که بجرم یهودی بودن بصورت برده ای در بازداشتگاه نازی هامحکوم باعمال شاقه شده است و کیسه های سنگین نمک و شکر را بروی شانته های نحیف و استخوانی و خون آلود خودش حمل میکند وقتی هم افسر اس اس آلمانی از او میخواهد که عروسکی تهیه کند (اوبی آنکه متوجه باشد) یک خباز «برده مانند» و بارکش و رنجبر ایجاد میکند. او در حقیقت خودش را بوجود می آورد!

اونانوائی متحرک و برده مانندی را تبعیه میکنند. نانوائی که مرتب کیسه های آرد را دوش گرفته و بالا و پائین میبرد و شکوه ای نمیکند. نانوائی که مرتب زیر هوا میرود و کیسه های آرد بمغزش میفتد ولی اعتراضی نمیکند چون فریاد رسی نیست در این ماجرا و در این مخصصه صانع و مصنوع (ناتان و ناتانوا) هر دو یکی هستند و هر دو یکدیگر را تقلید میکنند و سایهٔ هم هستند و هر دو درهم میروند و یکی میشوند.

البته ناتان این تفسیر را قبول نمیکرد و میگفت در موقع تهیهٔ این عروسک یک یک سلول های بدن او از گرسنگی و سرما و ترس اشباع بودند و ناخود آگاه او فرصت این شیرین کاری را نداشت و زنده ماندن تنها هدف او بود.

ولی کسی چه میداند.

میگویند ناخود آگاه ما (واصولاً شخصیت ما) مثل کوه یخ است و فقط یک دهم آن پیدا است و باقی در اقیانوس وجودمان پنهان و شناور است.

در هر صورت بنظر من این تفسیر و تجزیه و تحلیل دوست آمریکائی ناتان در عین حال که خیلی جالب است کافی نیست و حق مطلب کاملاً ادا نشده است. شاید این ماجرا (ناتان برده و اسباب بازی برده تهیه کردن او) خیلی عمیق تر و پرمعنی تر و دامنه دارتر است.

شاید «ناخود آگاه اتمی» ناتان با ایما و اشاره و بازبان بی زبانی کوشیده است او و مارا ۴۰ تا ۳۰ قرن بعقب بکشد: به ایامی که اجداد مادر مصر بردگی میکردند و در زیر بوغ فرعون و شلاق زنان او بکار گماشته شده بودند.... اگر این تعبیر را قبول دارید یکبار دیگر با نظر خریداری به عکس ناتان و طرح اسباب بازی اونگاه کنید:

ناتان همان خباز متحرک است و خباز متحرک همان ناتان است و هر دو نمایندهٔ ۶ ملیون قربانی هیتلر هستند و بعد هم همهٔ آنها دسته جمعی (ناتان و عروسک بوخن والد و ۶ ملیون قربانی) نمایندهٔ اجداد بردهٔ ما در مصر میباشند و همه مقدس و قابل ستایشند...

شما چه میگوئید....

## خیاطی سوزی

عرضه کننده بهترین طرح و دوخت

لباسهای زنانه با نازلترین قیمت

و با سابقه طولانی

سفارشات هرگونه تعمیرات لباسهای زنانه و مردانه پذیرفته می شود

۸۴۸۲ - ۶۵۵ (۲۱۳)

## در باره رساله هبیت کیپور

بعد از چاپ داستان هبیت کیپور بعضی از خوانندگان (و حتی چند نفر از نیویورک) کتباً و شفاهاً آنرا مورد انتقاد قرار داده اند و بعضی مطالب آنرا توهین به آداب و رسوم و سنن مذهبی مادانسته اند.

ظاهراً بکار بردن کلمه «لحاف کرسی» و تشبیه آن به صیصید بزرگ قهرمان داستان (آمو فرج) چندان بمذاق بعضی ها خوش نیامده است و لازم بوده است تشبیه مناسب تری بکار برده شود.

ولی موضوعی که یک خواننده وارد و منصف باید در نظر داشته باشد این است که داستان نویسی همیشه «دست تنها» است و داستان نویسی در حقیقت یک نوع «وضع حمل درانزوا و خفا» است و گاه نویسنده وقتی از یافتن یک جمله، یک کلمه یا تشبیه مناسب عاجز می شود از روی فرسودگی و ناچاری اولین تشبیه و اصطلاحی که دم دست باشد بکار میبرد و با اصطلاح جان خودش را خلاص میکند.

رساله هبیت کیپور سرتاپا مملو از تعریف و تمجید و نازیدن بر سنت ها و مراسم و رسوم مذهبی ما است و عادلانه نیست که یک تشبیه ساده تمام داستان را مورد سؤ ظن قرار دهد و خواننده آنرا حمل بر تمسخر و اهانت به آئین مذهبی کند.

البته انتقاد بجا و عادلانه بسیار لازم و ضروری است ولی همانطور که یک نویسنده نسبت به خوانندگان خود تعهدی اخلاقی دارد که نوشته جالبی تحویل دهد و با اصطلاح جنس «بُنجل» و واژه و معیوب عرضه نکند خواننده نیز بنوبه خود یک نوع تعهدی دارد که از انتقادهائی که غیر منصفانه و حتی نادرست باشد خودداری کند.

نورالله خرازی

## خدمات برقی

سیم کشی و رفع اشکالات برقی  
منازل و محل کار نصب انواع  
چراغ های سالن - باغچه و  
حیاط و نصب اسماک دیتکتور  
در لوس آنجلس

۸۸۴۶-۸۷۴ (۲۱۳) ۳۴۳۲-۸۸۷ (۸۱۸)

## تبدیل دلار به پول

۰۳۷۵-۴۶۶ (۲۱۳)

پوست - مو - ناخن

جراحی زیبایی

درمان

• جوش صورت • چین و چورک صورت • ریزش مو

• درمان موهای زائد • برطرف کردن غبغب

• تناسب اندام • موبرگهای واریسی پا

• جراحی لیزر

کولازن

دکتر آرمان نیومن

دارای برد تخصصی پوست و مو از امریکا  
فارغ التحصیل از کالج سلطنتی انگلستان  
بورلی هیلز

435 N. Bedford Dr., # 312

(213) 273-4454

قبول اکثر بیمه ها

۲ ساعت پارکینگ آزاد

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و با تجربه بسپارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

## الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و امریکا

عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان **FCA**

دارای ۱۸ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return) و مالیات بر ارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی و ارزیابی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی، صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت از شرکت های بیمه

**ELIAS AZIZ-LAVI**

**CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT**

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301

BEVERLY HILLS, CA 90211

(213) 657-8378

(213) 657-8921

**Jacob Saleh, M.D.**

Plastic & Reconstructive Surgeon

## دکتر ژاکوب صالح

جراح پلاستیک، زیبایی و ترمیمی

فارغ التحصیل از میوکلینیک

جراحی زیبایی و ترمیمی صورت، پستان، شکم و اندام  
جراحی پلاستیک کودکان، دست و جراحی میکروسکوپی

کاهش چربی اضافه با دستگاه مکنده

درمان سوختگی

مطب ولی

14624 Sherman Way,  
Suite 409  
Van Nuys, CA 91405

بورلی هیلز (213) 271-3151

ولی (818) 994-4111



# دکتر سعید همتی

متخصص جراحی عمومی

دارای بورد تخصصی جراحی از امریکا

جراحی دستگاه گوارش، کیسه صفرا،

فتق، هموروئید، پستان و تیروئید

مطب در بورلی هیلز  
ساختمان پزشکی راکسان

465 N. Roxbury Dr., Suite 909  
Beverly Hills, CA 90210

تلفن (213) 271-1866

مطب در ولی  
ساختمان پزشکی ولی سنتر

14624 Sherman Way, Suite 409  
Van Nuys, CA 91405

تلفن (818) 994-1931

## گفتگویی با پرفسور بائر در باره

### احساسات ضد یهودی

ر پرتاز از: گیتی بروخیم (سیمانطوب)



پروفیسور «یهودا بائر» سرشناس ترین و آگاه ترین مرجع جهانی در زمینه مطالعات مربوط به «هالوکاست» یعنی قتل عام و سوزاندن یهودیان است. وی در دانشگاه «هیبرو یونیورسیتی» اورشلیم به تدریس در همین زمینه اشتغال دارد. پروفیسور بائر رئیس سابق انستیتوی یهودیت معاصر در دانشگاه عبری اورشلیم و هم چنین رئیس مرکز بین المللی و یدال ساسون برای مطالعه و تحقیق در زمینه «آنتی سمیتیزم» یعنی احساسات ضد یهودی است. این مرد دانشمند در سال ۱۹۲۶ در پراگ (چکسلواکی) متولد می شود و در کودکی به اسرائیل رفته، در این سرزمین ساکن می شود. از سر بازاتی است که در جنگ ۱۹۴۸ اسرائیل شرکت کرده است. تحصیل کرده دانشگاه «کاردیف» در ویلز و هم چنین دانشگاه عبری اورشلیم است. عضو کمیوتص «شووال» می باشد. بجز روزهائی که در دانشگاه عبری اورشلیم تدریس می کند بقیه اوقات در کمیوتص مزبور بسر میبرد و بعنوان معلم کمیوتص مشغول بکار است. گذشته از او همسرش، کلیه فرزندان و نوه هایش نیز عضو این کمیوتص می باشند. این استاد با چهره وطنین صدای آرامش و هم چنین حالت متواضع و آگاهی کم نظیرش در زمینه های مختلف، مخاطب خود را شدیداً

تحت تأثیر قرار می دهد. او نویسنده چیره دستی است. از مشهورترین آثارش میتوان آثار زیر را نام برد.

«حافظ برادرانم»

«هالوکاست (قتل عام یهودیان) از دیدگاه تاریخی آن»

«یهودیان آمریکا و هالوکاست»

«یهودا بائر» ناطق با ذوق و زبردستی است. سال گذشته از نزدیک شاهد بودم که چگونه در طی یکی از سمینارهایش گروهی شاید بیش از دوهزار شنونده را تحت تأثیر گفته های مؤثر خود قرار داده بود. اخیراً او را در گردهم آیی خیریه ای که در منزل یکی از دوستان خیر برگزار بود، برای دو مین بار ملاقات کردم.

پروفیسور بائر برای مدت بسیار کوتاهی به لوس آنجلس آمده بود و علی رغم اقامت کوتاه مدت و برنامه فشرده اش دعوت مرابری مصاحبه پذیرفت. تحقیقات گسترده و طولانی او در زمینه «آنتی سمیتیزم» یا احساسات ضد یهودی باعث آن بود که اکثر سئوالا تم را در همین زمینه مطرح کنم، چرا که صاحب

نظرتراز او در این زمینه خاص بندرت یافت می شود.

در روز مصاحبه با چهره ای بسیار آرام و متواضع رو برویم نشست و با حوصله و علاقمندی بیش از حد یک یک سئوالا تم را پاسخ گفت. اولین سئوالم این بود که احساسات ضد یهودی یا آنتی سمیتیزم از چه زمانی و به چه دلیل ایجاد شد، سئوال رابادقتی فراوان تجزیه و تحلیل کرده و با آمادگی بسیار پاسخ می دهد:

«فکر می کنم آنتی سمیتیزم واکنش اجتماع، نسبت به اقلیت متفاوت باشد. مشابه بعضی از معتقدات یهودی در دیگر فرهنگهای آن زمان خاور میانه وجود داشته است اما اکثریت سنتها و معتقدات یهودی در آن زمان یعنی بدو یهودیت کاملاً نو و بی سابقه بوده است. بعنوان مثال به این سنت یهودی که در تورا آمده است اشاره می کنم که می گوید هر برده ای بعد از هفت سال باید برای همیشه آزاد شود. یا اینکه کسی که مرتکب قتل غیر عمد شود مورد حمایت خواهد بود، اما کسی که مرتکب جنایت عمدی

شود بایدهمجازات شود. نظریه «چشم بجای چشم» نشانه مساوات کامل در برابر عدالت است. این عقاید و بسیاری نظریه های دیگر از این قبیل در دنیای آن زمان کاملاً بی سابقه بوده. تازمانی که یهودیان در موطن خود مسکن داشتند این نوآوریهای عقیدتی مسئله ای محسوب نمی شد ولی پس از تسخیر فلسطین بدست بابلیها و متفرق شدن قوم یهود در خاور میانه، این فرهنگ که یکتاپرستی هسته مرکزی راتشکیل می داد باعث شد که این قوم، قومی متفاوت و در اقلیت محسوب شوند. اگر با تاریخ و وضع زندگی مردم خاور میانه در آن زمان آشنا باشید متوجه می شوید که مساوات در برابر عدالت، بر ضد فرهنگ مردم آن زمان بوده است. بعنوان مثال اگر مساوات بین همه افراد اجراء می شد امکان ساختن بناهایی چون اهرام ثلاثه مصر، یا ایجاد شهرهای بابلی و امپراطوری روم امکان پذیر نبود. متوجه می شویم که فرهنگ یهودی برای چنین مللی کاملاً مردود محسوب می شد گرچه بسیار پیشرو و آینده نگر بود. بهر حال هر چه بود فرهنگی بود متفاوت. وقتی در مملکتی اوضاع عادی باشد مسائل و استکاکها از حد مسائل روزمره تجاوز نکنند، اقلیت هر چه قدر هم متفاوت باشد مورد حمله واقع نمی شود. اما وقتی در مملکتی، بحرانی شدید پیش آید حمله به اقلیت آغاز می شود. چرا؟ چون اقلیت ضعیف است، متفاوت است و شناخته شده است. یهودیها در تفرق و غربت هم مذهب، فرهنگ، ادبیات و سنتهای خود را همراه بردند و با سرسختی کامل آنرا حراست کرده و حتی توسعه دادند. در نتیجه در هر مملکتی که بحرانی عمیق ایجاد می شد این قوم سرگردان مورد حمله قرار می گرفت. پس بطوریکه متوجه شدیم متفاوت بودن فرهنگ یهودی، اساس آنتی سمیتسم یا احساسات ضد یهودی راتشکیل می دهد. مادر این سرنوشت با اقوامی چون آرامنه و کولیها سپیم هستیم. بعضی یهودیها دوست ندارند که در این زمینه با کولیها مقایسه شوند ولی بایدهم پذیرفت که بین ما و آنها شباهتهایی وجود دارد. آنها هم قومی بوده اند که قرنهاست مملکت خود را ترک

کرده اند، در گوشه های مختلف عالم در بدریوده اند و سنتها و فرهنگ خود را با سرسختی محافظت کرده اند. ما با هر اقلیتی قابل مقایسه هستیم.

### پادشاهان هخامنشی زرتشتی بودند و دین زرتشت عاری از تعصب است

برای شروع آنتی سمیتسم تاریخ دقیقی نمی توان ذکر کرد: چنین ایدئولوژی بهائی آرام آرام شکل می گیرد. قبل از مسیحیت هم وجود داشته است اما بعد از شروع مسیحیت فرم متفاوتی بخود گرفت و وخیم تر شد. در دورانی که مردم کافر بودند در زمان زرتشتیان، یهودیان هم گروهی از مردم بودند اما با خصوصیات خاص خود، در نتیجه اوضاع بهتری داشتند، دیگران چندین خدا داشتند آنها هم یک خدا، بخصوص زرتشتیها با یهودیان روابط حسنه ای داشتند چون مذهب زرتشت مذهبی بود فاقد تعصب و آزاد منش. خلاصه اینکه آنتی سمیتسم گرچه در دوران قبل از مسیحیت وجود داشته است اما از هر جهت با آنتی سمیتسم بعد از مسیحیت متفاوت است. مسیحیت مذهبی بود که یهودیت را پایه قرارداد، امامی بایست تفاوتهایی بین دو مذهب قائل می شد و گرنه مسیحی وجود نداشت و آنها هم می بایست یهودی می شدند. اگر بخواهیم اصطلاح روانشناسی بکار ببریم استکاک میان مسیحیان و یهودیان را میتوانیم با استکاک میان پدران و پسران مقایسه کرده، انقلاب پسر بر ضد پدر بنامیم. چون مذهب یهود در حکم ریشه، پایه یا پدر مذهب مسیح محسوب می شود. همانطور که روانشناسان می دانند چنین استکاکهایی بین پدران و پسران گاه به وخامت کشیده و به قتل و جنایت هم منجر می شود. بهر حال مسیحیان این سناریو را طرح ریزی کردند که روح یهودیان توسط شیطان تسخیر شده زیرا فقط شیطان زده ها قادر به کشتن خداوند هستند. البته از آنجا که مذهب یهود از جهاتی شبیه مذهب آنها یعنی مسیحیت بود در صدد قتل عام

یهودیان بر نمی آمدند فقط به زجر و آزار و تحقیر آنها می پرداختند. آنها معتقد بودند که یهودی دارای روح هست گرچه این روح در تسخیر شیطان است اما از طریق غسل تعمید و مسیحی شدن این روح از شر شیطان خلاص می شود. معتقد بودند که مسیح (یا به عقیده آنها همان ماشیه قوم یهود) دوباره بروی زمین باز خواهد گشت و نشانه آمدنش اینست که همه یهودیان مسیحی خواهند شد، پس یهودیان باید زنده باشند که در چنان روزی مسیحی شوند. من نمی خواهم خوانندگان شما دچار این تصور شوند که یهودیان در طول تاریخ پراکنندگی خود همیشه مورد زجر و آزار بوده اند. بعنوان مثال می توانیم بعضی ادوار تاریخ را در سرزمین شمال ایران ذکر کنیم. در زمانیکه مذهب زرتشت مذهب رسمی ایرانیان بوده بخصوص در طول سلطنت پادشاهان هخامنشی، یهودیان زندگی آرام و بدون دغدغه ای داشتند.

صحبت که به اینجاست رسد فرصت را مناسب می بینم تا این سؤال را مطرح کنم که احساسات ضد یهودی در چه ممالکی بیشتر و در چه ممالکی کمتر وجود داشته و چرا؟ لبخند غم انگیزی می زند و جواب می دهد که: «شاید تعجب کنید اگر بگویم ممالکی بوده اند که حتی یک یهودی بخود ندیده بودند اما از احساسات ضد یهودی یا آنتی سمیتسم برخوردار بوده اند. زیرا آنتی سمیتسم در بعضی ادوار بصورت یک پدیده فرهنگی درآمده است.

بین قرن سیزدهم تا قرن هفدهم هیچ یهودی در انگلستان بر نمی برده اما آنتی سمیتسم وجود داشته، در اواخر همین دوران شکسپیر تحت تأثیر احساسات ضد یهودی کتاب مشهور «تاجر ونیزی» را می نویسد، این نویسنده نامی بدون آنکه در طول عمر خود یک یهودی دیده باشد در این اثر خود چهره منفی یک یهودی را وصف می کند. می دانم که میخواهید علت این امر را بدانید، علت بسیار ساده است. مذهب مسیح با سنت آنتی سمیتسم یا احساسات ضد یهودی آمیخته است. شکسپیر گرچه هرگز بایک یهودی رو بر نرفته بود اما در کلیسا از

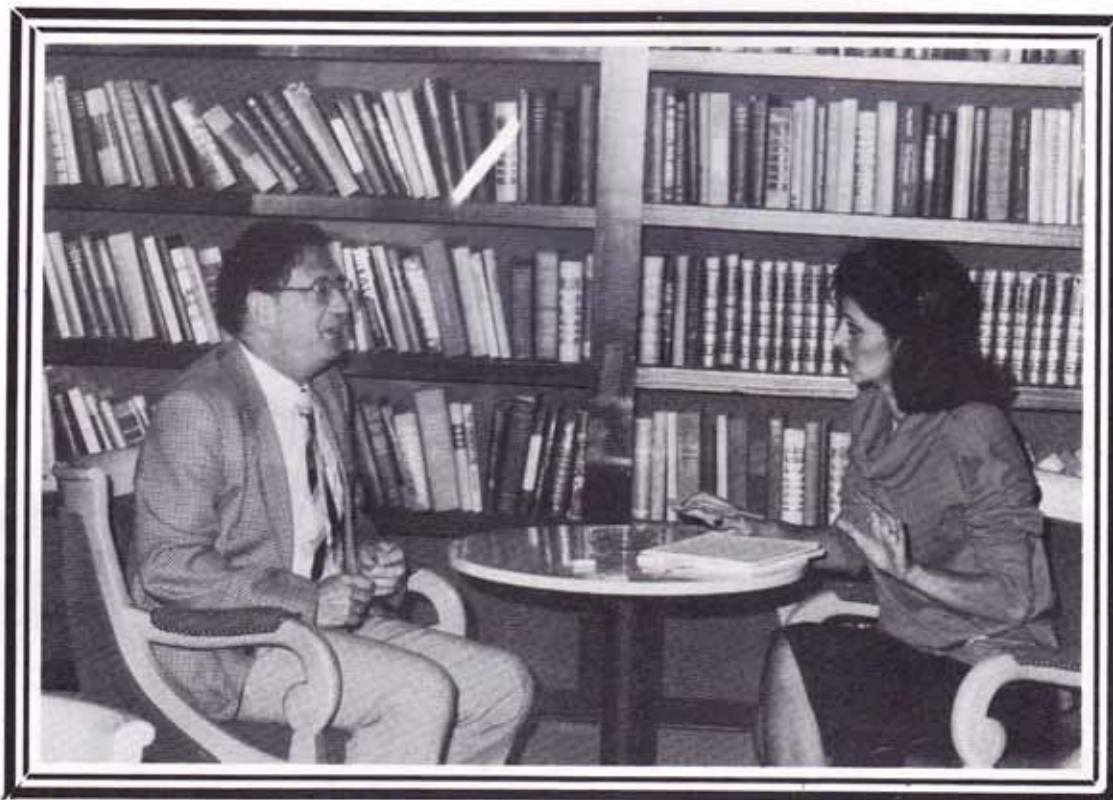
زبان کشیشها و بطور کلی از طریق ادبیات و فرهنگ مسیحی با آنتی سمیتیزم آشنا شده بود. نه فقط او بلکه بسیاری از مردم جهان از طریق فرهنگ مذهبی خود بر ضد یهودیان شستوشوی مذهبی شده اند و مضحک اینکه گاه از قومی نفرت داشته اند که هرگز ملاقاتشان نکرده و در جوارشان نبوده اند. عللی که ذکر کردم وقتی با مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک مملکت آمیخته شود باعث می شود که آنتی سمیتیزم شدت بگیرد. بعنوان مثال لهستان را ذکر می کنم. احساسات ضد یهودی در این مملکت تا اواخر قرن هیجدهم مسئله ای محسوب می شد در حالیکه در حاشیه و نه چندان قوی البته کلیسای کاتولیک لهستان سرشار از احساسات ضد یهودی بود با این وجود یهودیان توسط حکومت حمایت می شدند. تا اینکه بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به تعصب مذهبی کلیسا اضافه شد و احساسات ضد یهودی به حداکثر ممکن رسید. جمعیت لهستان افزایش یافته بود و مردم احساس می کردند که اگر مشاغل یهودیان را در دست بگیرند اوضاع بهتری خواهند داشت. باید یادآوری کنم که یهودیان مشاغل چندان عالی نداشتند و بیشتر طبقه متوسط محسوب می شدند. اما در یک تحرک اجتماعی، یک طبقه پائین لهستانی می خواست طبقه متوسط شود و احساس میکرد که اگر یهودیان را از لهستان براند این جایجانی براحتمی اجراء می شود. اما برای اینکه سؤال شما را بی جواب نگذاشته باشم باید بگویم که احساسات ضد یهودی در طول سلطنت بعضی از پادشاهان هخامنشی، در هلند و در چین تقریباً وجود نداشته است. گفتم که پادشاهان هخامنشی زرتشتی بودند و مذهب زرتشت مذهبی است فاقد تعصب و آزادمنش. و اما علت فقدان آنتی سمیتیزم در هلند این بود که هلند مملکتی بود بی نهایت قوی. ممالک متعددی را در اختیار داشت. جای بی نهایت زیاد بود همینطور امکانات. پس برای یهودیان هم جای و امکانات وجود داشت. هلندیها آنها را مردمی در کنار خود می دیدند. اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بقدری متعادل

بود که هرکس سرش به کار خود گرم بود و کاری به کار دیگری نداشت. در اوائل قرن بیستم چهل هزار یهودی در هلند سکونت داشتند. بین آنها طبقه کارگر، طبقه متوسط و نیز طبقه بالای اجتماع وجود داشت. مطمئناً مسیحیانی بودند که علاقه ای به یهودیان نداشتند، همینطور یهودیانی که مسیحیان را دوست نداشتند اما این احساسات ضد یهودی و ضد مسیحی بقدری مختصر بود که بهیچ وجه مسئله ای محسوب نمی شد. و اما چین، در این مملکت نه احساسات ضد یهودی و نه احساسات ضد مسیحی هرگز وجود نداشته است و این فقدان تعصب را باید مدیون فرهنگ چین دانست. مذهبی بنام مذهب چینی وجود ندارد، بیشتر معتقدات است و روشهای فکری متفاوت. چینی ها مذهب را مسئله شخصی افراد می دانند.»

پس از شرکت در یکی از سمینارهای ویدال ساسون - سلطان آرایشگران جهان و بازرگان موفق پس از شرکت در یکی از سمینارهای پروفیسور بائر در زمینه مبارزه با احساسات ضد یهودی، سرمایه قابل توجهی را در اختیار دانشگاه عبری اورشلیم قرار داد تا مرکز بین المللی ویدال ساسون برای تحقیقات در زمینه آنتی سمیتیزم تأسیس شود، همانطور که ذکر کردم پروفیسور بائر رئیس این انستیتو است. روش این مرکز آگاهی جهانیان از وجود احساسات ضد یهودی و سپس مبارزه با این احساس است. سؤال بعدی خود را که به این موضوع مربوط میشود چنین مطرح می کنم که در گذشته علی رغم وجود احساسات ضد یهودی در بسیاری از ممالک، یهودیان و هم چنین غیر یهودیان وانمود می کردند که چنین احساساتی موجود نیست و یا حداقل سعی بر آن داشتند که در باره اش صحبت نکنند. چرا گروه شما معتقد به آگاهی جهانیان از وجود این احساسات است؟ به هیجان می آید و با علاقه مندگی تمام چنین پاسخ می دهد: «دلیل اصلی ما اینست که آنتی سمیتیزم فقط برای یهودیان خطر محسوب نمی شود، خطریست که همه را تهدید می کند اما یهودی نشانه اول محسوب می شود. در جنگ دوّم جهانی عقیده هیتلر بر این بود که تمام

همسایگانش تحت سلطه قدرتهای یهودی هستند که از نژاد و فرهنگ آلمانی نفرت دارند، در مغز او انگلستان، فرانسه، روسیه، آمریکا و خلاصه همه تحت فرمانروائی قدرتهای یهودی بودند. و دیدیم که احساسات ضد یهودی او چگونه عالم را بخاک و خون کشید و به قیمت مرگ میلیونها میلیون انسان بیگناه تمام شد. پس آنتی سمیتیزم فقط یک مسئله یهودی نیست، مسئله ایست که صلح بین المللی را تهدید می کند. مبارزه با آنتی سمیتیزم در سکوت، مثل اینست که بخواهیم با سرطان مبارزه کنیم بدون اینکه اقدامی برای ریشه کن کردنش بکار ببریم. اگر کسی غده سرطانی دارد باید بیا به معالجه آن پردازد یا با عمل جراحی غده از بدنش خارج شود. پس تنها راه مبارزه با احساسات ضد یهودی اینست که باخیزیم و با آن بجنگیم. اگر گروهی مورد حمله واقع شوند اما مقابلاً بجنگند و حمله را پاسخ ندهند، دیگران به کمکشان نخواهند آمد، طبیعی است که اگر مورد حمله واقع شده بی تفاوتی نشان دهند، دیگران چرا خود را دچار دردسر کنند؟ هدف ما اینست که از طریق تعلیمات دانشگاهی و بتدریج از طریق تعلیم در مدارس اطلاعات دانش آموزان و دانشجویان را در باره خطرات آنتی سمیتیزم افزایش دهیم. آنها باید بی ببرند که آنتی سمیتیزم خطریست هم برای یهودی وهم برای غیر یهودی. هم اکنون گروهی متشکل از یهودیان و مسیحیان در بستن بنام «مواجهه ما با تاریخ» مشغول فعالیتها هستند تا یک برنامه درسی تحت عنوان «هالوکاست و احساسات ضد یهودی» را در برنامه درسی مدارس بگنجانند. فعلاً وزیر علوم با این پیشنهاد مخالفت کرده است اما گروه مزبور به فعالیتهای خود ادامه می دهند.»

پروفیسور بائر در یکی از سمینارهای خود این نکته را عنوان کرده بود که آنتی سمیتیزم یک مرض یانازخوشی است. یا اشاره به این نکته از او سؤال می کنم که آیا این مرض مسری است؟ قابل پیشگیری و یا معالجه شدنی است؟ می گوید: «این مرض ارثی نیست، هیچکس با ژنهای آنتی سمیتیک



متولد نشده، پس مسلماً مسری است. از طریق روشهای تعلیم و تربیتی قابل جلوگیری است. البته قابل معالجه هم هست اما چون ریشه ای بس عمیق و قدیمی دارد، معالجه اش طول خواهد کشید. آنتی سمیتیزم «قدیمی ترین تعصب موجود» در جهان است، این احساس از تعصب نژادی قدیمی تر است. البته در طی سی چهار سال اخیر اقدامات باورنکردنی در راه کمک به از میان بردن آنتی سمیتیزم صورت گرفته است. اقداماتی که در گذشته، تصورش هم امکان پذیر نبود. اقداماتی از قبیل اعلامیه کلیسای کاتولیک در سال ۱۹۶۵ مبنی بر اینکه یهودیان مسیح را نکشته اند. البته اعلامیه مضحکی است اما اهمیت فراوانی دارد که بالاخره مسیحیان این شایعه مسخره را که ساخته و پرداخته خودشان بود تکذیب کردند. صد سال پیش تصور چنین چیزی محال بود. زمانیکه من و همکارانم مرکز مبارزه با آنتی سمیتیزم را پایه گذاری کردیم، میدانستیم که این بیماری بعد از مرگ ما هم ادامه خواهد داشت اما امیدواری ما این بوده و هست که شاید مسئله فوق در

آینده حل شود. همانطور که اشاره کردم این مسئله قدیمی، بمرور زمان بوجود آمده و با مرور زمان و در طولانی مدت حل خواهد شد. مرکز مبارزه با آنتی سمیتیزم و یدال ساسون چهار سال پیش بدنبال یک ایده که حالت رؤیائی قدیمی برای ما پیدا کرده بود تأسیس شد. رئیس دانشگاه از مشوقان ما بود اما نیاز شدید به کمک مادی داشتیم تا اینکه «و یدال ساسون» بشردوست مشهور پس از شرکت در یکی از سمینارهای من تصمیم گرفت که گروه ما و در حقیقت همه یهودیان از جمله خودش را کمک کند. سرمایه ای که او در اختیار گروه ما قرار داد باعث شد بتوانیم به فعالیتهای خود ادامه دهیم. در حال حاضر ۳۶ محقق برای ما کار می کنند. بزودی نتایج تحقیقات آنها بصورت کتب و نوشته های مختلف به چاپ خواهد رسید.»

بعضی افراد معتقدند که اعمال و رفتار یهودیان از عوامل ایجاد آنتی سمیتیزم یا احساسات ضدیهودی است. نظر پروفیسور بانر را در این زمینه جویا می شوم، میگوید: «با این عقیده بهیچ وجه موافق نیستم. به یهودی

تبهت های ضد و نقیض زده اند. آنها را گاه محکوم کرده اند که کاپیتالیست (سرمایه دار) هستند و گاه وصله کمونیست بودن به آنها چسبانیده اند. گاه گفته اند یهودی پولدار و پر قدرت است. گاه او را متهم به فقیر و انگل بودن کرده اند. بطوریکه ملاحظه می کنید اینها همه بهانه است نه دلیل، البته همینکه یهودیها قوی میشوند، آنتی سمیتیزم راحت تر آنها را مورد حمله قرار می دهد. یک یهودی موفق به آسانی مورد حسادت واقع میشود، بخصوص در مملکتی که دچار بحرانهای داخلی باشد. وقتی یهودی در مبارزه ای شکست می خورد، مورد حمله واقع می شود که ترموست، قادر نیست از خود دفاع کند، ضعیف است و غیره... وقتی در جنگی پیروز می شود، خونخوار و بیرحم قلمداد می شود، خلاصه برای نفرت از یهودی همیشه بهانه هائی وجود داشته است و یهودی به هر سازی بر قصد باز مورد حمله واقع میشود. یهودیان به پیشرفت فرهنگ آلمان کمکهای شایان کردند، در طی جنگ دوم جهانی نازی ها آنها را آلمانی نمیدانستند و معتقد بودند که

کمکی به پیشرفت فرهنگ آلمان نکرده اند و دیدیم که چگونه شش میلیون نفر آتپار او حشیانه کشتار کردند. مضحک اینکه پس از پایان جنگ یهودی را متهم به ایجاد این فرهنگ کردند. یکی از مسائل ما اینست که بخاطر بقای خود به آسانی خود را با جامعه ای که در آن ساکن هستیم وفق می دهیم و مشتاق آن هستیم که به پیشرفت جامعه کمک کنیم اما برای جامعه اکثریت قابل تحمل نیست که یک یهودی فرهنگش را بسازد یا کمکی به پیشرفت علمی یا فرهنگیش بکند. برخلاف تصور گروه کثیری، جامعه اکثریت در دوران معاصر، از یهودی بی نهایت مذهبی که خود را از دیگران جدا میداند متشنف نیست، تنفر او از یهودی است که به آسانی در جامعه اکثریت جذب میشود، خود را متفاوت از بقیه نمی داند و برای پیشرفت وطن خود تلاش می کند. پس تظاهر به غیر مذهبی بودن نه فقط دردی را دوامی کند بلکه بیشتر باعث اشکال است و ما برای حمایت از خودمان هم که شده باید هویت یهودی خود را حفظ کنیم.»

عده ای از مسیحیان به یهودیان ایرادی گیرند که چرا جامعه هالوکاست را برای همیشه بدست فراموشی نمی سپارند، و گناهکاران را نمی بخشند، آنها عقیده دارند که زنده کردن خاطره این فاجعه هیچ ثمری ندارد. نظر پروفیسور بائر را در این زمینه جویامی شوم

میگوید: «چنین اظهار نظری نشانه فقدان منطق دوستان مسیحی ما است. از آنجا که در آن فاجعه ما قربانی نشدیم و جان خود را از دست ندادیم، صلاحیت بخشش را نداریم، آنها که قربانی شدند زنده نیستند که قادر به بخشایش باشند، از طرفی میخواهم بدانم چرا آنها قربانها گشته شدن یک یهودی را (منظور مسیح است که ماهر گزینشی در کشته شدنش نداشتیم) فراموش نکردند اما انتظار دارند که ما کشته شدن شش میلیون یهودی را فراموش کنیم؟ جالب اینکه خود آلمانها با تمام کوششی که بکار برده اند نتوانسته اند این فاجعه را بدست فراموشی بسپارند و با احساس گناهی عجیب دست به گریبانند، این فاجعه قابل فراموشی نیست، این نکته را هم باید بخاطر داشته باشند که ما دارای فرهنگی هستیم که می گوید: «از دست دادن یک انسان مانند از دست دادن یک جهان است.»

دنيس پرگرو جوزف تلوشكين نويسندگان مشهور آمريكائى معتقدند كه احساسات ضد صيونيسم همانا احساسات ضد يهود است. اين عقیده را با پروفیسور بائر در میان میگذازم و نظرش را جویامی شوم میگوید: «تا حدود زیادی با عقیده این دونو یسنده موافق هستم. متأسفانه افرادی که دارای احساسات ضد یهودی هستند برای همه کس این حق را قائل میشوند که وجود سیاسی داشته

باشند بجز برای یهودیها.»

پروفیسور بائر از مخالفان هرگونه تعصبی است و بهمین جهت با عقاید افراطی ربای «مشیرکاهان» نیز کاملاً مخالف است. به عقیده او پارلمان اسرائیل تاحدی که قانون مجاز دانسته «مشیرکاهان» را از حقوق گوناگونی محروم کرده است، اما مملکت یک مملکت دموکراتیک است و حتی زمانی که با کسی مخالف است باید به او اجازه صحبت بدهد. از آنجا که «کاهان» نمونه تعصب یک یهودی بر ضد غیر یهودیان است، گروه پروفیسور بائر مسئله را بخودمر بوط میدانند و در این زمینه تحقیق کرده و نتیجه تحقیقات خود را نیز بچاپ رسانده اند. این گروه با هر تعصب مذهبی که بقای گروه دیگری را بخطر می اندازد مخالفند حتی اگر این گروه یهودی باشد و گروه کوچک و کم اهمیتی باشد چون گروه «کاهان».

خانمی در منطقه وست لوس آنجلس

جویای هم اطافی میباشد

تلفن: ۰۴۵۳-۸۲۰-۲۱۳

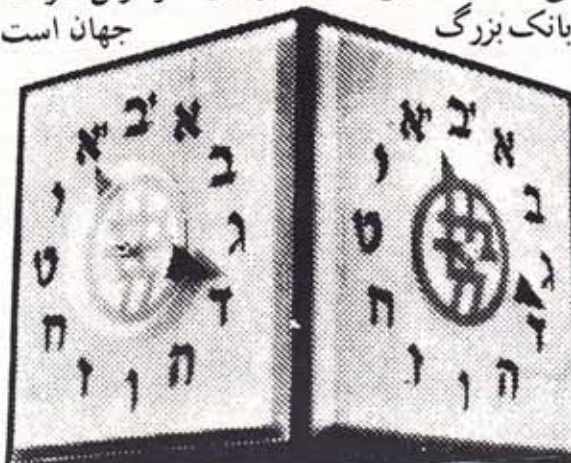
(۸۱۸) بعد از ساعت ۷ شب

آتمسفر بانک لئومی دوستانه، راحت و با سابقه طولانی بانکی است، اما این حقیقت را نباید فراموش کرد که بانک لئومی یک تشکیلات ۲۰ بیلیون دلاری و یکی از صد بانک بزرگ جهان است.

در بانک لئومی به سپرده های ثابت، حسابهای مانی مارکت و حسابهای جاری شما بهره بالا پرداخت می شود. ضمن اینکه هر صاحب حساب معادل ۱۰۰,۰۰۰ دلار توسط سازمان F.D.I.C. بیمه می باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر در شعبه انسینو با تلفن ۱۸۳۶-۹۰۶ (۸۱۸) و در شعبه بورلی هیلز با تلفن ۷۰۰۱-۲۷۸ (۲۱۳) تماس حاصل فرمائید.

בנק לאומי bank leumi le-israel



FDIC

9731 Wilshire Blvd., Beverly Hills, CA 90212 213/278-7001 16530 Ventura Blvd., Encino, CA 91436 818/906-1836 Validated Parking

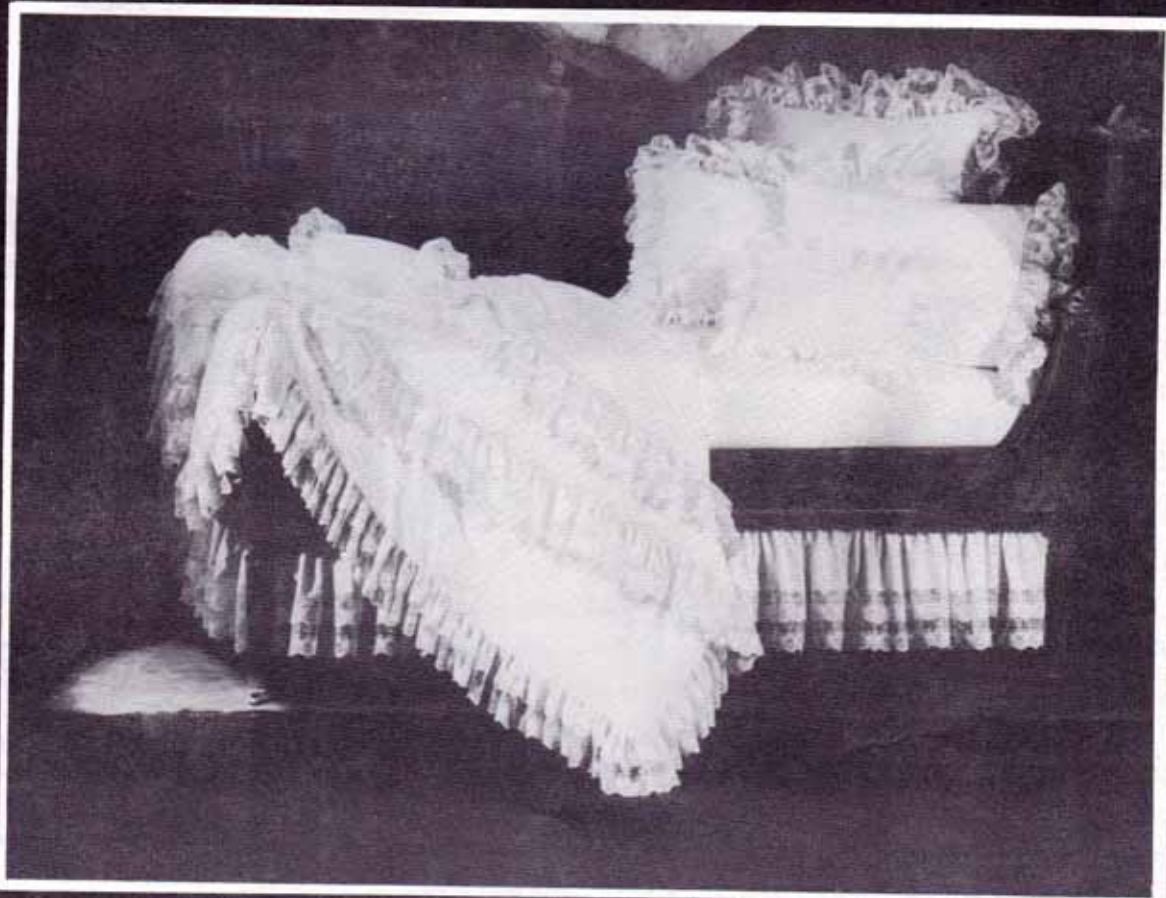


DISCOUNT

The Linen Room

عرضه کننده زیباترین و بهترین لوازم

اطاق خواب و حمام



860 S. Los Angeles St.  
Los Angeles, CA 90014

طبقه چهارم کوپر بیلدینگ  
دردان تاون لوس آنجلس

(213) 622-3320

انواع ملحفه - لحاف - حوله های تزئینی -

رومیزی - لحاف پرفرو - مجموعه ای زیبا

از ساتن، لوازم تزئینی حمام و...

چیزی در وجود مهدی جوشید و منقلبش کرد. اماروی خودش نیاورد. مجبور بود روی خودش نیاورد. این کاری بود که درسه سال و خرده ای گذشته کرده بود. دندان روی جگر گذاشته بود و نیش زبانها، ریشخندها و متلک های زنش، پریوش را نادیده گرفته بود. فقط در این مدت دراز، دوسه باری که دیگر دلش خیلی پر شده بود و ناگلویش رسیده بود، وقتی با همسرش تنها مانده بود خیلی آرام و با احتیاط به او گفته بود: آخر عزیز دلم، من که برای بابانتم نیست که اینهمه جان میکنم. برای تو و بچه ها است. میگوئی چه کنم؟ چه خاکی بسر بریزم؟ عوض اینکه حامی من باشی و تشویقم کنی، اینقدر زخم زبان بمن میزنی که چه؟ اینقدر زیر پایم را خالی نکن. من که سر جایم تمرگیده بودم و داشتم کارم رامی کردم. این تو و بچه ها و خانواده ات بودند که می چپ و راست دستور دادید. نکن عزیز جان، اینقدر شوهرت را در هفتش دلسرد نکن.

و پریوش بار ریشخند جواب داده بود: چشم حضرت آقای دکتر. از این بیعد برایت کارت افتخار صادر می کنم و میدهم عکس مبارکت را با آن کله نیمه طاست توی مجله روزنامه های لس آنجلس بعنوان یک شاگرد درس خوان عاقل مودب چاپ کنند تا دلت خوش باشد و تشویق بشوی و در سه پایت را بهتر بخوانی.

دکتر مهدی لبش را گاز گرفته بود و نگاهش را به زنش دوخته بود و جلزو ولرز زخم دلش را که بر آن نمک پاشیده بودند از درون شنیده بود و بالبلخند تلخی صحنه را ترک گفته بود.

نزدیکهای ساعت ده صبح از زنش پرسید: پری خانم بریم خرید؟ نه، می خوام برم حمام. اینرا پریوش راست می گفت. عادتش بود که هر صبح جمعه حمامش را برود و خودش را برای شب شنبه و لوانکه نخواهند جانی برونند آراسته کند.

- پس بگوچی می خوامی تا من بروم.  
- می ترسم از در سه پایت عقب بیفتی!  
- پری خانوم، خانوم خانوما. تو را ارواح



## دکتر مهدی خان در اطاق دربسته

نوشته: هوشنگ ابرامی

اشغال دانی کوچکی که زیر ظرفشویی بزور جایش داده بود انداخت و گفت: بین نعمت خدا را چه می کنند هان!  
ظرفهای ناشسته از شب پیش در ظرفشویی آشپزخانه جمع شده بود.  
مهدی خان گفت: بده ظرفها را برایت بشورم.

زنش جواب داد: لازم نکرده می ترسم کمتر درد بگیرد. تو برو بدرس و مشقت برس!

میشد گفت تا وقتی که مهدی خان پست را سر نزنده بود بفهمی نفهمی سرحال بود یا لااقل سعی داشت زورکی هم شده خودش را امیدوار نگه دارد. بچه ها رفتند مدرسه، زنش میز حقیرانه صبحانه را تمیز کرد. کره و حلوا آورده ی دست نخورده را در یخچال کنار هم گذاشت. کنار چهار گوش و بریده نان تست را از جاناتانی حصیری برداشت و در



مادرت، تورابه این شب شبیات که میدانم  
چقدر بهش اعتقاد داری یک بیست  
و چهار ساعتی سر بسرم نگذار. من توی این  
هفت هشت ده روز کجاست به کتاب و  
دفتر زده ام؟

پریوش، مثل چیزیکه دلش بحال شوهرش  
سوخته باشد دنباله حرف رانگرفت و درعوض  
گفت چه چیزهایی می خواهند از کجاها  
بخرد که هم بهتر و هم ارزانتر باشد  
و مهدیخان، باشلوار سورمه ای بی اطو و پیراهن  
آبی آستین کوتاهش از درخارج شد. هوا خوب  
بود و نسبتاً تمیز. دلش می خواست که  
ساعتها قدم بزند؛ به تنهایی. صورتی که زنش  
به او داده بود آنقدر سنگین و زیاد نبود. میوه  
بود و پنیر و نان و یک بسته قند و سوسیس  
کاش و از این چیزها. این بود که سمت  
ماشین لکتی اش نرفت. اما دسته کلید را از  
جیب شلوارش درآورد و بدست گرفت و خوش  
خوشک براه افتاد. لحظه ای بعد، نبش  
«پیکو» و «دوهینی» به مغازه نانوائی  
و شیرینی فروشی رسید. اندکی مکث کرد.  
خرید یک قلم اضافه. لااقل برای استحکام  
ایمان خانواده. مصمم وارد شد و شماره ای  
برداشت و رفت سمت قفسه های «خال»: آن  
برشته هه! نه اون سوختس! سفیده! کامی  
دوست نداره. خشخاشیه! کتی فقط  
خمیرتوشومی خوره... پری، اگر قر بزنه که  
چرا خریدی. حوصله اش روندارم.  
تو کنی ساهست لابد.

یکی از زنان فروشنده گفت: توانتی  
فایو... توانتی سیکس  
دکتر مهدی شماره اش رانگاه کرد.  
بیست ونه بود. آنرا در دست مچاله کرد و  
از مغازه شتابان بیرون رفت. اما کم کم  
قدمهایش آرامتر شد.

به خانه که برگشت ساعتی از ظهر گذشته  
بود. دو پاکت پلاستیکی را که از آنها روزنامه  
مجله های فارسی تا شده سر بیرون کشیده  
بودند بزمین گذاشت و کف دستهایش رانگاه  
کرد. خط انداخته بودند، خاراند آنها را و  
وقتی زنش راجلواش دید خندید و گفت:  
صداش را دزنیار که پول گیرمان میاد.  
زنش با تعجب نگاهش کرد.

- نمی بینی کف دستهام چه می خارد.  
- خدا یک عقل بتو بدهد یک پول حسابی  
بمن.

پریوش بیگودی های پیچیده شده سرش را  
زیر روسری قهوه ای رنگی که زیر چانه اش  
گره خورده بود پنهان کرده بود و لباس بلندی  
مثل ربدشامبرین داشت. مهدیخان خودش  
گفت: خداوند! چه تفاوت عجیبی است بین  
زن بدون آرایش و آرایش کرده، آباهمین  
تفاوت عظیم در روح اوهم هست؟

بعد بسمت زنش رفت. دستش را  
دور گردن او حلقه کرد و گفت: عاقبت باشه  
عزیز جون... سوی بچه تازه میدهی.  
بیابوسمت.

و لبش را غنچه کرد و گردن کشید اما  
پریوش خیلی سریع سرش را برگرداند: قریون  
اون دل خوشت. حوصله داری توهم هان. برو  
یک فکری بحال خودت بکن. اینهمه زن  
زیر دست و پارخته... خوار بار فروش ایرونیه  
هم رفتی که... مگر نگفتم...

دکتر مهدی خان اخم کرد و گفت:  
همین! راست میگی. اینهمه زن. اینهمه  
سکس. اینهمه قروغمزه. این همه ماچ و بوسه  
که پیر مرد لب گور راهم سر عشق میاره چه  
برسد بمن. اونوقت وقتی سمت زنه میرم اینهم  
نتیجش! حقا که هیچ چیز این زندگی عجیب  
غریب ما معلوم نیست.

- خدا روزیت راجای دیگر بده  
- من میرم یک کم قدم بزنم  
- الان از قدم زدن میای. مگر راستی  
راستی یک چیزیت میشه.  
- چه کنم. بنشینم بغل دست تو  
- نه توهم برو مثل مردهای دیگه یک  
کار حسابی بکن  
- باز حرف مفت زدی!؟

و رفت بیرون و در را محکم بست و مزوزا  
رابوسید و به راه افتاد. پستیچی چندخانه  
آنطرف تر داشت پست روزانه را توزیع می  
کرد، ایستاد تا پستیچی بیاید. آمد.

- های! هاوار یوتودی؟  
- فاین  
- دت ایز گود.  
نامه هارا گرفت؛ تنک یوسر.

تندتند همه رانگاه کرد. بیشترش  
«جانک» بود و یکی دوتایش صورتحساب.  
از بس عصبانسی بود خواست همه  
راهمان چاپرت کند. یکبار متوجه شد که  
پاکت «بورده» هم در میان پست است. قلبش  
ریخت پائین و دستهایش لرزید. نامه  
هارا دو باره یک بیک دید. و نامه بورده  
راجدا کرد و مابقی پست را زمین گذاشت.  
پاکت رابوسید و به چشمش گذاشت و برای  
یک لحظه دید که زن و بچه اش را بغل می  
کند و آنها را می بوسد و هیجان زده می گوید:  
«نگفتم. نگفتم که بالاخره موفق می شوم»  
آهسته گفت «یاموشه بن عبران» و چنگ  
انداخت در پاکت راباز کرد.

برای چندمین بار در امتحان بورده پزشکی  
رد شده بود.

لرزش زانوانش راحس کرد. دهانش  
بازماند و خشک. دو باره برگ دستش رانگاه  
کرد. نوسان داشت. انگار رعه گرفته بود.  
باز هم بایک اختلاف کم رد شده بود. تف  
کرد اما جز چند ذره کوچک چیزی از دهانش  
بیرون نجهید.

کاغذ راتا کرد و در جیب گذاشت و راه  
افتاد. کجا میرفت خودش نمیدانست. مثل  
اینکه باد او را می برد. می رفت. آشفته دل  
و مضطرب بود. دندان می فشرد و بامشت  
بر کف دستش می کوبید و بخود می گفت  
«بخشکی شانس هی!» قدرتی عجیب او را  
از خانه اش دورتر و دورتر میکرد. می خواست  
به یک جای شلوغ پناه ببرد و از آدمها کمک  
بطلبید. فکر می کرد مثل یک جذامی همه از  
او گریزان خواهند بود. دست کرد جیبش چند  
دلاری خورد داشت. سوار اتوبوس شد رفت  
داون تاون. می بایست دنبالش یکی برود.  
یکی باید دست او را می گرفت و اگر کاری  
نمی کرد لااقل تسلیش میداد.

مثل دیوانه ها از خیابانی به خیابان دیگر  
میرفت بدون آنکه بداند مقصدش کجاست  
و که را می خواهد ببیند. هیچ رهگذری،  
اسپانیایی زبان، ایرانی، کره ای و آمریکائی  
و یا اهل خاک و دیار دیگری به او توجه  
نداشت. درونش فریاد میزد «کمک! کمک!  
کمک!» ولی هیچکس فریادش را نمی

به خانه که برگشت غروب شده بود. پریوش جلو آمد و با پرخاش گفت: حیامی کنی ترا بخدا. منکه نصف جان شدم آخر. کجاسرت را انداختی پائین رفتی. نگفتی دل من هزار راه میره.

هیچ نگفت. زنش با گیسوان آرایش شده خوشگل شده بود و از اینکه او را دوباره در خانه میدیدمهربان می نمود: نکنه زیرسرت بلند شده. حتماً دیگه. اگر نه صبح اون حرفهارانمیزدی.

دکتر مهدی بازخاموش ماند.

- حالا چرا مثل برج زهرمار اومدی خونه؟ چی شده؟ چرا حرف نمیزنی؟ پدر منو در آوردی، دوقورت ونیمت هم باقی است. کسی چیزیش شده؟

- نه

- پس چی؟

- هیچی

بچه ها آمده بودند و پریوش همینقدر که شوهر و بچه ها رازنده میدید احساس آرامش می کرد و از اینرو کوتاه آمد و چیزی نگفت تا موقعی که شام می کشید: شب شبات به شب شبات یک کنیسامیرفتیم اونهم که امشب حسرت بدلمان ماند.

پدر آهسته گفت: کامی خموسی بگو.

کامی خموسی گفت و تکه های نان را پرت کرد.

کتی گفت: یواستو پید! نون رو جلو پدر مادرشون پرت می کنند؟

مادر گفت: آره. نون براخا را باید پرت کرد.

پدرخاموش ماند و نان براخا را بدندان گزید و دستش همچنان که نان را گرفته بود بی حرکت ماند.

مادر گفت: چرا ماتت برده. چرا شامت رانمی خوری.

پدر گفت: برمیدارم.

و برداشت. و به کامی پرسریزده ساله اش و به کتی دختر نوزده ساله اش و به زنش پریوش خیره شد و بعد در عالم افکار خودش غرق. صحنه های زندگی چند سال گذشته اش مثل برق و باد از جلو چشمانش می گذشت:



تا روزیکه آن دوتا زن با چادرهای سیاهشان در کافه سرمیز آنها نیامده بودند و از اینکه کاترین جوراب سفید ساق بلند پوشیده بود ایراد نگرفته بودند دکتر مهدی مقاومت میکرد. هرچه پری می گفت دیگر اینجا جای مانیست بگوش او نمیرفت. میگفت آمریکا را بمن چه. تازه باید بروم انگلیسی بخوانم. مطبعی دارم و درآمدی. مگر خدا زده پس گردنم. توداری برای خانواده خودت که دلت تنگشان شده جوش میزنی. اصرار بچه هانیز که از آمریکا برای خودشان دنیای افسانه ای ساخته بودند بیفایده بود. اما آنروز همینکه آندو تا زن، دست کتی را گرفتند و او را داخل ماشین بردند تا ارشادش کنند همه چیز زیرو روشد. پدر قسم خورد که بهر قیمت شده دست زن و بچه اش را بگیرد و از آن کابوس دائمی نجاتشان بدهد. ترس مرگ و گرفتاری و گرسنگی و نیستی بهتر از آن بود که میدید. همانشب به باجناقش تلفن زد. هنوز صدای او در گوشش طنین داشت: «باباتوبیا. کاریت نباشد. مگر اینهمه آمدند چه کردند. ماها

همه هستیم» بیش از دوماه نگذشت که مطب چندین و چند ساله اش را در بولوار کرج واگذار کرد و خانه و زندگی را بدل به نقدینه و وارد مرحله کار شد. از آن بسعد عدد و رقم و حساب و کتاب و اشتغال ذهنی او گردید. نزدیک ده میلیون تومان دستش آمده بود. این خیلی بود. حتی یکروز بزنش گفت «گرچه پنجاه و یکی دوسالی بیشتر از عمرم نگذشته، اما همینکه به آمریکا برسیم بازنشسته می کنم خودم را. میرویم دنیا گردی. پول می خواهیم چه کنیم؟» ولی تا داروندار او به آمریکا رسیده بود به صد و خورده ای هزار دلار تقلیل یافته بود. یک میلیون تومانش خرج سفر قاچاق خانوادگی تا کویته شده بود و مابقی اش با دلاری هشتاد و سه تومن بدل به پول آمریکا. یکی دوماهی از اقامت آنها در لس آنجلس میگذشت که او کم کم از خواب گران بیدار شد و حساب دستش آمد. اجاره خانه را که حساب کرد دید چیزی در حدود شصت و پنج هزار تومان در ماه میشود. آنها چه خانه ای! یک آپارتمان دواطاق خوابه در یک

محلله پرت. از آنروز دلش به هول افتاد. اندوخته اش اگر به این شکل کمتر و کمتر میشد فردای او وزن و بچه اش بکجا میرسد؟ هر روز با رستگینی را روی دوشش بیشتر و بیشتر حس می کرد. دائم در فکرش یا گوشه کاغذ پاره وحاشیه مجله روزنامه ها حساب می کرد. به او گفتند آمریکا مرکز بیزنس است و پول توی کار و تجارت خوابیده. بعد از سه ماه دوندگی بالاخره با شرکت و راهنمایی برادر خانمش رفت یک خشک شویی گرفت. حسش این بود که نزدیک خانه اش بود و هر صبح می توانست ساعت هفت سرکارش حاضر باشد. بیست و پنج هزار دلار هم سرمایه گذاشت. اما چهار ماه بعد کارشراکت به اختلاف کشید و پس از جرو بحث و جنگ وجدلی که گاه بوی خون میداد، ده هزار دلار قسطی گرفت و از کاری که جز خرحمالی و زیان روز افزون مالی ثمر دیگری نداشت کنار کشید. در همان روزها بود که تصمیم خودش را گرفت. شرکت در امتحان بورد پزشکی آمریکا. چه تصمیم بزرگی! از آن ایام تا امشب که کنار زن و بچه هایش نشسته بود و درس کوتی کشنده و آزار دهنده شام می خورد بیش از سه سال می گذشت. سه سال مطالعه در زیر چتر ترس از فردا و سه سال شکست و سر خوردگی. امتحان توفل را که سر ضرب گذراند همه به او تبریک گفتند: «ما شاء اله آقای دکتر! واقعاً که در این سن و سال چه هوش و حواسی دارید» و او با غرور و افتخار تشکر میکرد و یادش میامد روزی که در دانشکده پزشکی تهران، موقع امتحان شفاهی به پرفسور عدل یکی دو عبارت بفرانسه گفت. پرفسور از او پرسید همه را می توانید به فرانسه بگوئید. او گفت بله و همه را بفرانسه شرح داد و پرفسور سؤال کرد شما در فرانسه هم بوده اید و او جواب داد نه، فرانسه را بیشتر پهلوی خودم یاد گرفتم. یکی دو کلاس در انجمن ایران و فرانسه و بعد رادیو پاریس و کتابهای زبان. گذراندن امتحان توفل او را در هدفش دلگرم و امیدوار کرد. در همان اطاق خوابش یک میز تحریر دست دوم گذاشت. هنوز بهمان عبارت سالها قبل که در تهران بود امتحان

پزشکی آمریکا را «ای سی اف ام جی» می نامید و «فلکس». مصمم بود که هر دو امتحان را بگذراند و بعد از دوره انترنی مطبش را باز کند و پشت و پناه خانواده اش باشد. صبح صبحانه را خورده و نخورده می رفت اطاق خواب و در را از تومی بست و می نشست پشت میز و می خواند و می خواند و می خواند. و جز تنفس های چند دقیقه ای کارش را ترک نمی کرد و اگر بعد از ظهر پشت همان میز یاروی تخت چرتکی هم میزد نیمه شب باز بلند می شد و چراغ یک دلاری را روشن می کرد و باز آنقدر مطالعه می کرد تا خوابش می گرفت. به پری گفته بود: «فکر کن من خانه نیستم و اگر در راهم روی خودم می بندم برای اینست که حواسم جمع باشد. اما مطمئن باش همینکه امتحان را بگذرانم زندگی خوشبخت را از نو شروع می کنیم»

دفعه اول که رد شد خودش را دلداری داد که این برای آشنائی بانحوه امتحان بوده و قطعاً دفعه بعد امتحان را می گذراند. دفعه بعد که جواب را گرفت با اختلاف چند نمره رد شد. آتش گرفت و به شانسش لعنت فرستاد. و اکنون بعد از سه سال که عملاً در اطاق خواب زندانی شده بود و جز سر زدن به کتابخانه و رفتن کلاس آمادگی امتحان پزشکی کاری نکرده بود شکست خورده و ناامید و دلسوخته با کوهی از نگرانی و ترس فردا کنار زن و بچه اش نشسته بود.

بفکر خود کشی افتاد. اگر خودش را خلاص می کرد تکلیف بر میتصوای کامران چه می شد. او الان چند ماه بود که بکلاس بر میتصوای رفت و از کادوهائی که می خواست برایش بیاورد حرف میزد. آینده کاترین به کجا میرسد. تحصیل و ازدواج و سرو سامان دادنش هیچ مگر به او نگفته بود «بجان پدر. روزی که مطمئن را باز کنم ماشین را برایت خواهم خرید» و بالاتر از همه پریشانش را چطور ممکن بود با کوهی از سختی ها تنها گذاشت. خود کشی دسته جمعی! یک نیمه شب بایک هفت تیر صد اخفه کن کتی و کامی و پری را خلاص کند و بعد خودش را. لیوان آب رازمین گذاشت و زیر لب گفت: نه!

کتی و مادر بهم خیره شدند و کتی از پدر پرسید: ددی. سنوهای ترا ورفالز را حاضر می کنی؟ نو! یس! نو! یس! یس! بارک اله. معلومه که در سهپایت را خوب حاضر کرده ای. در سهپایت رو بخون تا برمت دیسنی لند. ددی بالحنی غمزده، مثل یک کودک کتک خورده گفت: باز بابات را دست انداختی دخترم.

کتی خاموش ماند و همینطور که آرام و باتأنی غذا را در دهان می جوید در عالم خیال خود را دید که پشت فرمان ماشین شیک کورسی اش که رنگ آن باتشعش نور تغییر می کند اما همیشه زنده است و روشن و



دلپذیرنشسته است و بسرعت درهای وی می برد و از همه جلو میزنند؛ از گیتا گرفته که در جمع دوستان اولین کسی بود که سال گذشته صاحب هوندا آکورد شد تا رُو یا آخرین دوستی که هفته پیش پدرش برای او یک بی ام و برونگ بژ از کمپانی گرفته بود. بیژن جوانی که کتی او را دوست میداشت اما هرگز به او نگفته بود کنارش نشسته بود و می گفت: چقدر این نوارهای فرزانه و فروزان؟ خسته شدم. یک چیز تازه بگذار و کتی به آرامی در هوا بایک دست بشکن آرامی زد و کانال ام تی وی در برابر آندوتوی ماشین روشن شد و ویدئو پر حرارت و پرتحرکی چشمان هردو رابه صحنه دوخت و بیژن دست بگردن کتی انداخت. ماشین، خودش سریع میرفت. کتی سر برگرداند و دید که گیتا و شبیم و بهاره و گلوریا و دالیا و افسانه و رُو یا همه از او عقب افتاده اند و همانطور که آنها را تماشا میکرد بالذتی عمیق خندید.

خندید و پاره ای غذا بگلویش پرید و سرخ شد و بسر ف افتاد و رگ شقیقه اش بالا آمد و مادر سراسیمه جست زد و گفت بزنی پشتش کامران! و کامی محکم به پشت کتی کوبید. پدر شست به میان دو ایروی او گذاشت و ببالا کشید و گفت آب بخور. کتی با دست اشاره کرد که چیزش نیست و سرش را تکان تکان داد ولیوان آب را بزمین گذاشت و روبه کامی کرد و گفت: آریو کریزی؟ پشتم درد گرفت.

- دونت بلیم می. مامی سد دو ایت

کتی هنوز مشکوک بود که کدام شماره برای ماشینش بهتر است، زمینه سیلور درخشان با حروف و اعداد آبی تیره. فورکاترین. برای کاترین KHATIRIN عدد و حروف را شمرد. هفت تا، قشنگ است اما دوتا بدی دارد یکی اینکه خیلی ها فکرمی کنند که ماشین را بیژن خریده برایم نه پدر. یکی دیگر اینکه خیلی رایج است. همه دیگر اینطوری انتخاب می کنند. یک شماره می خواهم یونیک. برای خودم. جمع اعداد و حرفهای محدود به هفت. اسم پدر باید باشد. MEHDI پنج تا DR یک دو سه چهار پنج شش هفت تا، عالی. اما من که دکتر



مهدی نیستم. اینکه نشان نمیدهد ماشین مال

من است، تن کیوددی THANK YOU DADDY

پوه! خیلی زیاد است. خلاصه اش

باید کرد. و خلاصه اش کرد. آنقدر از چپ و

راست آنها زد تا به این هفت حرف رسید TAN Q DAD

- عالی بود. معرکه بود. انگار چیزی

کشف کرده بود. فقط حرف T بود که کمی

فکرش را ناراحت می کرد. اگر میشد TH

گذاشت دیگر ردخور نداشت. بعد خودش

گفت اتفاقاً تی تنها بهتر است ایرانی ها که

تی اچ را آنطور که باید تلفظ نمی کنند. تی اچ

را درست مثل تی تنها تلفظ می کنند.

بهتر است. دوباره حروف را مرور کرد

میزش را جمع کردند.

در اطاق خواب، دکتر مهدی خان پایراهن

و زیر سلواری روی تخت دراز کشید و

انگشتانش را زیر سر بهم قفل کرد. چراغ

خواب روشن بود. به سقف چشم دوخت و در

دل گفت: خداوند! بتو پناه میاوم، کمکم

کن.

پریوش پشت به او کرده بود و یک مجله

فارسی بدست داشت. نمی خواند.

همانطور آنرا نگاه میکرد. ساعت از نیمه شب

گذشته بود. کتی در اطاق خواب دیگر و کامی

در حال که هم اطاق ناهار خوری بود و هم سالن

پذیرائی و هم اطاق نشیمن بخواب رفته بودند.

دکتر بسوی زنش سر بر گرداند و به آرامی

دستش را روی شانه او گذاشت. پریوش بایی

اعتنائی شانه اش را تکان داد و مهدی خان

باسماجت انگشتانش را فشرد و گفت: فکرش

رانکن، همه چیز درست میشود.

ناگهان پریوش نشست و به شوهرش خیره

شد. او آن زن زیبای آرایش کرده چند ساعت

پیش نبود. قیافه وحشتناکی پیدا کرده بود.

مثل یک ساحره شده بود. چشمهایش را پرده

خون پوشانده بود. دکتر با هراس خندید

و خواست بی اعتنا بماند اما زنش با صدای

بلندی که طبیعی نمی آمد گفت: می خواهم

درست نشود. چقدر با سلیبی صورت خودم

و بچه هایم را سرخ نگه دارم. مرده شور این

زندگی نکستی را ببرند که تو برایمان درست

کردی. سه سال چپیدی توی این خراب

مانده. شوهر تو را تا کلاس ششم هم نخوانده

ببین چه زندگی برای زن و بچه اش درست

کرده. می خواهم صد سال سیاه نباشد این

دکتر شدن و دکتر بودنی که تو اینهمه برایش

سنگ بسینه میزنی. اگر نمی توانی بگوتامن

بروم... شوری مردم را بکنم. آخر تا کی من

توی این دل صاحب مرده ام بریزم.

و شروع کرد محکم بسینه اش کوفتن.

مهدی خان دست او را محکم گرفت و لبش

را گاز گرفت: آرام! آرام!

- ولم کن بگذاریمیرم. فکرمرانمی کنی  
فکر این بچه های بدبخت را بکن. آخر تا کی؟  
همه ارواح باباشان خیال می کنند که ما  
در سایه دکتری آقای خانه زندگی شاهی  
داریم. سه سال است توی این قفس خراب  
شده زندانی شده ایم. بخور و بخواب که  
زندگی نشد.

- پری. پری جون. مرگ بچه هاقسمت  
میدهم آرام باش. حق باتست. همسایه ها  
الان صدایشان در میاید.

وحس کرد که همسایه هادر چهار طرف  
خانه او، از پنجره های ساختمانهای بلند آنها  
رانگه می کنند و پشت دست میزنند  
و بحالشان تأسف می خورند.

- وای بر من. جیگر آدم بحالشان کباب  
می شود.

- خدانصیب دشمنانمان نکند.

- کاش بریم یک صدقه بهشان بدهیم.  
میتصوا دارد.

مهدی خان اینها رامی شنید  
امادر چهارسوی آپارتمان او تا یک دایره بی  
انتپانه ساختمان بلندی بود و نه همسایه ایرانی  
کنجکاوی که در آنوقت شب بخواد حفظ  
آبروی خانوادگی کسی رانادیده بگیرد.

و پری همچنان با صدای خشک شکننده و  
لرزان و عصبی اش می غرید: فردا! کدام  
فردا؟ فردا مرد. زندگی مرد. زندگی رفت.

اگر خدائی هست که تقاص این کتی و کامی  
را از تومسی بگیرد. سعیدخان آدم نبود؟  
دکتر مهندس به نافتش چسبانده بودند. بریز  
توی آشغال دانی این حرفهارا. امیرخان

اینها که با ما آمدند زن گورمگوریش تو چشم  
منتم نگاه نمی کند حالا. جواب سلامم راهم  
نمیدهد. خدای داند که چه برو بیانی دارند.

پلکهای او تند تند بهم می خورد، لبهایش  
می لرزید. مهدیخان میدانست که حال زنش  
طبیعی نیست و اگر او را بحال خودش

بگذارد همه چیز را زیر و رو می کند. می  
شکند. خرد می کند و دق دلش را سر آنچه  
دور و ورش می بیند خالی می کند. کنار تخت  
ایستاده بود و دستهای او را گرفته بود

و با التماس می گفت: پری ترابجان بچه  
ها اینقدر جیغ و داد نکن. یواشتر.

اما پری ول کن نبود. می گفت و می  
ناخت و می کوفت. مثل اینکه تمام قهر  
و غضبی را که در این مدت دراز به امید فردای  
واهی درد دل انباشته بود حالا داشت خالی می  
کرد. ترکیده بود. منفجر شده بود و کسی نمی  
توانست جلواش را بگیرد.

دکتر داشت با شتاب بسمت تلفن میرفت  
که کتی جلودر اطاق سبزشد.

- چی شده ددی؟

- هیچی پدر جون. یک لیوان آب بده.

بدو زد و باش

- و بعد کامی آمد. با چشمهای پف کرده  
خواب آلود.

- وات هاپند؟ آریوأل رایت مام؟

- چیزی نیست. برو بگیر بخواب

پریوش قرصی را که مهدیخان بدست  
کاترین داده بود خورد و لیوان آب راتا ته  
سر کشید و از اطاق بیرون رفت و در راهم  
کوفت. دکتر پکر و گرفته و دمق و سرخورده و

سرگشته و بلا تکلیف پشت میزش نشست و  
دستی به سر نیمه طامش کشید و سرش را خم  
کرد و چانه اش را بسینه اش تکیه داد. نیمی  
از موهای سینه اش سفید شده بود. بعد مدادی

را از روی میز برداشت و چنان آنرا میان  
انگشتان فشرد که بدونیم شد.

در دلش با خودش حرف میزد: که چه؟ به  
چه نسل من زحرفی تعلق دارم که خدمتگذار  
دونسل پیشین و پسین خود بود. بیست سالم

تمام نشده بود. سال اول دانشکده پزشکی  
بودم. با چه دوز و کلکی مشغول بکار  
و یزیتوری شدم. اولین درآمدم. آخ که چه

کیفی داشت! ماه بماه خرج مختصر خوراک  
و پوشاکم را بر میداشتم و مابقی اش را می  
فرستادم مشهد، خانه پدری برای کمک  
خرجشان. یک بزاز با شش تا نان خور.

بزرگتریشان من بودم. ملوک را که شوهر دادیم  
فکرم راحت شد. بعد خرج تحصیل یوسف  
بگردن من افتاد. آنوقت شهبین خواهر دیگرم  
را باید بخانه بخت می فرستادیم. تمام هزینه

اش بعهده من بود. هیچوقت نشد یک دینار  
پس انداز کنم. برای خودم باشم. حمید را که  
به تهران آوردم دیگر باید مثل بچه خودم  
خرجش را میدادم. تا چند سال؟ یکسال؟

دو سال؟ خیلی بیشتر. روزی هم که پدر  
و مادر به تهران آمدند باز مسئولیت مالی من  
بالا بود. دکتر شده بودم و چشمم کور باید پدر  
و مادرم رادر سالهای پیری نگهداری می

کردم. بعد از ازدواج هم که نوکر بچه هاشدم و  
مسئول زندگی خوب و راحت آنها. خودم چه.  
خودم چه کاره بودم؟ چه زندگی هجوی. یک  
موجود بیگناه که بوسیله دونسل قبلی و بعدی  
مکیده شد.

ولی نه. شاید اینهمه فلاکت  
بخاطر بار سنگین معصیتها می است که بدوش  
دارم. نباید. نباید با معصومه وصلت میکردم.  
پرستار بانمک خونگرم با عاطفه ای که

در بیمارستان مرا دچار عشق خودش کرد. پدر  
تورا سید و خوانم گفت نکن. گفتم محال  
است به حرفت گوش بدهم. در مراسم عروسی

نیامدم. عوضش پیغام داد که پسر من تمامی  
بخشم اما خدا ترایی بخشد با این ننگی که برای  
خانواده ما گذاشتی. توی جاده چالوس، توی  
آن فولکس واگن، آن تصادف وحشتناک!

معصومه آستن دردم کشته شد. خدا آه پدرم  
را گرفت. زنده ام نگه داشت تا سالها این  
بار سنگین گناه را حس کنم. رفتم دست

پریوش را که از یک خانواده بی چیز اما  
مذهبی بود گرفتم و با او ازدواج کردم و قسم  
خوردم که خودم را وقف او و بچه هایم بکنم.  
قسم لازم نداشت.

چه گناهان عظیمی که در سالهای  
پزشکی نکردم. آنروز فرانک، آن زن زیبای  
لوند که ناز و عشوه از سر آپایش می ریخت وارد  
مطب شد و گفت: دکتر جون دستم بدامنت.

گفتم: خیر است.  
گفت: تاشوهرم به سفرارو پارت بند رابه  
آب داده ام و حالا یک تخم حرام در شکم  
دارم. آمده ام کورتاژ کنم.

چه خودش را لوس کرده بود.  
چقدر خوشگل بود. شوهرش رامی شناختم. به  
او اعتماد داشت. دست مرا گرفت و به بهانه  
اینکه کمک می طلبد ناز کرد. چه دست

گرمی. پوست صورتش مثل گل برگهای  
شکوفه بهاری نرم و لطیف بود. چه عطری!  
وسوسه ام کرد. می گفت: قربونت برم دکتر.  
آبرویم را بخر.

پشت در ایستاد و تلنگر زد: ددی باز کن  
برات سور پرایز آوردم!  
جوابی نیامد. باز در زد: ددی! باز کن در  
را.

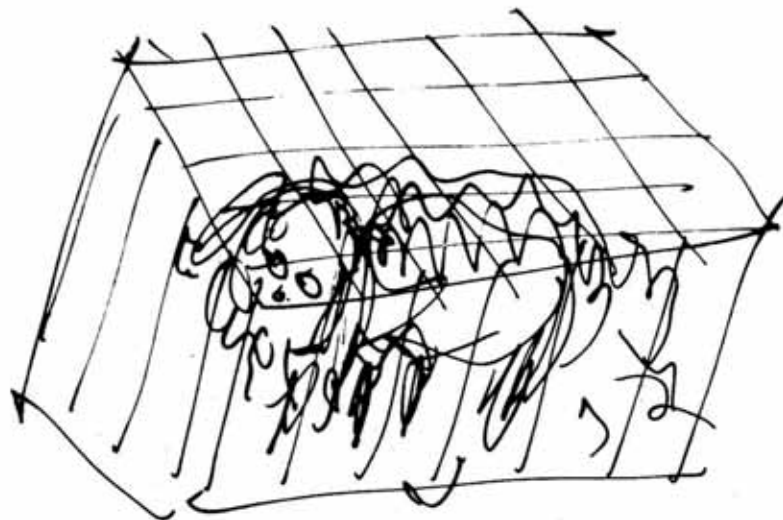
صدایش را بلندتر کرد: پدر! صبحانه  
واست آوردم.

و دوباره با کف دست بدر زد  
و با دلهره گفت: یوهو!

مکث کرد. نکنند پدر رفته و کسی در  
اطاق خواب نیست. اما چرا در باز نمیشود.  
چفت را گرفت و دوسه بار محکم چرخاند و  
دوباره با کف دست چند دفعه به سینه  
در کوبید. ساعت نه و نیم صبح شبیه بود.  
قریب ده دقیقه بود که کاترین پشت در ایستاده  
بود و پدر را صدا میزد. ناگهان بارعب و ترس  
بصدای بلند فریاد زد: مامی! چرا ددی در را باز  
نمی کنه؟

کامی برکاناپه ای که شهباروی آن می  
خوابید دراز کشیده بود و غرق خیالات خودش  
بود. میدید که در کنار یک باغ بزرگ پرگل،  
لیموزین سفیدی ایستاد و او بالباس سفید و  
پایون قرمز از آن پیاده شد و ژانیت دوست  
دختر دوازده ساله اش دست در دست او  
انداخت. دونگهبان در دوطرف باغ ایستاده  
بودند. همه جاجراغانی بود و آتش بازی. یک  
گوشه ارکستر ایرانی. یک جام مخصوص جوانهای  
همسن و سال خودش. میزهای خوردنی و  
نوشیدنی و صدها پیشخدمت و گارسون  
بالباسهای اونیفورم. همینکه او و دوست  
دخترش وارد شدند مهمانان که شماره شان از  
دوسه هزار می گذشت به احترام کامران  
ایستادند. جشن برمیتصوای او بود. کامران  
بهمراه ژانیت از بالای شاخه های گل، از  
روی استخر آب و از فراز نورهای رنگارنگ  
هیئت های ارکستر گذشت و در جایگاه  
مخصوص خود نشست. آخر شب پدر او در کنار  
مادرش و کتی سیزدهمین شمع را که روشن  
کرد دست بشانه او انداخت و گرم و محکم  
فشرده و گفت: کامی جان! پسرم! تو دیگر  
برای خودت مردی شده ای. تواز امروز باید به  
راه زندگی خودت بروی.

سینی از دست کاترین به زمین افتاد.



برگ را بدون اینکه یکی یکی سئوالها و  
جوابهای چهارگانه را بخواند ورق زد. همه  
را حفظ بود. بعد مکث کرد. چشمپایش به  
یک صفحه ماند. ساعت نزدیک دو بعد از نیمه  
شب بود. خوابش نمی آمد. آباژور چراغ یک  
دلاری کج شده بود. بار دیگر سعی  
کرد سئوالهای صفحه ای را که پیش چشم  
داشت بخواند. اما کلمه های چاپی مرده  
و بیجان و بی معنی بودند. انگاری یک مشت  
ریگ ریز را روی صفحه کاغذ پخش کرده  
باشند. مغز دکتور مهدیخان دیگر چیزی را  
درک نمی کرد. مغز او به مغز یک گوسفند،  
به مغز یک ماهی تبدیل شده بود. یک مشت  
سلول سفیدی که روی هم پف کرده بودند.  
نفس بلندی کشید و با دهان باز همچنان همان  
صفحه را نگاه کرد شاید که چیزی را بفهمد.  
چشمپایش سیاهی میرفت. دستش را گذاشت  
روی قفسه سینه اش. سرش محکم به روی  
میز مطالعه خورد!

صبح فردا، کاترین در برابر محبتی که پدر  
می خواست در مورد خرید ماشین به او بکند،  
بعد از اینکه صبحانه مادر را داد، سینی  
کوچکی را پیش کشید و یک چای کم رنگ  
با ظرف پنیر و یک نان تست در آن گذاشت.  
نان تست کمی سوخته بود و کاترین  
با چاقو سوخته های آن را در ظرفشویی آشپزخانه  
با کارد تراشید.

من یک آدمکشم. من یک قاتلم. آن بچه  
ای که در شکم زن اولم بود من کشتم. آن بچه  
ای که در شکم فرانک بود من کشتم. حالا  
باید پاداش آنهمه گناه را بدهم. روزگار  
دارد انتقامش را از جنایات من میگیرد.

بلند شد و شروع کرد قدم زدن. مثل یک  
شیر پیر در قفس. موهای آشفته بود. بسمت  
در اطاق رفت و گوش داد. پریوش آرام شده  
بود. ترسید سراغش برود. برگشت و پنجره  
را باز کرد. کتی!.. پری!.. کامی! قلم  
برداشت که بنویسد. وصیتش را بنویسد.  
کمی فکر کرد. دید چیزی ندارد بنویسد. مرگ  
هم از دید او یک چیز ساده بود. قلم بزمین  
گذاشت.

باید بخوانم. باید امتحان بورد را بگذرانم.  
باید معطیم راداشته باشم. جزاین هیچکار  
دیگری از دستم ساخته نیست. نه می توانم  
کار و کاسبی داشته باشم. نه اهل تجارت  
و شراکت. و نه حتی می توانم بروم شاگردی.  
اندوخته دارد ته می کشد، فردای بچه ها،  
زندگی زخم. بهر قیامت شده باید در این  
امتحان بی پیر موفق بشوم. سن و سال سرم  
نمیشود. چاره ای ندارم. هیچ چاره ای ندارم  
جز آنکه باز هم در امتحان شرکت کنم.

بناباه عادت همیشگی بلند شد در اطاق  
خواب را از تویست و باز پشت میزش نشست.  
یکی از کتابچه های امتحانات سالهای  
قبل را برداشت و شروع کرد بخواندن. چند

PARVIZ PIRNAZAR, M.D.

OBSTETRICIAN & GYNECOLOGIST

# دکتر پرویز پیرنظر

جراح و متخصص بیماریهای زنان و زایمان  
از امریکا

عضو کادر پزشکان بیمارستان های

Cedar Sinai, Saint John's, Santa Monica

۱۰۹۲۱ ویلشر بلوار - نبش خیابان وست وود

ساختمان وست وود، مدیکال بلازا - طبقه ۱۱ - سوئیت ۱۱۱۰

(۲۱۳) ۸۲۴-۰۰۴۹

Westwood Medical Plaza

10921 Wilshire Blvd., Suite 1110

Los Angeles, CA 90024

(213) 824-0049

بذیرائی بانعمین وقت قبلی

## آنها را سجده و عبادت منما زیرا من یهوه خدای

تو هشتم

سفر تنبیه . باب پنجم

روزی که «فقط در برابر او» را برای شماره و یژه شوفارمی نوشتم فکرمی کردم با اینهمه استقبال روبرو شود. خوانندگان بسیاری که سخت تحت تأثیر قرار گرفته بودند بانامه ها و تلفن های متعدد به دفتر مجله، این نوشته را بگرمی ستودند. بعضی از آشنایان قدیمی نیز باهمه بی نام و نشانی آن مقال، ردپای نویسنده را یافتند و به خانه ام تلفن زدند و محبت آمیزانه بمن دست مریزاد گفتند. حتی خانمی که آهنگ صدایش نشان میداد سنی از او گذشته است و بالاخره ندانستم که بود و چگونه دانسته بود که نویسنده آن خاطره کیست نزدیک نیمه شب بمن تلفن زد و با صدائی سرشار از مهر و احساس با گفته هایش که انعکاسی از درک واقعی یهودیت داشت بر من منت گذاشت. من از همه این خوانندگان و اینهمه لطف پاک و باصفایشان سپاس بسیار دارم.

کسانی نیز شک کرده بودند که چنین چیزی، باهمه سادگی و بی پیرایگی اش ممکنست واقعیت داشته باشد و کنجکاوانه نام آن استاد سابق طنشگاه پهلوی را خواسته بودند. امضای پائین این یادداشت سؤال این عزیزان را پاسخ خواهد داد.

در برابر تشویقها و تأییدهای فراوان، پاره ای - شاید در پناه زندگی مرفه خود- شاه پرستانه سخت زبان به انتقاد گشودند که نویسنده به چه حق در مقابل مردی که به قوم ما و به سرزمین واقعی ما آنهمه خدمت کرده سرفروزدنیاروده و بدتر آنکه این گستاخی را بقلم هم آورده است، حقا که اگر جرأت میداشت نام خود را پای این نوشته می گذاشت. برای پاسخ به این گروه اندک است که این یادداشت رامی نویسم.

سخن از شاه و خوبیهها و بدیههای شاه نیست. سخن از یک اصل استوار در دین یهود است. اصل نهی از آدم پرستی. شاه باهمه خدمات انکارناپذیرش که سهل است مردان و زنان بزرگتر از او هم هرگز در طول تاریخ قوم یهود مورد تعظیم و تکریم یهودیان قرار نگرفته اند. و باز کسانی خارج از مذهب که هیچ، بزرگترین و قدرتمندترین افراد یهودی هم هیچوقت شاهد کرنش هم کیشان خویش نبوده اند.

رفیعی میگفت: «از جنگ شش روزه چیزی نگذشته بود و شهرت موشه دایان بعنوان سرداری بزرگ جهانگیر شده بود. روزی دیدم که او در فرودگاه تل او یوازهوا پیمایده شد و یک سرباز ساده معمولی در چند قدمی او هیجان زده فریاد زد: موشه! مزل توو! و موشه سربگرداند و لبخند زد، و من بفکر افتادم که در همان لحظه چه سربازهای بیشمار می و آنجا در برابر سرهنگها و سروانها و نظامیان بالا تر از خود چنان پیش فنگ می کنند و پایهم می کوبند و سرنیزه به سینه هوافرومی برند که انگار آدمکی اند در مقابل سایه خدا»

یهودی در تمام طول تاریخ دراز خویش همان روحیه سرباز ساده معمولی را حفظ کرده است و این روحیه یکی از اسرار عمر جاودانه اوست. او هیچوقت نگفته است که من فرودستم و آنچه تو آقا و سرور و بزرگ من بگوئی درست است و پیرو تو میمانم و برده تو و در برابر ت سجده میکنم. یهودی پیشوای مذهبی اش را در حیطه آئین و رسوم مذهبی احترام می گذارد اما در موارد دیگر سیستم مذهبی برگردانی است از سیستم نظامی. از یک موجود اعظم گرفته تا روحانی روستا. به آدم پرستیها دقیق شوی. آیا اینها را در دین یهود می بینید؟ هرگز. چرا که پرستش انسانی بوسیله انسانی دیگر در این دین جایش خالی است و بیاد داشته باشید که سجده و تعظیم و زانو زدن و سرفرورد آوردن نمودهایی است از

پرستش.

آنچه را که دکارت پدر فلسفه نوین اروپا درباره تساوی تقسیم شعور بین آدمیان بوسیله خداوند گفته است، یهودی هزاران سال بدان معتقد بوده است. تو یک انسانی و من انسانی دیگر و هر دو بندگان پروردگار. از اینرو کرنش من در مقابل تو کفر است و دیوانگی محض، یهودی گرچه به ظهور ناجی فرستاده خدا اعتقاد دارد اما از آدمیان دیگر معجزه گرنمی سازد و عقل خویش را در بست در اختیار دیگران قرار نمیی دهد. یهودی «جیمز جونز» و «جیم بیکر» نمیی تراشد زیرا که بنده ای از پروردگار را بر ترو بالا تر از خود نمیداند، او بردگی فکری را محکوم میداند و شعور خود او برایش محترم است. یهودی با «شک علمی» قرنیهاست که آشناست. بی جهت نیست که اینهمه عالم و دانشمند به جهان ارزانی داشته است.

تعظیم و تکریم در مقابل دیگری اگر از روی تظاهر و ساختگی باشد که تکلیفش روشن است و اگر واقعی باشد بمعنای آنست که مقام انسانی من از مقام انسانی تو حقیرتر است. یهودی سزاقتن میدهد اما به این پستی تن در نمیدهد که بنده ای دیگر را باب و آقای او باشد. و این، نه چیز است که بتوان بسادگی از آن گذشت. این حرفی است به سنگینی تاریخ یهود. اگر قرار بود که یهودی روحیه بردگی داشته باشد و کور کورانه از این و آن پیروی کند و از مزار مردگان نامدار عاجز بطلبید و دست بیوسد و برای زیارت مخلوقی دیگر سرودست بشکند اکنون قومی مرده گمنام بود. بیاد دارم که در ایام کودکی چندبار پدر و مادرم مرا در همدان بدیدار مزار استرومردخای بردند. هرگز نمیدیدم کسی را - آنچنان که رسم دیگر جاهاست - زانو بزمین بزنند و سر بزمین بسایند. شمعی روشن میشد و دعائی گفته میشد و نگاهی عمیق به خوابگاه ابدی آندو.

و وقتی که یهودی در برابر یهودی دیگر سرفرورد نمیی آورد تکلیف او در برابر غیر یهودی دیگر معلوم است. خم نمیشود و لئوآنکه در خشانترین و پرازشترین خدمات رابه قوم او کرده باشد. اگر این اصل در جانی



## انتشار دومین شماره راهنمای سال

دومین شماره «راهنمای سال» با فرم و محتوای چشم گیر در بیش از ۸۰۰ صفحه و تیراژی وسیع منتشر گردید.

در شماره دوم راهنمای سال علاوه بر استفاده از کاغذ اعلا، کلیه بخش های مختلف آن بطرز زیبایی وسیله رنگ از یکدیگر متمایز گردیده تا هر خواننده بنا به نیاز خود بتواند براحتی به بخش مورد علاقه خود مراجعه کند.

دومین شماره «راهنمای سال» علاوه بر اینکه فهرست جامعی از مشاغل و خدمات ایرانیان کالیفرنیا را در بردارد، بخش های گوناگونی را به اطلاعات علمی و پیوندی از تحقیق درباره هنر، ادب، امور اجتماعی و ضروریات حقوقی اختصاص داده است.

شوفار انتشار دومین شماره «راهنمای سال» را به ناشران آن آقایان موریس اسحقیان و حسین مرتضوی تبریک میگوید.

بشکلی می شکست، اگر آن سرباز ساده در مقابل موشه تا کمبرخیم میشد و موشه در برابر گلدا، و گلدا در برابر زنده یامرده بزرگی دیگر، می بایست فاتحه اصل نهی از آدم پرستی را خواند و حتی در برابر دشمنان زورمند یهود نیز تعظیم کرد. آنوقت یهودی نه تنها در برابر کوروش کرنش می کرد و در برابر ناپلئون که او را در بعضی کتب تاریخ یهود تالی کوروش دانسته اند تعظیم می کرد و در پیشگاه شاه سرفرومی آورد، چون زشتی آدم پرستی برای وی از میان میرفت بعد نبود که در تحت فشار و اجبار در مقابل هامان و بخت النصر و هیتلر و آیشمن هم چنین کند. اما چنین نشد. تورات را بخوانیم. کتاب استر را... «و جمیع خادمان پادشاه که در دروازه پادشاه بودند به هامان سرفرو داده و بر اسجده می کردند زیرا که پادشاه در باره اش چنین امر فرموده بود لکن مردخای سرفرو دمی آورد و او را سجده نمی کرد»

دکتر هوشنگ ابراهمی



## بوتیک محبوب

کلکسیون از آخرین و زیباترین پدیده های مد

۷۱۱۱-۴۷۸ (۲۱۳)

## مشاوره اولیه رایگان

## دکتر هوشنگ پاکدامن

مشاور در امور:

- جلوگیری از افسردگی و اضطراب
- سازش با محیط
- ترک اعتیاد موادمخدر و الکل

تلفن ۲۴ ساعته: ۲۸۰-۳۵۰۲ (۲۱۳)

□ مشکلات عاطفی

□ کسب اعتماد به نفس

□ مشکلات بزرگسالان و نوجوانان

9025 WILSHIRE BLVD. #309  
BEVERLY HILLS, CA. 90211

درمان بیماریهای پوست، جوش صورت، ریزش مو و بیماریهای مقاربتی  
برطرف کردن موبرگهای واریسی پاها Spider Veins  
برطرف کردن چین و چروک صورت بوسیله تزریق کلاژن یا تزریق چربی بدن  
برطرف کردن لکهای صورت بوسیله Chemical Peel

## دکتر ا. بجالیان

دارای برد تخصصی در بیماریهای پوست از امریکا

(213) 664-2181

1674 Hillhurst Ave.  
Los Angeles, CA 90027

## دکتر جهانگیر جانفزا متخصص در کایروپراکتیک

معالجه دردهای عصبی، سردرد، گردن درد، کمردرد بدون تجویز دارو  
استاد سابق کلیولند کایروپراکتیک کالج  
متخصص در امور تصادفات اتومبیل و صدمات شخصی  
در محل کار و غیره

مطب بورلی هیلز

9301 Wilshire Blvd., Suite 610  
Beverly Hills, CA 90210  
(213) 859-8494

مطب ولی

15301 Ventura Blvd., Suite 300  
Sherman Oaks, CA 91403  
(818) 907-8566

**J. NAZARIAN, M.D.**

GENERAL & THORACIC SURGERY

## دکتر جمشید نظریان

متخصص جراحی عمومی از آمریکا

مطب در سیدرز سانیای تاور

CEDARS — SINAI MEDICAL OFFICE TOWERS

8631 WEST 3RD. ST. #815E

LOS ANGELES, CA 90048

(213) 854 - 1174

فوق تخصص در جراحی قفسه سینه

جراحی دستگاه گوارش، غدد، واریس، فتق

جراحی ریه و احشا - قفسه سینه



## دکتر فرناز زند کریمی

متخصص ارتدنسی، ردیف نمودن و زیبائی دندان ها،

**FARNÁZ ZAND KARIMI**

Orthodontist

153 S. Laskey Dr., # 8  
Beverly Hills, CA 90212

(213) 553-5121

در بزرگسالان و اطفال

فارغ التحصیل از دانشگاه یو.اس.سی.

با ۱۰ سال سابقه کار

## داروخانه هپس

دکتر آشر اسحق پور

آدرس: ۲۳۳ لاسینگای جنوبی

چند قدم بانین ترازو بلشر بلوار

**HEPPS PHARMACY**

233 S. La Cienega Blvd.  
Beverly Hills, CA 90211

(1/2 Block South of Wilshire)

(213) 652-0550

- قبول سفارش و ارسال دارو به ایران
- قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
- تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان در نزدیکی داروخانه
- لوازم بهداشتی و آرایشی

برای هموطنان عزیزی که بیمه ندارند

تخفیف کلی در نظر گرفته می شود

# نام آوران یهودی

درخواست کمک کرد. با اینکه یهودیان روسیه با احترام او راپذیراشدند معبدا گفتگوی وی باشکست مواجه شد. ثروتمندان یهودی نسبت بوی بی اعتنائی نمودند. دولت انگلیس تشکیل یک دولت یهودی را در خاک اوگاندابه وی پیشنهاد کرد. پس از تأمل بسیارناچاراین پیشنهادراپذیرفت. ولی کنگره ششم یهود درسال ۱۹۰۳ با این پیشنهادمخالفت نموده حتی باشنیدن آن برخی از نمایندگان گریستند. آنگاه هرتصل قسم یاد نمود که نسبت به جمله تهلیم (مزامیر) «اگر ای اورشلیم تراقراموش کنم دست راستم فراموش شود» وفادار بماند. در اثر مبارزه ومسافرتها ی زیاد باسران دولتها دچار هیجان روحی گردید که متعاقب ان سلامت او رامتنزلزل کرد. پس از مرگ او نهضت وی دچارضعف گردید که پس از پایان جنگ جهانی اول دوباره قوت گرفت. پس از استقلال واستقرار دولت اسرائیل ، موسسات و آبادیهای بسیار بنام او برپا گردید و تمثال او زینت بخش برخی ادارات و منازل است.

گردیده و نوشته هائی در باره مجلس مقتنه فرانسه منتشر نمود که بعداً بصورت کتابی درآمد. هنگامی که محاکمه در ایفوس راتعیب میکرد احساسات او برانگیخته شد و پراتبدیل به یک صیونیست مبارز نمود. در این وقت بود که باین نتیجه رسید که حل مشکل یهودیان بجز با تشکیل کشور یهود میسر نیست. سپس کتاب خود را بنام کشور یهود منتشر کرد. در این کتاب، هرتصل این نظریه رامطرح نمود که دشمنان ما را بصورت یک ملت میشناسند ولو اینکه ما خود براین باور نباشیم و یگانه راه حل مشکل این ملت بنای میهنی یهودی است. هرتصل عقاید خود رانزد شخصیت های بزرگ یهود مطرح میکرد، ولی ایشان وی راشخصی رویائی می پنداشتند. فقط ماکس نوردو از وی پشتیبانی نمود و با کمک او هیستدروت (تشکیلات) صیونیستی راتأسیس نمود. در سال ۱۸۹۶ هرتصل به وین مراجعت نمود- کتاب وی یهودیان راتحت تأثیر قرارداد و برخی یهودیان و دانشجویان ملت دوست ندای او را اجابت نمودند. در سال ۱۹۰۳ ضمن دیدار از روسیه از دولت تزاری وقت



بنیامین ذنب هرتصل ۱۸۶۰-۱۹۰۴

نوشته: ابی نوعم شبتائی  
از اسرائیل

هرتصل مؤسس نهضت صیونیست و بازکننده فصل تازه ای در تاریخ یهودیان جهان می باشد. وی در ابتدا وکیل دادگستری بود و سپس بشغل روزنامه نویسی پرداخت. در سال ۱۸۹۱ در پاریس خبرگزار روزنامه اطریشی

By Appointment Only

(213) 859-3481

24 hrs.



## آشنائی بمنظور ازدواج بین یهودیان

با عضویت در سازمان ما و تعیین مشخصات همسر مورد نظر خود، ما شما را با سایر اعضائی که علاقه مند به انتخاب همسری با مشخصات شما هستند آشنا مینمائیم.

اطلاعات دریافتی صددرصد محرمانه تلقی میگردد.

(۲۱۳) ۸۵۹-۳۴۸۱

# خبرهایی از گوشه و کنار

## جهان

### درگذشت هیو - شونفیلد

هیو شونفیلد مورخ و یکی از بزرگترین مفسران و نویسنده‌گان مسائل مذهبی در ژانویه سال جاری در سن ۸۶ سالگی بدرود حیات گفت.

از کتاب معروف او بنام «توطئه مسیح» در اولین چاپ بیش از ۲ میلیون جلد بفروش رفت. این کتاب که در سال ۱۹۶۵ انتشار یافت تاکنون ۲۰ بار تجدید چاپ شده است. در این کتاب نویسنده ادعا میکند که به صلیب کشیدن مسیح توطئه ای از جانب مسیح و اطرافیان او بوده است و آنها می خواستند با وانمود آن این که مسیح روی صلیب کشته شده است اعلام نمایند که او از مرگ رهائی یافته و مبعوث خداوند است.

اما این توطئه بعلت تعویض نگهبانان رومی او آنطوریکه اطرافیان مسیح می خواستند انجام نشد و مسیح به صلیب کشیده شد و جان سپرد.

کتاب بعدی او بنام «مسیحیت غیرقابل باور» نیز یکی از پرفروش ترین کتابها است.

در این کتاب او ادعا میکند که همه داستانهای که درباره حواریون مسیح گفته میشود افسانه ای بیش نیست و باید آنها را داستانهای ساختگی دانست.

در کتاب بعدی بنام «انقلاب»، تاریخ ۳۰ ساله مسیحیت از هنگام به صلیب کشیدن مسیح تا انقلاب یهودیان در ارض مقدس را به رشته تحریر درآورده است که آنرا میتوان یکی از دقیقترین کتب تاریخی در ابتدای مسیحیت

دانست. او در این کتاب مینویسد اصولاً پیروان اولیه مسیح بهیچ وجه خود را از یهودیان جدا نمی دانستند و به مذهب یهود و همه جزئیات آن اعتقاد کامل داشته و بنظر آنان غیر از یهودیت مذهب دیگری برای آنان وجود نداشت.

در مصاحبه ای که در سال ۱۹۶۹ با مخیر اسوشیتد پرس نمود اعلام داشت داستانهای که کلیسا درباره مسیحیان در قرون اولیه میگوید تماماً جعلی و کذب محض است و خود کلیسا نیز کاملاً به این مسئله واقف است. اصولاً کتاب «عهد جدید» ارزش بیش از یکی از کتب داستانهای معمولی را ندارد.

به اعتقاد شونفیلد تاریخ ده ساله زندگی مسیح و به صلیب کشیدن او از زوایای تاریک تاریخ است که او توانسته است با اتکا به منابع موثق و مطمئن آنرا به دقت و درستی تمام بازسازی نماید.

### کمک آمریکا به اسرائیل

در سال جاری بنا به تصویب کنگره آمریکا اسرائیل در حدود ۳ بلیون دلار از آمریکا کمک دریافت خواهد کرد که از این مبلغ ۱/۸ میلیون کمک نظامی و ۱/۲ میلیون کمک مالی خواهد بود.

بنابیه گفته پلا تسکر نویسنده روزنامه ییدیعیوت اخرونوت، میزان کمک آمریکا به اسرائیل فقط بستگی به میزان منافع و مصالح اقتصادی آمریکا دارد به این معنی که میزان کمک مالی در حدودی است که اسرائیل بتواند بهره و امپهای قبلی را که بانرخ های گزافی دریافت کرده است پردازد. کمک نظامی نیز کلاً برای خرید اسلحه از سازندگان اسلحه آمریکائی به مصرف میرسد

بنابراین کمک خالص آمریکا به اسرائیل فقط چند میلیون دلار است و به گفته یکی از مأمورین عالیرتبه اسرائیل - کمک آمریکا به اسرائیل فقط تا حدی است که آمریکا بتواند آنرا از ما پس بگیرد بطوریکه مقامات مالی اسرائیل تخمین میزنند از سال ۱۹۹۳ بعد اسرائیل سالانه باید علاوه بر کمک های دریافتی در حدود چند میلیون دلار اضافی نیز بهره و امپهای را پردازد که برای خرید اسلحه دریافت داشته است.

### آشنائی با یک یهودی متعهد

دکتر اشنايدر یک پزشک یهودی مقیم لانگ آیلند می باشد که تخصص او در رشتنه کودکان است. نامبرده اخیراً مبلغ بیست میلیون دلار جهت احداث یک بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی مجهز به کلیه لوازم پزشکی پیشرفته جهت معالجه بیماریهای کودکان اهداء نموده است این بیمارستان که کلنگ آن با حضور پنج نفر از صاحب نامان برنده جایزه نوبل از نقاط مختلف گیتی در تاریخ اول آوریل ۱۹۸۸ در اسرائیل بزمن زده شد، حداکثر ظرف سه سال ساخته شده مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

### دشواریهای اسرائیل بادایه های

#### مهربان تراز مادر

در میان مشکلات بزرگی که این روزها اسرائیل در سرزمینهای اشغالی با آن روبرو است، بطوریکه روزنامه ها خبر داده اند از چندی پیش گرفتاری کوچک و نوظهور دیگری پدید آمده که از طرز فکر و عمل پاره ای از یهودیان متعصب آمریکا سرچشمه میگردد.

داستان اینست که در ماه سپتامبر سال گذشته آقای محمد مصروا از دیپلماتهای عرب و مسلمان اسرائیلی از طرف وزارت امور خارجه آن کشور به سمت ژنرال کنسول اسرائیل در اتلانتا، ایالت جورجیای آمریکا منصوب شده است. البته این اولین بار است که یک غیر یهودی به چنین سمتی در وزارت خارجه اسرائیل منصوب شده از این جهت انتصاب او در همان زمان مورد استقبال اکثریاً قاطع

یهودیان اتلانتا و محافل مذهبی یهودیان این شهر قرار گرفت و اقدام وزارت امور خارجه اسرائیل بعنوان نشانه ای در رد مصوبه سازمان ملل متحد در باب شناسائی صیونیزم بعنوان نوعی نژادپرستی شناخته شد. کلبه سازمانهای یهودی اتلانتا نیز از این اقدام اسرائیل که نشانه طرز فکر آن دولت نسبت به اقلیت اعراب مقیم اسرائیل است استقبال کردند. حالا عده ای از متعصبان یهودی این شهر فعالیتهایی را علیه کنسول شروع کرده اند و از سفارت اسرائیل در واشنگتن خواستار شده اند که کنسول را احضار نماید اتهام وارده بر این آقای کنسول آنست که او تاریخ و فرهنگ مردم اسرائیل را نمیداند و در موقع نواختن سرود ملی اسرائیل لبان خود را بحرکت نمیاورده و یا کلمات اسرائیلی - فلسطینی از زبان او خارج میشود. این مخالفان کنسول چند نفری بیش نیستند ولی اقدامات وسیعی را از طریق نامه نگاری شروع کرده اند که باعث ناراحتی اکثریت یهودیان شده و کمیته یهودیان آمریکا نیز اقدامات آن

گروه معدود را نژادپرستی اعلام کرده است. آیا این مصداق همان دایه مهربانستراز مادر نیست؟

### تلویزیون غیر تجارتي آمریکا

خوانندگان گرمی حتماً با برنامه های تلویزیون غیر تجارتي آمریکا آشنا هستند. این تلویزیون نه یک مؤسسه انتفاعی خصوصی است که مجبور باشد مقداری از وقت خود را به پخش آگهی های تلویزیونی اختصاص دهد یا مانند بعضی از تلوویزیونهای فارسی زبان لوس آنجلس فقط به پخش آگهی پردازد و چند دقیقه ای راهم صرف برنامه های اصلی کند، و نه یک مؤسسه دولتی است که بخاطر دریافت بودجه خود از دولت ناچار به رعایت سیاست دولت باشد. تلویزیون غیر تجارتي آمریکا مؤسسه ای است عمومی که با پول همگان اداره میشود و درنهایت بودجه آن مردم، شرکتهای بزرگ و کوچک، مؤسسات غیر انتفاعی و خیریه شرکت دارند و ممکن است

دولت هم چند درصدی از بودجه آن را تأمین کند.

به همین دلایل این تلویزیون بینندگان زیادی در میان تماشاچیان آمریکائی دارد و برنامه های آن بسیار آموزنده و دیدنی است. در یک بررسی در باره وضع این تلویزیون نتایج زیر بدست آمده است:

- ۹۸/۶ میلیون نفر تماشاچی هر هفته برنامه های این تلویزیون را می بینند.

- از این عده ۵۳/۳ میلیون نفر آنها در ساعات **PRIME** شبکه های اصلی برنامه

تلویزیون عمومی را تماشا کرده اند.

۴/۷ میلیون نفر افراد و خانواده های

آمریکائی سالانه ۲۳۰ میلیون دلار به بودجه

این تلویزیون کمک کرده اند که ۲۲ درصد

کل بودجه را تشکیل میدهد و بزرگترین سهم

را نسبت به سایر پرداخت کنندگان و متجمله

دولت داشته اند.

«آمارها به نقل از وال استریت جورنال است»

## خدمات بیمه بهروز میمند

*Behrooz Meimand Insurance Services*

مشاور و راهنمای شما در کلیه امور بیمه

8909 West Olympic Blvd., Suite 204  
Beverly Hills, CA 90211

**Tel: (213) 657-7227**

## دفتر خدمات بیمه و مالی

# اسحقیان

با همکاری معروفترین و معتبرترین شرکتهای بیمه امریکا

خیال شمارا آسوده و آینده پر امید  
فرزندانتان را تضمین می کند

جهت آگاهی لازم از:

- انواع بیمه های عمر، همراه با پس انداز و تأمین آتیه
- بیمه مالیات بر ارث
- بیمه در مقابل انواع وام ها
- بیمه از کار افتادگی
- بیمه بازنشستگی (IRA), Keogh و سایر برنامه های صرفه جویی در مالیات، ویژه افراد و شرکتهای
- برنده "SP" پس انداز بدون مالیات همراه با بیمه عمر رایگان
- بیمه درمانی برای تمام سنین
- بیمه دندان پزشکی با حق انتخاب دندانپزشک
- بیمه حاملگی
- بیمه های تجارتنی، منزل و اتومبیل

و دیگر خدمات با

## دفتر خدمات بیمه و مالی اسحقیان

راهنما و مشاور صدیق خودتان تماس حاصل فرمائید

# ESHAGHIAN

Insurance & Financial Services

14937 Ventura Blvd., Suite 206  
Sherman Oaks, CA 91403

(818) 906-3666

(213) 470-6938

اصل مهم در زمینه بیمه در امریکا، تنها خرید آن نیست، بلکه انتخاب صحیح بیمه، برنامه درست و برخورداری از سرویس کامل و مطمئن پس از خرید بیمه از نکات اساسی موقع تصمیم گیری بشمار می رود

## یهودیان در اتحاد جماهیر شوروی

نوشته: دکتر باروخ بروخیم

اتحاد جماهیر شوروی به رهبری گریباچف اخیراً به نوآوریهای تازه و ابتکاری در سیاست خارجی روسیه شوروی دست زده است و این اقدامات تأثیر فوق العاده بسزائی در روابط بین المللی و جهانی. برای شوروی بوجود آورده و حتی به نظر بسیاری از مفسران سیاسی در سیاست خارجی آمریکا نیز همراه این تحول، تغییراتی صورت گرفته است. ملاقات ریگان و گریباچف در ریجکاو یک بدون هیچگونه شک و تردیدی اعتلا و پیشبرد دیپلماسی شوروی را سبب گردید که تأثیر آن از آن به بعد بیش از پیش در سیاست جهانی مشاهده گردید. ولی معبداً در بدو امر تغییرات چشم گیری در سیاست شوروی در داخل و خارج مملکت بوجود نیاورد. نزدیکی روابط شوروی و آمریکا به نظر بسیاری از آگاهان به سیاست بین المللی می تواند در پیچه تازه برای مهاجرت یهودیان شوروی فراهم کرده باشد بطوریکه ریگان در ملاقات خود با گریباچف مخالفت با خروج یهودیان را از شوروی مخالف اصول حقوق بشر دانست و آنرا یک نقطه منفی در بهبود روابط آمریکا و شوروی بشمار آورد. ریگان در اواخر ساعات ملاقاتش با گریباچف بسته ای حاوی مقررات و اصول «مبانی حقوق بشر» را به گریباچف داد که شامل اسامی یهودیانی بود که اجازه خروج از روسیه شوروی را تقاضا نموده بودند. تمام جلسه آن شب به بحث و گفتگو در این باره سپری شد و آخرین مطلبی که عنوان گردید این بود که «اگر ما بیلد که یک روابط سودبخش و پر حاصل بین دو ابرقدرت برقرار گردد باید مسئولان و گردانندگان شوروی با حقایق و واقعیهائی روبرو شوند که یکی از آنها درخواست صریح آمریکا به اجازه خروج یهودیان از شوروی می باشد». ولی

متأسفانه نه در یکجا و یک و نه در هلسنیکی و نه در مادرید و نه در ژنوه در سایر مواردی که نمایندگان شوروی و آمریکا بایکدیگر روبرو شدند در رویه شوروی پیشرفت قابل ملاحظه بعمل نیامد معبداً اجازه خروج یهودیان در سالهای پیش افزونی قابل ملاحظه داشته است.

تاریخ یهودیان روسیه همواره مملو از شکنجه و آزار و فشار بوده است. کشت و کشتارهای دسته جمعی و غارت اموال و رانده شدن از محل اقامت خود در دوران تاریخ در روسیه امری معمول بوده است. و در دوران حکومت تزارها ارتودکسی در روسیه حکمفرما و مذهب رسمی کشور به حساب می آمد. در دوران حکومت نیکلا اول فرقه ارتودکس مسیحیت همراه با حکومت مطلقه و ملی گرایی پایه اصلی و ایدئولوژی رسمی روسیه گردید و به علت تعصبات مذهبی همواره غیر روسها و اقلیتهای مذهبی و نژادی راتحت شکنجه و آزار قرار میدادند و حتی اقلیتهای مسیحی غیر ارتودکس نیز از این آزار و اذیت معاف نبودند. در این دوران یهودیان نیز در عداد اتباع شوروی بعلت ضمیمه شدن قسمت شرقی لهستان به روسیه درآمدند. و چون از نژاد اسلاو نبودند از یک طرف تحت شکنجه و آزار قرار میگرفتند و بعلت نه پیوستن به مسیحیت و ارتودکسی از طرف دیگر همواره تحت اذیت و آزار واقع میشوند.

در دورانی که قوانین تابعیت در روسیه شوروی تشدید یافت حکومت تزاری یهودیان راناکزیر از آن نمود که در محله های مخصوصی سکونت گزینند (گنوها). این نواحی در قسمت جنوب و غرب امپراطوری روسیه شوروی قرار گرفته بود حدود و سهمیه ای برای پذیرش یهودیان برای تحصیلات

عالی معین شده بود و تمام یهودیان دسترسی به تحصیلات عالی نداشتند. مکرر در مکرر یهودیان تحت یوگرم های شدید واقع میشدند «یوگرم لغتی است روسی که به مفهوم «تخریب و نابودی» می باشد. بهترین چیزی که برای یهودیان در حکومت تزاری معین شده و تصویب رسانده شده بود حق خروج آنان از شوروی و مهاجرت به سایر ممالک بود.

در سال ۱۹۰۳ پرزیدنت روزولت نمایندگانی از یهودیان آمریکائی را در حضور پذیرفت تا درباره یوگرم و کشت و کشتار شدید یهودیان در «کشی نف» دخالت نماید. روزولت نیز اعتراض شدیدی نسبت به این رویه بدولت شوروی در دوران حکومت نیکلا دوم معمول داشت. ولی در جواب این اعتراض دولت آمریکا روسیه شوروی اظهار داشت که «روسیه حاضر نیست که کسی در امور داخلی وی دخالت نماید» این همان جوابی است که ۸۰ سال بعد از طرف کمونیستهای نیز با اعتراضات دولت آمریکا در مورد آزار و اذیت یهودیان داده شد. در ۱۹۱۱ در اثر فشار شدید کنگره و سازمان یهودیان آمریکا دولت «تافت» ناگزیر از آن شد که معاهده تجارتنی سال ۱۸۳۲ آمریکا و شوروی را فسخ نماید ولی متأسفانه این موضوع نیز تأثیری در بهبود وضع یهودیان شوروی بوجود نیاورد. دولت تزاری شوروی باز هم این عمل را دخالت در امور داخلی شوروی تلقی نمود و بدان ترتیب اثری نداد و بر شدت آزار و شکنجه و فشار بر یهودیان افزود. آنچه که در آن دوران تاحدی بوضع یهودیان کمک نمود انقلاب کمونیستی اکتبر بود که تعداد زیادی از یهودیان به امید بهبود وضع خود در آن شرکت نمودند و حتی تعدادی از آنان از آن شادمان شدند و سیستم جدید کمونیستی را مورد استقبال قرار دادند. با وجود آنکه مرام کمونیستی بطور کلی به مخالفت با مذهب پایه گذاری شده و اساس آن بر روی عدم اعتقاد به مذهب نهاده شده بود معبداً بعلت آنکه مارکسیسم، آنتی سمی تیسم را محکوم دانسته و آنرا عامل بروز اختلاف بین طبقات مختلف کارگری میدانست که توسط حکومتهای دیکتاتوری



برای تحکیم موقعیت خود مورد استفاده قرار میدادند، لنین بالشخصه آنتی سمی تیسم رامحکوم دانسته و آنرا موردانتقاد قرار داده بود.

در دوران حکومت بلشو یکپا یهودیان درعداد یکصده اقلیت دیگری که در روسیه شوروی اقامت گزیده بودند درآمدند و از امتیازات سایر اقلیتها مانند گرجیها، ازبکها و سایر اقلیتها برخوردار شدند. در اوایل برقراری رژیم کمونیستی در شوروی یهودیان نیز مجاز بودند که مدارس مخصوص بخود داشته باشند و یک اداره مخصوصی در دولت شوروی برای رسیدگی بامور مربوط به آنان نیز وجود داشت و حق تدریس و تکلم بزبان خودشان نیز برای آنان تأمین شده بود. (این زبان همان یدیش می باشد ولی یهودیان مجاز نبودند که زبان عبری را تدریس و به آن تکلم نمایند چه این زبان برسمیت شناخته نشده بود و این همان موضوعی است که درحال حاضرهم اشکالات فراوانی برای یهودیان شوروی بوجود آورده که متخلفین بزندان محکوم شده و چندین سال تحت آزار قرار میگیرند.) بین یهودیان تعداد زیادی مقامات عالی دولتی احراز نمودند مانند تروتسکی لوکامنو گورگی زنو یو خلاصه وضع زندگی یهودیان بعد از انقلاب اکتبر هر چند ایده آل نبود ولی تاحدی بهتر از وضع آنان در دوران تزاری شده بود.

برقراری تساوی بین یهودیان و سایر ملل شوروی به گفته ماگزیم گورگی بزرگترین حادثه بعد از انقلاب به شمار می آید. ولی بدبختانه این تساوی نسبی حقوق یهودیان شوروی در دوران استالین کاملاً از بین رفت. هرچه استالین پیرتر و مسن تر می گشت رفتار وی نسبت به یهودیان بدتر و رنج آورتر میشد نظرات آنتی سمیتی (ضد یهودیت) استالین ابتدا از مبارزه و رفتارش نسبت به تروتسکی آغاز گردید و سپس در ۱۹۳۰ تمام مدارس یهودی و کنیسه‌های یهودیان یا خراب یا تعطیل گردید. در دوران جنگ جهانی دوم وضع یهودیان بعلت مبارزه آنان با فاشیسم کمی بهبود یافت. ولیکن پس از خاتمه جنگ مجدداً استالین نسبت به یهودیان جور و ستم را آغاز نمود و بوضع وحشتناکی نسبت به آنان

رفتار می نمود. در سال ۱۹۴۸ استالین سلمون میخائیل رئیس تأثر یهودیان مسکو و رئیس کمیته ضد فاشیسم دوران جنگ را بقتل رساند و تصفیه دامنه دار یهودیان را آغاز نمود و صدها روشنفکران علمای یهودی را بقتل رساند یاسبزنندان انداخت. دادگاههایی برای رسیدگی به جنایات اقتصادی یهودیان تشکیل داد و در این دادگاهها تعداد بی شماری یهودیان رامتهم و محکوم نمودند. در سال ۱۹۵۲ بیست و سه تن از دانشمندان و روشنفکران یهودی را پس از آنکه در یک دادگاه سری و مخفی آنها را به جرم جاسوسی و خیانت به مملکت محکوم کرد اعدام نمود. در آخرین ماههای زندگی خود یک تصفیه مجدد دامنه داری از یهودیان را آغاز نمود. برای انجام این عمل جنایت آمیز هیئتی از اطباء بریاست دکترا پلوت رابه خیانت و اقدام به مسموم ساختن استالین و سران شوروی متهم نمودند و تعدادی از آنان را بقتل رساندند و تعداد بی شماری دیگر از یهودیان رابه سیبری تبعید نمودند.

در دوران حکومت نیکیتا خروشوف اوضاع برای یهودیان کمی بهبودی یافت همچنانکه سایر افراد غیر یهودی شوروی نیز از آزادی بیشتر و رفتار شایسته تری برخوردار شدند. در ابتدا خروشوف اعلام نمود که آنتی سمی تیسم و صیونیسیم را ارتجاعی میدانند. ولی عملاً بازهم مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل را رد نمود و در آخرین سال زمامداری خود در اوایل سال ۱۹۶۰ به تعقیب و دستگیری مقامات اقتصادی پرداخت که سهم بزرگی از آن نصیب یهودیان گردید و بایستن اماکن روحانی از برگزاری مراسم مذهبی جلوگیری نمود.

در اوایل زمامداری برژنف در سال ۱۹۶۵ در مقاله ای که «در پروادا نوشته شده بود رسماً ضد یهودیت (آنتی سمی تیسم) محکوم گردید و در تمام مدت زمامداری برژنف در برنامه دولت شوروی مراعات گردید و مورد توجه قرار گرفت. در بیست و ششمین اجلاسیه کنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی برژنف سیاست سابق خود را تأیید نمود و اعلام نمود «حزب همواره

بر علیه چنین پدیده های مخالفت با اقلیتها به مبارزه پرداخته و از این به بعد هم بمبارزه خود ادامه خواهد داد.»

در دوران زمامداری گرباچف سیاست رسمی دولت شوروی همچنان باقی ماند و از آن متابعت شد و در حقیقت زندگی یهودیان شوروی نیز همواره مانند سابق در حال گذران بود. این واقعیتی است که در این روزها فشار و محدودیتهائی در ضمن وجود امکانات برای مستحیل شدن در جامعه شوروی و یهودیان امکان پذیر بود.

گرباچف بکرات اشاره نمود که یهودیان نسبت غیر متناسبی در میان روشنفکران و تحصیل کردگان جامعه شوروی دارند و آنها مشاغلی که معلومات و تکنولوژی پیشرفته ای را ایجاد می کنند در اختیار دارند.

اروپائیهائی که مدت کمی در شوروی بسر برده اند از وجود آنتی سمی تیسم در شوروی اطلاع چندانی ندارند در حالیکه یهودیان از بوجود آوردن هر گونه تشکیلات بین خود ممنوع بوده و حتی از تدریس عبری بین اطفال یهودی ممنوع شده اند. و در صورتیکه باین کار اقدام آید مورد تعقیب قرار گرفته و زندانی میشوند. در آنجا یک کمیته ی «ضد صیونستی» به فعالیت مشغول است که توسط تعدادی از یهودیان متنفذ روسی رهبری میشود که یکی از این افراد کلنل ژنرال بازنشسته دیوید گراکوفسکی رامی توان نام برد. با وجود این که سازمان خصوصی غیر دولتی است و مستقلاً به فعالیت می پردازد معیناً مصاحبه های مطبوعاتی تشکیل میدهد و به متهم و محکوم کردن دولت اسرائیل در سالنهای اجتماع مطبوعاتی وزارت امور خارجه می پردازد و ادعا میکند که روابط نزدیکی با اداره تبلیغات شوروی دارد.

**مهاجرت یهودیان از شوروی: مسئله**  
مهاجرت افراد یهودی از شوروی کاملاً با مهاجرت سایر افراد روسیه شوروی متفاوت و متمایز است. شوروی با اعلام قبول «اعلامیه حقوق بشر» و شناختن حق مسلم افراد به داخل شدن و خارج شدن از مملکت خود و مهاجرت آزاد افراد و اقلیتهای روسیه شوروی هیچگاه عملاً یهودیان را از این حق



برخوردارننموده است. خروشچف روزی درباره علت مخالفت روسیه با خروج و مهاجرت یهودیان از شوروی اظهار داشته است که این موضوع بعلت آنست که روسیه معتقد است که اسرائیل تحت نفوذ سرمایه داران و آمریکائیان مرتجع می باشد. این سیاست پس از زمامداری خروشچف در ۱۹۶۴ کنار گذاشته شد و نخست وزیر وقت شوروی الکسی کاسیکین به مخبرین جراند غرب اظهار داشت که اگر خانواده هائی از یهودیان بخواهند به خانواده های خود در ممالک غرب به پیوندند درهای خروج بروی آنها باز خواهد بود. در سال ۱۹۶۷ و در جریان جنگ ۶ روزه تعدادی زیادی از خانواده های یهودی شوروی تقاضای خروج از روسیه را خواستار شدند ولی بدست آوردن اجازه خروج و مهاجرت کار آسانی نبود و عملاً هیچگاه روسیه شوروی برای خروج یهودیان تسهیلاتی قائل نشده و هیچگاه اجازه خروج برای هیچ تنه شوروی یهودی یا غیر یهودی صادر نشده است هرگاه مسکو گاه بگاه اجازه خروجی صادر ننموده بمنظور جمع نمودن خانواده های متفرق و نزدیک بیکدیگر بوده است یا بخاطر دعوتی از طرف یهودیان ساکن اسرائیل برای آنها بعمل آمده باشد. معیناً مقامات شوروی به دلالت واهی از دادن اجازه خروج امتناع می ورزند مانند درخواست پرداخت مالیات هنگفت و غیر قابل تحمل یا بعلت امنیت و حراست از اسرار مملکتی از دادن اجازه خروج خودداری می نمودند.

مقامات اسرائیل معتقدند که ۴۰۰/۰۰۰ نفر از یهودیان شوروی درخواست خروج و مهاجرت به اسرائیل کرده اند و تعدادی هم هنوز رنرس زندانی شدن و تحت تعقیب قرار گرفتن درخواست خود را تسلیم ننموده اند. تعیین تعداد کامل درخواست کنندگان ممکن نیست ولی آنچه که مورد تأیید است هزاران نفر در انتظار دریافت ویزای خروجی از شوروی بسر میبرند. دلایل دیگری برای امتناع و جلوگیری از صدور خروج یهودیان توسط مقامات روسیه شوروی ابراز میشود. یکی از این دلایل اینست که در حال حاضر دولت شوروی درصدد

روگردان باشند. اشکال دیگری که احتمالاً پیش خواهد آمد اینست که افرادی که خود را اوکرائی یا روسی میدانند احتمالاً خود را یهودی دانسته و تقاضای خروج از روسیه را خواهند نمود.

از طرف دیگر اجازه خروج به یهودیان شوروی با منافع عظیم شوروی در ممالک عربی مغایرت داشته و بنابراین شوروی حاضر نیست دوستان جهان عرب خود را خشمگین و ناراحت کند. در سال ۱۹۵۹ امام محمد پادشاه یمن نامه به خروشچف نوشته و بوی هشدار داد که اگر فشار وارد بر یهودیان شوروی را کاهش دهد و اجازه خروج و مهاجرت برای آنان فراهم نماید خطر بزرگی برای دول عرب بوجود آورده است. خروشچف در جواب نامه پادشاه یمن گفته است که علتی برای نگرانی دول عرب نباید وجود داشته باشد چونکه یهودیان شوروی هیچگاه مایل نیستند روسیه شوروی را ترک نمایند. از نقطه نظر بین المللی و پرستیژ شوروی مقامات رسمی شوروی تصور می کنند که آزادی مهاجرت یهودیان به اسرائیل برای آنها مسئله غامضی بوجود می آورد. چه آنها تصور می کنند با تبلیغات دامنه داری که پس از سالهای متمادی در مورد سوسیالیسم شوروی و امتیازات آن بعمل آمده مهاجرت

آموزش افراد در بعضی از مهارتها و پرورش استعدادها می باشد و مثلاً در رشته اقتصاد و ریاضیات تخصصی تریب می نمایند که نظیر آنان در سایر کشورهای جهان نظیر ندارد و دولت شوروی در نظر دارد این افراد با حقوقی کمتر از آنچه که در غرب با آنها داده میشود در خدمت شوروی بمانند. مثلاً یک مهندس کامپیوتر که در آمریکا حقوقی معادل ۵۰/۰۰۰ دلار سالانه دریافت میکند در شوروی فقط ماهیانه ۴۰۰ روبل معادل ۵۶۰ پانصد و شصت دلار دریافت می نماید. پس اگر مسکو درهای خروج از مملکت را باز نگاهدارد اغلب متخصصین با ارزش این امپراطوری عظیم به خارج مهاجرت خواهند نمود تا از زندگی مرفه تری برخوردار گردند و این موضوع درباره یهودیان بوجه قابل توجهی صدق میکند. بعقیده مقامات شوروی تعداد یهودیان شوروی بالغ بر دو میلیون نفر می باشد. پس اگر اجازه خروج به یهودیان داده شود بطور یقین تعداد زیادی از این افراد درخواست مهاجرت به خارج را خواهند نمود و از تعداد یهودیان شوروی کاسته می شود بخصوص آنکه فرزندان افرادی که به ازدواجهای مختلط پرداخته اند فرزندان آنان حق انتخاب ملیت خود را دارا می باشند و ممکن است از انتخاب ملیت شوروی

یهودیان شوروی به اسرائیل با این نظریات مغایرت داشته و اسباب بی اعتباری مرام سوسیالیسم میگردد. مخصوصاً که در سالهای دهه ۱۹۷۰ با مسافرت تعدادی زیاد از این مهاجرین به آمریکا تبلیغاتی که برضد مرام کمونیسم بعمل آمد موجب خشمگینی مقامات شوروی گردید. خلاصه رهبران شوروی مکرراً شکایت از آن دارند که دولت متحده آمریکا با پشتیبانی از یهودیان شوروی جنبه ریاکاری داشته و هرچقدر هم که مقامات شوروی نسبت به یهودیان شوروی تبعیض یا محدودیتهائی قائل شوند باز هم وضع یهودیان از وضع سیاهان جنوب

افریقا بهتر است در حالیکه آمریکا سعی میکند که از یک سیاست سازشکارانه و تعهدات سازنده ای در مقابل افریقای جنوبی پیروی نماید از سیاست شوروی انتقاد ننموده و آنرا مورد سرزنش و ملامت قرار میدهد.

از سال ۱۹۶۶ تا به امروز به ۲۶۵/۰۰۰ تن از یهودیان اجازه مهاجرت داده شده است. مثلاً در سال ۱۹۶۸ به ۲۲۹ نفر در سال ۱۹۶۹ به ۲۹۷۹ نفر ۱۹۷۳ به ۳۴۷۳۳ نفر ۱۹۷۹ به ۵۱۳۲۰ نفر ۱۹۸۰ به ۲۱۴۷۱ نفر ۱۹۸۱ به ۹۴۴۷ نفر در سال ۱۹۸۲ به ۲۶۸۸ نفر ۱۹۸۴ به ۸۹۶ نفر ۱۹۸۵ به ۱۱۴۰ نفر از یهودیان شوروی اجازه خروج داده شد. و آنچه در

اولین نگاه بچشم میخورد آنستکه در سالهای که روابط بین آمریکا و شوروی بهبود یافته بود به تعداد بیشتری از یهودیان اجازه خروج داده شده است. مثلاً در سالهایی که مقامات شوروی احساس میکردند که احتمالاً می توانند از این راه سود بیشتری ببرند یا در کنترل تسلیحات پیشرفتی حاصل شود یا معاهدات تجارتنی بهتری بین دو دولت برقرار شود در بهای خروج یهودیان راباز تر نگاه داشته اند و هرگاه این امیدوار به بارخت بر بسته باشد خروج یهودیان نیز با اشکالات و محدودیتهای بیشتری روبرو شده است.

**PRECISE PRINTING**

8883 W. PICO BLVD.

**چاپخانه پرسایز پرینتینگ**

طراحی ، دیزاین

بروشور و چاپ سر کاغذ ، انواع پاکت ، صورت حساب ،

کاتالوک ، کارت ویزیت ،

فورمهای اداری ، لیبل ، منوی غذا ،

فلایر ، بلیط ، مجله ، پوستر ، کتاب ،

مهر لاستیکی و تایپ ست انگلیسی و فارسی

و کلیه امور چاپی شما را با نازلترین قیمت انجام میدهد

آدرس: ۸۸۸۳ وست پیکو بلوارد

(بین دوهینی و رابرتسون)

شماره تلفن: ۸۸۸۳-۸۵۸ (۲۱۳) و ۸۸۸۴-۸۵۸ (۲۱۳)

# FARD INC.

General Contractors  
Developers  
CA State Lic # 396212

جهت مشاوره و دریافت سوابق کارهای  
انجام شده با آقایان  
**مهندس تورج و سیاوش دقیقیان**  
تماس حاصل فرمائید

12304 Santa Monica Blvd., Suite 218  
Los Angeles, CA 90025

(213) 820-4806

# شرکت ساختمانی فرد

فعالترین شرکت ساختمانی ایرانی در کالیفرنیا

متخصص در طرح و اجرای ساختمان های اداری، تجاری،  
مسکونی، آفیس بیلدینگ، شاپینگ سنتر، آپارتمان، کاندو و...

- مدیریت و اجرای پروژه های ساختمانی
- محاسبات فنی
- هماهنگی امور طرح، تهیه نقشه و پروانه های ساختمانی
- مشاورت و تأمین وام های ساختمانی
- برآورد طرح و محاسبات اقتصادی پروژه ها

# BARCO MEDICAL CLINIC Inc.

# برکومدیکال کلینیک

با مدیریت دکتر داود برکهنه  
کلینیک بیماریهای عمومی و طب سوزنی

بیماریهای عمومی، درمان صدمات ناشی از تصادفات، درمان بیماریهای عضلانی و مفصلی  
درد های ستون فقرات، سردردهای مزمن، ترک سیگار و کاهش وزن بدن  
مجرب به آزمایشگاه، فیزیوتراپی، رادیولوژی  
چک آپ کامل با دستگاه کامپیوتری

Beverly Hills  
9400 Brighton Way, #305  
Beverly Hills, CA 90210

تلفن ۲۴ ساعته

East Los Angeles  
132 S. Vermont Ave., #207  
Los Angeles, CA 90004

(213) 276-6934

(۲۱۳) ۲۷۶-۶۹۳۳

(213) 252-0020

# دکتر سهراب یمینی

SOHRAB YAMINI, M.D.

آسیستان پروفیسور بخش بیماریهای دستگاه گوارش بیمارستان  
«مارتین لوتر کینگ»

متخصص بیماریهای دستگاه گوارش (معهده - روده - کبد - کیسه صفرا) بررسی  
علل چاقی و روش های کنترل وزن

16661 Ventura Blvd., #415  
Encino, CA 91436

(818) 784-6961

11600 Wilshire Blvd., #L1 18  
Los Angeles, CA 90025

(213) 477-2129

**ARTISTIC  
SILK FLOWERS**

**(818) 343-4545**

**آرتیستیک سیلک فلاورز**

عرضه کننده

زیباترین گل‌های ابریشمی

**NASSER BARADARAN M.D.**  
Infertility · Gynecology · Obstetrics

**دکتر ناصر برادران**

جراح و متخصص بیماری‌های زنان، زایمان و نازایی از آمریکا

عضو گروه پزشکی زنان و مامائی بیمارستان سیدرساینای

Cedars-Sinai Medical Office Towers  
8631 W. 3rd St., Suite 825 E.  
Los Angeles, CA 90048

تلفن ۲۴ ساعته:

(۲۱۳) ۶۵۹-۹۸۵۸

**(213) 659-9858**

**دکتر مهناز طبیب زاده (یاشارال)**

پزشک عمومی و خانواده

16661 Ventura Blvd., Suite 211  
Encino, CA 91436

**(818) 789-7893**

- کلیه خدمات طب عمومی
- چک آپ باقیمت مناسب
- گواهی سلامتی ازدواج
- آزمایش تست سرطان مخصوص بانوان
- قبول بیمه تصادفات رانندگی
- فیزیوتراپی و نوار قلب

## آواره کیست

نگاهی اجمالی به چگونگی تشکیل دولت اسرائیل

نوشته زیر، که بدلیل طولانی بودن در دو شماره چاپ میشود حاصل مطالعات طولانی یکی از جوانان جامعه ماست. شوفار ضمن تقدیر از کار جالب و خواندنی این همکیش عزیز، از سایر جوانان و علاقمندان دعوت مینماید حاصل کارهای تحقیقی خود را در اختیار ما قرار دهند.



\* حق موجودیت اسرائیل، مانند حق موجودیت آمریکا، اصلی است بدیهی.

\* اسرائیل برگ هویت یهودیان پراکنده در سرتاسر جهان در طی قرون متمادی بشمار میآید.

\* ۸۰۰/۰۰۰ یهودی با پای برهنه از کشورهای عربی آواره و جذب اسرائیل شدند، اما هیچ مرجع بین المللی به آنان لقب آواره نداد.

چه دردناک است تاریخ بشر و سرگذشت ملت ها دردناک تر آنکه ملتی در مقابل ظلم و ستم ایستادگی می کند و پس از تحمل ناملایمات بسیار بجای برخورداری از همدردی و حمایت و احترام، حق حیات و موجودیت اش نیز انکار می شود.

جای بسی تأسف است که مللی که هیچ تاریخی از خود نداشته اند حقانیت تاریخی ملت یهود را منکر می شوند و پافشاری می کنند که ملتی که خود تاریخ ساز بوده را از صحنه تاریخ حذف کنند!

ملت یهود که باید قاعدتاً طی ۲۵ قرن سرگردانی آموخته باشد که باید زور را بازور پاسخ گفت، معبهذاقتی به اوج قدرت میرسند نمیگذارد حتی قطره ای خون از بینی بی گناهی بریزد.

شاید بتوان به مایه یهودیان خطاها و گناهانی را در طول تاریخ نسبت داد لیکن برخلاف روش نکوهیده بسیاری از ملل دیگر دست های ما بخون کسی آلوده نیست.

تقدس و ارزش آدمی و احترام صادقانه به

معیارهای انسانی، یهودیت را بما و ما را برای رسیدن به درجات عالی انسانی آموزش میدهد.

ابا ابان، دولتمرد صاحب نام اسرائیلی در شماره پانزدهم نوامبر ۱۹۸۱ نیویورک تایمز چنین می نویسد:

« با اعلام شناسائی موجودیت و حق زیستن اسرائیل کسی نمی تواند مدعی خدمتی به این سرزمین باشد».

حق موجودیت اسرائیل مانند حق موجودیت ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و ۱۵۲ مملکت دیگر، اصلی است بدیهی و بدون قید و شرط. حقانیت و قانونی بودن اسرائیل امری نیست بلا تکلیف و معلق در هوا که در انتظار شناسائی و تصدیق و قبول دیگران باشد «بطور قطع و یقین هیچ مملکتی، بزرگ و یا کوچک، دارای هر قدمت و تاریخی که باشند نمی تواند صرفاً شناسائی حق حیات و موجودیت خویش را بعنوان لطف و احسان و یا امتیازی قابل بحث و مذاکره تصور کند.

در دوران جنگ جهانی اول، مراحل آغاز شد که برای اولین بار پس از قرنها، و

در بعضی موارد برای اولین بار در تاریخ امکانات استقلال سرزمین هائی که ساکنان آن عرب بودند از منطقه خلیج فارس تا اقیانوس آتلانتیک بوجود آمد. این سرزمین ها تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی قرار داشت امپراطوری که بتدریج رو به ضعف و زوال میرفت، لیکن هنوز باندازه کافی قدرت داشت که بتواند در اوایل قرن بیستم آلمان و اطریش را در جنگ علیه قدرت های غرب یاری دهد.

آزادی و استقلال اعراب در بیشتر مناطق با کمک و حمایت کشورهای غربی بوجود پیوست و نه با فداکاری و مبارزه اعراب.

تنها کشور خاورمیانه که می بایست برای استقلال خویش مبارزه کند اسرائیل بود. که ابتداء به جنگ های زیرزمینی علیه بریتانیا برخاست و سپس یکه و تنها در مقابل تمام ممالک عربی و حامیان آنها قرار گرفت.

مرزهای کشورهای خاورمیانه اکثرأ پس از غلبه ابر قدرت ها بر امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول بدون در نظر گرفتن نیازهای اقتصادی و استراتژیکی این کشورها تعیین شد.



بطور مثال فرانسه نواحی را که امروز لبنان و سوریه نام دارد را در اختیار گرفت و انگلیس فلسطین و عراق را. در سال ۱۹۲۶ لبنان از سوریه جدا شد و بصورت یک کشور مستقل درآمد، در آن زمان انگلستان فیصل را که توسط فرانسوی هادرسوریه از کار برکنار شده بود به فرمانروایی عراق برگزید و مدتی بعد در سال ۱۹۲۲ برادر فیصل، عبدالله را به امیری ولایت نوساخته ماوراء اردن که نواحی شرقی رود اردن را شامل می شد انتخاب کرد.

تأسیس کشور اسرائیل امروز در تاریخ یهود دارای ریشه هائی بسیار عمیقی میباشد. در واقع سرزمین فلسطین هرگز کشوری مستقل نبوده مگر زمانی که تحت حکومت یهودیان قرار داشته. اولین بار تا قبل از فتح رومی هادر سال ۷۰ میلادی و سپس در سال ۱۹۴۸ که اسرائیل از نو بنیاد گشت، در طول این مدت سرزمین فلسطین به ترتیب زیر حکومت امپراطوری های زیر بوده است. ۲۴۳ سال، روم، ۳۲۳ سال بیزانتین، ۴۵۴ سال اعراب، ۷ سال سلجوقیان، ۱۹۲ سال صلیبیون، ۲۲۵ سال مملوکیان ۴۰۰ سال، امپراطوری عثمانی و بالاخره تا ۱۹۴۸ که مدت ۲۴ سال تحت تسلط بریتانیا بود. هر چند کشورگشایان بیگانه یاد شده، این سرزمین را قرن ها در تسلط خود داشتند لیکن هرگز آن را مرکز روحانی و ملی موجودیت خویش ندانسته اند حال آنکه یهودیان سراسر جهان در بیش ۲۰۰۰ سال که جدا از سرزمین مادری خویش بسر برده اند همان زبان و دین و فرهنگ و آداب و رسوم که پدران شان در سرزمین اسرائیل داشته اند را حتی گاه در شرایط بسیار سخت حفظ کرده و برای فرزندان خود و نسل های بعد غنی تر به ارث گذاشته اند.

اسرائیل برگ هویت یهودیان پراکنده سرتاسر جهان در طول قرون متمادی بشمار می آید.

در طول تاریخ یهودیان تلاش ها و فداکاری های بسیاری کردند تا سرزمین اسرائیل را از نو بنیاد کنند. متأسفانه حقانیت تاریخی و قانونی برخاک اسرائیل و خواست قلبی

قیمومیت نبود و یانمی خواست بیش از این عهده دار آن باشد از سازمان ملل تقاضا کرد تا در مورد مسئله فلسطین تصمیماتی اتخاذ کند. سازمان ملل کمیسیون مخصوصی برای رسیدگی به اوضاع فلسطین تشکیل داد که این کمیسیون پس از بررسی و تحقیقات دقیق و کامل پیشنهاد کرد که فلسطین را بدو مملکت یهودی و عربی تقسیم کنند. و اورشلیم بدون آنکه به یکی از دو مملکت یهودی و عربی وابسته باشد دارای یک موقعیت بین المللی شود. قبول این پیشنهاد برای یهودیان بسیار مشکل و دردناک بود خصوصاً وضع پیشنهادی در مورد اورشلیم. اما یهودیان که حاضر بودند بهر قیمتی که شده با همسایگان عرب خویش در صلح زندگی کنند این پیشنهاد را پذیرفتند.

اعراب نه تنها به هیچ عنوان حاضر به تقسیم فلسطین نبودند بلکه قسم خوردند که با تمام قوا علیه چنین تقسیمی بجنگند که چنین نیز کردند. آلبرت ممی نویسنده تونسی چنین می نویسد:

(این نهضت صهیونیستی نبود که آنتی سمیتیزم را در اعراب بوجود آورد بلکه قضیه درست عکس آن بود یعنی بزرگترین عامل پاگرفتن نهضت صهیونیستی احساسات ضدیهودی اعراب بود.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ زمانی که تقسیم فلسطین در سازمان ملل تصویب شد جنگ اعراب علیه چنین تقسیمی آغاز گشت و زمانی

یهودیان برای بازسازی این سرزمین برای دست یابی باین آرمان کافی نبود. نداشتن نیروی نظامی و عدم حمایت قدرت های بزرگ مانع از آن می شد که یهودیانی که در اسرائیل از قرن ها قبل می زیسته اند قادر به تجدید حیات و تأسیس اسرائیل گردند. قرن هفدهم شاهد آخرین تلاش یهودیان برای تأسیس کشور اسرائیل بود که به نتیجه چندانی نرسید.

جنگ جهانی دوم نقطه عطفی بود در تاریخ یهودیان و تاریخ سرزمین فلسطین. شش میلیون یهودی آواره و بی پناه در زیر چنگال خونین آلمان هیتلری راهی کشتارگاه ها شدند. یهودیانی که نه مملکتی از خود داشتند و نه امکانات مبارزه دردناک ترین صفحات تاریخ بشریت را با خون خویش نوشتند. این تجربه تلخ و هولناک باعث گردید که در مدت زمانی نه چندان طولانی بعد از جنایات هیتلر در اثر همبستگی کلیه یهودیان جهان و باهمت مبارزان یهودی، به ویژه بازماندگان فاجعه آلمان، زیباترین پدیده قرن بیستم یعنی کشور اسرائیل از نو زاییده شود. کشوری که طی چند دهه به صورت یکی از پیشرفته ترین ممالک جهان درآمد.

نه فقط جنگ جهانی دوم و جنایات آلمان نازی بلکه وجود صدها هزار یهودی در اوایل دهه ۱۹۳۰ باعث تسریع در تأسیس کشور اسرائیل گردید. بریتانیا که یا واقعاً دیگر قادر به ادامه

که بریتانیا از فلسطین خارج شد و اسرائیل در چهارم می ۱۹۴۸ استقلال خود را اعلام کرد، ارتش های عرب حملات خود را آغاز کردند. از شرق نیروهای اردنی و عراقی، از جنوب نیروهای مصر و از شمال نیروهای سوریه و لبنان به اسرائیل تاختند و سایر دول عرب نیز از هرگونه کمک و حمایت نیروهای مهاجم دریغ نداشتند.

مهاجرین یهودی که هنوز زخم هایشان از جنگ جهانی دوم التیام نیافته بود، در کشوری کوچک که فقط چند روزی از استقلالش می گذشت اول محاصره و سپس مورد حمله اعراب قرار گرفتند. تاریخ نشان میدهد که ۶۰۰۰ اسرائیلی (که یک درصد از جمعیت کشور در آن زمان بود) در جنگ استقلال کشته می شوند اما اسرائیل با پرداخت این بهای جبران ناپذیر یعنی جان درخشان ترین عزیزان خود پیروز می شود و متجاوزان عرب را وادار به عقب نشینی مینماید. جنگ ۱۹۴۸ رسماً با قرارداد متارکه جنگ که بر مبنای خطوط نظامی موجود بود پایان می گیرد.

پس از جنگ ۱۹۴۸ ملک عبدالله پادشاه اردن تنها رهبر عربی بود که حاضر به مذاکرات صلح با اسرائیل شد که متأسفانه در سال ۱۹۵۱ بدین خاطر ترور گردید. عبدالله آخرین قربانی افراطیون عرب نبود. هر رهبر دیگری عربی که دم از صلح با اسرائیل زده سر نوشت او دچار گشت.

جیمی کارتر در یک مصاحبه مطبوعاتی در سال ۱۹۷۹ اظهار داشت که «در ملاقات های خصوصی که با سران و رهبران عربی داشته ام هیچکدام تمایلی به تأسیس یک مملکت مستقل برای آوارگان عرب نداشته اند. هر چند که این سیاست خود را هرگز نمی توانند آشکارا ابراز دارند.» ردهرگونه طرح و پیشنهاد سازمان ملل و بریتانیا از طرف اعراب و انکار بی چون و چرای حق زندگی یهودیان در سرزمین فلسطین آغاز جنگ های خونین منطقه خاور میانه بود.

اعراب مخالفت شدید خود را با طرح بریتانیا که ۷۷٪ کل خاک فلسطین (نواحی شرق رود اردن) را به اعراب و ۲۳٪ باقی مانده

(نواحی غرب رود اردن) را به یهودیان داد با ترور و حملات بیرحمانه نشان دادند. حتی با پیشنهاد سازمان ملل در سال ۱۹۴۶ که بر طبق آن قرار بود آن ۲۳٪ باقی مانده برای یهودیان را نیز بدو مملکت مستقل عربی و یهودی تقسیم کنند مخالفت کردند و حاضر نبودند که یهودیان در هیچ قسمت از خاک فلسطین زندگی کنند.

اعراب به سوگندی که در بدو تأسیس کشور اسرائیل خورده بودند سخت وفادار ماندند و باعث وقوع جنگ های ۱۹۴۷، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و جنگ های فرسایشی سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰، جنگ ۱۹۷۳ و جنگ ۱۹۸۲ شدند. به این جنگ ها هزاران عملیات تروریستی دیگر که باعث کشتن تعداد بسیار زیادی از یهودیان گردید نیز باید اضافه شود.

در تمام جنگ ها اعراب شکست های سختی خوردند و پس از هر جنگی در موقعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی بدتری قرار گرفتند. مساحت سرزمین های عربی با آنکه به بیش از ۵ میلیون مایل مربع میرسد برای اعراب کافی نبود. اینان طمع به قطعه خاکی کوچک داشتند خاکی به مساحت ۸۰۰۰ مایل مربع (یک بیستم مساحت عراق) که عرض آن در پرجمعیت ترین نقطه اش به ۹ مایل می رسید.

نه مصری ها و نه هیچ کشور عربی در طول ۴۰ سال جنگ با حمایت بی دریغی که از تمام کشورهای عربی و مسلمان جهان و بلوک شرق خصوصاً اتحاد شوروی داشتند از دخالت مستقیم خلبانان کوره شمالی و پاکستان گرفته تا کنسین های و یتنام شمالی و فرماندهان تانک کوبائی، هرگز نتوانستند این ۹ مایل را بشکافند و اسرائیل را بدو نیم تقسیم کنند و آرزوی رسیدن به آبهای مدیترانه از شرق رودخانه اردن برای اعراب بسان افسانه ای باقی ماند.

در ضمن نباید فراموش کرد که اسرائیل تنها کشور خاور میانه نیست که از آمریکا کمک نظامی دریافت می کند. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۵ اسرائیل حدود ۲۹ میلیارد دلار و اعراب جمعاً ۲۷ میلیارد دلار کمک از

آمریکا دریافت کرده اند. مضافاً که اعراب از کمک کشورهای بلوک شرق و مسلمان جهان هم برخوردارند. باین ترتیب ملاحظه می شود که کشورهایی که نزدیک به نیمی از ارتشهای کره زمین را در اختیار دارند به کمک ۲۱ کشور عربی می شتابند تا سه میلیون ونیم یهودی آواره از سراسر نقاط جهان را (که غالباً افرادی تحصیل کرده و زحمتکش بود و با عشق به سرزمین مادری و بهره گیری از کلیه امکانات خود یکی از بهترین جوامع سوسیال دمکرات جهان را ساخته اند) بخاک و خون بکشند.

## فلسطین و اعراب

و اما جای آن دارد که در مورد سرزمین فلسطین نیز توضیحاتی داده شود فلسطین یک نام عربی نیست این نامی بود که رومی ها در قرن دوم میلادی به خاک اسرائیل دادند و در سال ۱۹۲۲ که بریتانیا قیمومیت این ناحیه را بعهده گرفت، نام رسمی آن شد. سرزمین فلسطین شامل اسرائیل و اردن امروز بود و مساحتی بالغ بر ۴۵/۸۲۰ مایل مربع داشت. در واقع اسرائیل رامی توان فلسطین یهودی نامید و اردن را فلسطین عربی. کشور اردن همان کشور فلسطینی است که اعراب قصد تأسیس آن را دارند. ۶۰ درصد جمعیت اردن را اعراب فلسطینی (اعراب ناحیه غرب فلسطین که مدعی تأسیس کشور سومی بین اردن و اسرائیل هستند) تشکیل می دهند. اینان ۷۰ درصد مشاغل و ۷۵ درصد پست های دولتی را در اردن در اختیار دارند و تا بمقام نخست وزیر در این کشور رسیده اند تاجائی که ملک حسین پادشاه اردن در ۲۶ دسامبر ۱۹۸۱ در مصاحبه ای اظهار داشت:

«واقعیت اینست که اردن یعنی فلسطین و فلسطین یعنی اردن» عبدالحمید شرف نخست وزیر اردن در سال ۱۹۸۰ در مورد فلسطینی ها چنین گفت «فلسطینی ها و اردنی ها از یک ملیت هستند، آنها پاسپورت های اردنی دارند، عرب هستند و همان فرهنگ و آداب و رسوم اردن را دارند».



فلسطین هرگز یک کشور عربی نبوده است. زبان عربی از زمانی زبان عامه مردم شد که اعراب در قرن هفدهم به فلسطین تجاوز کردند. هرگز یک کشور عربی در فلسطین تشکیل نشده و هرگز یک ملت فلسطین جدا و مستقل وجود نداشته. حس استقلال طلبی اعراب فلسطینی پدیده ایست که پس از جنگ جهانی اول بوجود آمده اعراب فلسطین هرگز دارای یک استقلال سیاسی و یاهویت اجتماعی جدا نبوده اند.

تعداد اعرابی که در سال ۱۹۴۹ در اسرائیل زندگی می کردند بالغ بر ۷۵۰ هزار نفر بود از این عده ۱۶۰ هزار نفر در اسرائیل باقی ماندند و ۵۹۰ هزار نفر دیگر اسرائیل را ترک کردند که حدود ۲۰ درصد در همان اوایل در سایر کشورهای عربی اقامت دائم گزیدند. جنگ جهانی دوم حدود ۴۰ میلیون آواره بجا گذاشت. تمام ممالک شرق و غرب بطریقی اقدام به حل مشکل آوارگان و اسکان آنها کرده اند ایتالیا به ۵۸۵ هزار آواره که از سرزمین هائی که بتصرف یوگسلاوی درآمده بود پناه داد. فرانسه به ۱/۳۷۲/۰۰۰ آواره پناه داد از جمله مسلمانان الجزایری. بین هندوستان و پاکستان حدود ۱۵ میلیون آواره ردو بدل شد. ولی اعراب بر این باور خود سرسختانه پافشاری می کنند که آوارگان عرب فقط باید مملکتی از خود بایجاد اسرائیل داشته باشند و اعرابی که کمتر متعصب و افراطی هستند مملکتی در کنار اسرائیل و یا حتی مملکتی مشترک از اسرائیل و آوارگان عرب را تنها راه حل مشکل فلسطینی می دانند.

مدت ۱۹ سال از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ که قسمت غربی رود اردن در اختیار اردن و نوار غزه در تسلط مصر بود اعراب هرگز فکر تأسیس مملکتی برای فلسطینی ها در این نواحی نبودند که امروز این چنین مدعی آن می باشند.

آوارگان عرب دلیل اصلی جنگ بین اعراب و اسرائیل نبودند و نیستند بلکه نتیجه این جنگ ها هستند. آوارگان عرب در واقع بهانه ای شده اند بدست دول عرب برای ادامه جنگ و راندن اسرائیل به مرزهای غیر قابل

دفاع. نواحی متصرفی مورد اختلاف در غرب رودخانه اردن سرزمینی است به طول ۷۰ مایل و عرض ۳۰ مایل. اگر واقعاً اعراب خواهان حل مسالمت آمیز مشکل فلسطین و سرنوشت این قطعه خاک کوچک بودند آنها با داشتن ۲۱ مملکت و ۵ میلیون مایل مربع سرزمین هائی که سرشار از منابع طبیعی است می توانستند بجای جنگ های خونین و ترور اقدام به اسکان این آوارگان در سرزمین ها بنمایند و سپس از طریق سیاسی مسئله را مورد اقدام قرار دهند. لیکن اعراب نه تنها پیشقدم در امر صلح نیستند بلکه هر آنکس که حرفی از صلح و حل مشکلات آوارگان بزبان آورد اورابه سرنوشت انور سادات دچار می نمایند. در باره ۶۰۰ هزار آوارگان عرب که نتیجه مستقیم جنگ هائی است که خود اعراب مسئول آن می باشند سخن بسیار گفته شده است لیکن در مورد ۸۰۰ هزار یهودی که در کشورهای عربی تا قبل از استقلال اسرائیل زندگی می کردند و هنگام تقسیم فلسطین از طرف سازمان ملل مورد خشم و تبعیض و قتل و تعقیب و آزار و اذیت اعراب قرار گرفتند کمتر شنیده ایم.

این ۸۰۰ هزار انسان که با پای برهنه از کشورهای عربی فرار کرده بودند توسط کشور اسرائیل جذب شدند. آنها آواره باقی نماندند و کسی هم در باره آن ها چیزی نشنید لیکن اعراب عمداً آوارگان خویش را بدست تقدیر و سرنوشت نامعلوم می سپارند. سازمان ملل از سال ۱۹۴۸ بیش از ۲ میلیارد دلار خرج آوارگان عرب نموده، جمع کمک تمام کشورهای عربی در سازمان آوارگان وابسته به سازمان ملل متحد تا سال ۱۹۸۳ فقط به ۱۳۷ میلیون دلار رسید در حالیکه اسرائیل به تنهایی ۱۱ میلیون دلار به این سازمان کمک کرده است. کویت و لیبی تا سال ۱۹۸۰ کوچکترین کمکی به این سازمان نکرده بودند. کمک آمریکا به این سازمان بیش از یک میلیارد دلار بوده در حالیکه اتحاد شوروی، بزرگترین فروشنده اسلحه به اعراب، هیچ به این سازمان کمک نکرده است. آوارگان یهودی در مقایسه با آوارگان عرب در شرایط سخت تری بوده اند.

آنها هزارها فرسنگ سفر کرده تابه کشور کوچک اسرائیل که مردمش بزبانی دیگر سخن می گویند برسد. کشوری که دارای فرهنگ و وضعیت جغرافیایی بسیار متفاوت بود. در صورتی که اکثر آوارگان عرب هرگز فلسطین را ترک نکردند و فقط چند مایلی جابجا شده بودند و هنوز در همان محیط عربی با همان زبان و فرهنگ و آداب و رسوم و آب و هوا بدون دوری از بستگان و عزیزان خویش به زندگی شان ادامه دادند.

دین راسک وزیر خارجه سابق آمریکا در ۱۴ جون ۱۹۶۶ طی گزارشی به کمیسیون سنای آمریکا در مورد آوارگان عرب چنین گفت: «بیش از نیم میلیون عرب که در لیست آوارگان عرب ثبت شده اند اکثراً دارای شغل و زندگی آبرومندانه ای خارج از اردوگاههای آوارگان هستند.»

اگر حسن نیتی در میان بود، اعراب برای آوارگان فلسطین در ۵ میلیون مایل مربع زمین که سرشار از منابع طبیعی بود جایی پیدا می کردند. همانگونه که اسرائیل با مساحت ۸۰۰۰ مایل مربع (یک پانزدهم مساحت کالیفرنیا) در سرزمینی که چیزی جز باتلاق های مالاریا و شترهای سوزان نبود طی ۴۰ سال جنگ دائم ۸۱۴ هزار مهاجر از اروپا، ۱۱۶ هزار مهاجر از آمریکا ۳۶۰ هزار مهاجر از آسیا و ۴۳۱ هزار مهاجر از افریقا را در خود جذب کرد و برای همه آزادی و نان و سر بلندی و همه امکانات یک زندگی ساده و مرفه را در چهار چوب دموکراسی جهان فراهم آورد.

اسرائیل می توانست سرمشق و دوست بسیار خوبی برای اعراب و بسیاری از کشورهای جهان باشد.

ادامه دارد

## فدراسیون یهودیان ایرانی

سازمانی غیرانتفاعی است و

کمک های نقدی شما به

فدراسیون هزینه قابل قبول

مالیاتی تلقی می گردد.

# صافکاری و رنگ اتومبیل آلفرد

در تصادفاتی که از بیمه استفاده می نمائید،  
شما هیچگونه وجهی نخواهید پرداخت

تلفن: ۴۱۶۰-۷۸۲ (۸۱۸)



قیمت های مادر صافکاری و رنگ انواع اتومبیل امریکائی وارو پائی که زیر نظر متخصصین  
کارآزموده ایرانی و امریکائی در اسرع وقت انجام می شود باور نکردنی است.

Alfred Auto Body  
5921 Lemona Ave.  
Van Nuys, CA 91411

(818) 782-4160

مهارت ایرانی و تکنیک امریکائی ضامن  
موفقیت مادر امر صافکاری و رنگ اتومبیل  
شماست

# YAFA

محیط خانوادگی

## رستوران یافا

# YAFA

با انواع لذیذترین و خوشمزه ترین

شرکت غذائی یافا

برگزارکننده جشن های شما، آمادگی خود را برای تهیه  
گل آرائی، فیلمبرداری، موزیک، همه نوع سرویس غذا،  
گارسون، بارتندرو... اعلام می دارد.

# YAFA

## مجلل ترین

پذیرائی با بهترین کباب و جوجه کباب مخصوص یافا در حضور میهمانان شما

# YAFA

## در لوس آنجلس

تلفن رزرو: تلفن کبترین

637 S. FAIRFAX AVE.  
L.A., CA 90036  
(213) 934-7255  
(213) 656-YAFA

یافا-۶۵۶ (۲۱۳)

۷۲۵۵-۹۳۴ (۲۱۳)

# دامی تازه در راه جوانان یهودی

نوشته: مهندس جهانگیر بنایان

اخیراً فرقه دیگری علاوه بر فرقه های موجود که از قرنهای پیش سعی بر این داشتند که جوانان یهودی دختر و پسر را بوسائل مختلف و تبلیغات مخرب و اداریه ترک دیانت خود نموده و دیانت مسیح را قبول کنند اضافه شده.

نام این فرقه جدید «اهل طریقت» میباشد این فرقه ادعا میکند عقیده دارد که یهودی است ولی مسیح را به عنوان پسر و پدر و روح القدس و ماشیه موعود و حتی خدا می شناسد. این فرقه در نقاط و شهرهای مختلف که جمعیت قابل توجه یهودی دارد از جمله در لوس آنجلس اطافی را از یک کلیسای موجود در محل در اختیار گرفته و روزهای شنبه اجتماعاتی در این کلیساها تشکیل میدهد و ضمن قراردادن تعدادی تورا و صیدورا [البته به زبان انگلیسی] و انجیل های مختلف [کتابهای مذهبی مسیحی از جمله انجیل متی و انجیل لوقا و انجیل مرفس و انجیل یوحنا و رسالات مختلف مسیحی] در آن مکانها، چند جمله از صیدورا و تورا را هم می خوانند و بقیه وقت را که معمولاً دوسه ساعت یا بیشتر طول میکشد به تبلیغات و شستشوی مغزی جوانان بی اطلاع میپردازند و در نهایت آنها را وادار به تغییر ایمان و غسل تعمید توسط کشیش می نمایند. افرادی که به این

باور جدید گرویده اند در ابتدا میگویند که فرقه های موجود مسیحیت از قبیل کاتولیک و پروتستان و غیره را قبول ندارند بلکه یهودی هستند که مسیح را بعنوان ماشیه و حتی خدا و پدر و پسر می شناسند و قبول دارند. ولی متأسفانه نمی دانند که در نهایت مسیحی کامل العیار شده و ندانسته در دام این شیادان افتاده اند.

این فرقه چند جمله از هریک از کتب تنخ [تورا- نوئیم و کتوبیم] را بغلط و در جهت هدف خود ترجمه نموده و برای اثبات مدعای خود به خورد جوانان بی خبر و بی اطلاع میدهند و متأسفانه مثل همیشه هدف آنها جوانان دختر و پسر است که هیچ نوع اطلاعی از مذهب و دیانت یهودی ندارند می باشد که باز هم متأسفانه باید گفت طعمه زیادی هم از این جهت برای آنها فراهم میباشد و تا امروز مقداری هم در جهت هدف خود موفق شده اند.

در این زمینه و علل مختلف آن صحبت بسیار زیاد است که عجالاً در این هشدار نامه بیش از این مقدور نیست - فقط توجه همگان را بر آن میدارد که این دفعه ضرب المثل معروف «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا» در این مورد کاملاً مصداق پیدا کرده باین ترتیب که گذاردن تعدادی تورا و صیدورا در یک اتاق از یک کلیسا و خواندن چند آیه از هر کدام برای جوانانیکه حتی خواندن عبری

را نمیدانند چه رسد به معنی آن مسئله دیگری است.

مثل این است که وسط شوکولاتی را سم ریخته بدست بچه های معصوم بدهند و یا بمب دستی را زورق پیچ کنند و بدست دخترها و پسرهای از همه جایی خبر بدهند که هم خود وهم خانواده خود را متلاشی کرده و در نهایت تیشه به ریشه قومیت و مذهب خود بزنند.

من بعد از اینکه دو سه جمله با دو سه نفر از این جوانان بحث کردم اول برای آنان متأسف شدم و بعد برای خانواده ام و بطور کلی قوم خودمان که این طوری سر پرست مانده و مثل گله های بی چوپان از هر طرف مورد حمله گرگان درنده قرار گرفته ایم. ناگفته نماند یکی از هزاران و باز هم تکرار میکنم یکی از هزاران دلیل (که شاید مهم ترین دلایل باشد) که بزبان این جوانان جاریست و موجب گرایش آنان بطرف این شیادان میشود شرایط سخت و دست و پاگیر برای ازدواج آنها با یکدیگر در مقایسه با شرایط بسیار ساده و بی پیرایه نزد جوانان مسیحی ایست که این جوانان در دانشگاهها با آن آشنا میشوند.

جوانان ما می بینند که یک دختر مسیحی با یک پسر مسیحی خیلی خیلی ساده در دانشگاه آشنا شده و بلافاصله بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه و حتی در سالهای آخر دانشگاه با مختصر درآمدی که هر دوی

آنها داشته اند بدون هیچگونه تشریفات زائد با هم ازدواج می کنند، حال آنکه وقتی دختر یا پسر یهودی ایرانی تصمیم میگیرد که ازدواج کند اولین چیزی که مثل کابوس ب فکر او می رسد مخارج سرسام آور آن است چشم هم چشمها - خانه - اتوموبیل - جشنهای مفصل و بی معنی از چپ و راست - ده ها پاگشا - و شاورهای رنگارنگ - جواهرات گوناگون و توقعات بی جا و احمقانه اطرافیان است. در نتیجه عطای همسر یهودی رابه لقای آن میبخشد و راه ساده تری انتخاب میکند - حالا وقتی مایه و پشتوانه مذهبی هم از خانواده نداشته باشد سرعت این کشش

چند برابر میشود.

آخر درست دقت کنید این جوانها میگویند ما یهودی هستیم ما اسرائیل هستیم و تورا و توتیم و کتوبیم داریم ولی مسیح را هم بعنوان پسر و پدر و ماشیه و خدا قبول داریم و هیچ بنده خدائی تا بحال باونگفته اگر تو یهودی هستی و تورا را قبول داری اقلأ معنی این جمله از تورا «شمع اسرائیل ادونای الیهوئوادونای اِحاد» را باید دانسته باشی و اگر معنی این جمله را بدانی دیگر خدائی که هم پدر باشد و هم پسر و هم روح القدس و هم خدا را نباید قبول داشته باشی.

تورا بزرگ کوچک صیدور  
تفیلین مزوزا برای فروش موجود  
است.

شموئل شمسیان

تلفن: ۱۴۰۰-۶۳۳ (۷۱۸)

## برای جهیزیه عروس

### وسلیقه ایرانی

انواع طلاهای ایرانی، زنجیر ایزدی  
وسکه ربع پهلوی، سکه های تاجگذاری  
و گردن بند و انگوی طلا، کیسه سیسیت  
و کلاه مخمل، ملیله دوزی باطلا و نقره،  
لباس و روسری و سر بخار بخاری، تورنقده،  
میناتورهای ایرانی آنتیک و نوروی  
عاج باقاب خاتم.

آدرس:

Farmers Market Art and Antique Gallery  
140 N. South Fairfax Ave., Los Angeles, CA

تلفن: (213) 931-4804  
(213) 937-2734

زیباترین مجسمه های برنز همه اندازه  
انواع نقره های نو و آنتیک، قلم شیراز و اصفهان،  
کاسه بشقاب - سینی، میوه خوری،  
سرویس چای نقره،  
بهترین اجناس چینی  
مانند کاسه بشقاب - گلدان و گلکار،  
مجموعه ای از زیباترین اجناس سه پوست  
و کندن ایرانی،  
جارهای بارفتن، شمعدان سه  
پوست تنگ کندن و بارفتن،  
قالی های  
کاشان ۱۰ الی ۱۴ متری بسیار اعلاء  
قالیچه های ابریشم اصفهان - نائین  
و قم درجه یک،



بهترین، ارزانتترین و مرغوبترین مواد غذایی در

# بازار مارکت

مواد غذایی، آجیل، سبزیجات، نوارهای ویدئو و کاست،  
نشریات و کتب فارسی، میوه و سبزیجات، شیرینی جات، مرباجات،  
ادویه جات و سبزیجات خشک، حبوبات و...  
با مناسبترین قیمت



قصابی گوشت کاشر  
در بازار مارکت



سفارشات کلی شما با ارزانتترین قیمت و  
بهترین سرویس پذیرفته می شود

451 N. Fairfax  
Los Angeles, CA 90036

(213) 852-1981

1410 Liconia Ave.  
Los Angeles, CA 90035

(213) 274-9077

# مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی

## حمید فانی CPA

عضو انجمن حسابداران خبره امریکا و کانون حسابداران خبره کالیفرنیا  
بابت بیش از ۱۵ سال سابقه کار با مؤسسات بزرگ بین المللی

- مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای اشخاص و شرکتها
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- تهیه صورتهای مالی جهت استفاده مدیریت، بانکها و سایر مؤسسات اعتباری
- ثبت و نگهداری دفاتر مالی و طرح و تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری
- تنظیم و رسیدگی به برآورد پیش بینی صورتهای مالی اشخاص و شرکتها
- مشاوره و بررسی در مورد خرید و فروش شرکتها و اخذ وام

**HAMID FANI**  
Certified Public Accountant

10850 Wilshire Blvd., Suite 800  
Los Angeles, CA 90024

(213) 474-0106

## تحصیلات دانشگاهی در آمریکا

کوتاه شده از مجله فوربز

بیشتر دانشگاههای آمریکا در آغاز بمنظور تربیت روحانیون و کشیش های مسیحی تأسیس شده بودند. با وجود اینکه در حال حاضر مؤسسات آموزش عالی آمریکا بیشتر دانشجویان را برای رشته های علمی و فنی تعلیم میدهند معذالک هنوز نفوذ مذهب در محیط دانشگاهها از اهمیت بسیار برخوردار است. اعتقاد عمومی بر آن است که آموزش از نظر ارزشهای اخلاقی پسندیده است و لذا میتوان گفت هر چه سطح آموزش بالا تر رود بهتر هم خواهد بود. با وجود این یک مشکل وجود دارد و آن اینست که هزینه آموزش عالی در آمریکا بسیار گران است، ولی بطور کلی آموزش دانشگاهی را با معیارهای اقتصادی نمیتوان سنجید. از اینرو طرح مسئله گران بودن هزینه آموزش عالی در آمریکا چندان خوش آیند همگان نیست.

تنها موضوعی که در دفاع از این وضع وجود دارد اینست که هر کس قادر به تحمل هزینه های آموزش عالی باشد راه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در آمریکا بروی او باز است.

ارزشهای اخلاقی آموزش را نمیتوان با پول اندازه گیری نمود ولی روشن است که بدون پول هم آموزش میسر نمیشود و برای تحصیلات در هر سطحی که باشد باید مبالغی پول پرداخت شود.

در سالهای اخیر هزینه تحصیلات دانشگاهی در آمریکا بنحوی سابقه ای افزایش پیدا کرده که این افزایش هماهنگ با رشد تورم سالانه نیست و از این جهت موجبات عدم رضایت بسیاری از مردم را که قادر به تأمین آموزش عالی فرزندان خود نیستند فراهم کرده است. ظاهراً چنین بنظر میآید که گران شدن هزینه تحصیلات دانشگاهی بنحوی نیست که در جهت مصالح دانشجویان جلوه کند بیشتر این افزایش بی سابقه هزینه ها در جهت صاحبان سهام این دانشگاهها است.

در ده سال اخیر هزینه تحصیلات دانشگاهی در دانشگاههای دولتی بطور متوسط سالانه بالغ بر ۵/۵۹۷ دلار و در دانشگاههای غیردولتی تا میزان ۱۱/۱۱۳ دلار بوده است که شامل شهریه و هزینه زندگی در خوابگاههای دانشگاه می شده، ولی از سال ۱۹۸۰ بعد افزایش هزینه دانشگاهها دو برابر نرخ تورم سالانه بوده و تصور هم نمیرود در آینده نزدیکی این روند اصلاح شود.

افزایش هزینه درمان در آمریکا تا حدی روشن و قابل توجه است زیرا مردم عادت کرده اند از خدمات بهداشتی و درمانی بیشتر و با کیفیت برتر استفاده کنند ولی در مورد دانشگاهها وضع چنین نیست. در سالهای دهه ۵۰ هزینه کل تحصیلات دانشگاهی در آمریکا کمتر از یک درصد تولید ناخالص ملی بود ولی این رقم در سال ۱۹۸۶ به ۲/۷ درصد تولید ناخالص ملی رسیده است و رقمی در حدود یکصد میلیارد دلار را در آن سال تشکیل میداده بدین ترتیب آموزش عالی هزینه تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در جمع کل هزینه های آموزش در ارتباط با تولید ناخالص ملی تحت فشار قرار داده و سهم هزینه های این دو بخش از ۶۹ درصد کل هزینه آموزش به ۶۱ درصد کاهش پیدا کرده است. از طرف دیگر رشد هزینه های آموزش عالی در ده سال اخیر در مقایسه با افزایش این هزینه در کشورهای دیگر تناسبی نداشته است. در ده سال مورد نظر ژاپن سالانه ۴٪ درصد تولید ناخالص ملی خود را صرف هزینه آموزش عالی کرده و این رقم در آلمان غربی به ۶٪ درصد رسیده است. با وجود این کیفیت تحصیلات دانشگاهی در این دو کشور از آمریکا فراتر رفته و جمعیت تحصیل کرده هر دو کشور در مقایسه با آمریکا در سطح برتری قرار دارند.

افزایش هزینه آموزش عالی در آمریکا در حالی صورت گرفته است که بازار آن رو به کساد می رود. یک علت این کساد کاهش جمعیت بین ۱۸ تا ۲۴ ساله است که

تخمین زده شده از ۳۰/۴ درصد کل جمعیت کشور در سال ۱۹۸۰، به ۲۵/۸ درصد در سال ۱۹۹۰ برسد. با وجود کاسته شدن از جمعیت مزبور، ثبت نام در مؤسسات آموزش عالی ثابت مانده و همه ساله به حدود ۱۲/۴ میلیون نفر بالغ میشود، از طرف دیگر تعداد مؤسسات آموزش عالی هم رو به افزایش است. در سال تحصیلی ۱۹۸۵/۸۶ تعداد این مؤسسات به ۳/۳۴۰ رسیده که رقم بی سابقه ای را تشکیل میدهد. مؤسسات آموزش عالی در سالهای اخیر موفق شده اند متقاضیان بیشتری را برای خود دست و پا کنند. در سالهای قبل از دهه ۵۰ تنها ۴۰ درصد از دیپلمه ها به دانشگاهها وارد می شدند و حتی ۲۰ سال پیش این رقم از ۵۲/۵ درصد تجاوز نمیکرد ولی امروز ۶۲ درصد دیپلمه ها راه آموزش عالی را پیش میگیرند.

علاوه بر این در حال حاضر مؤسسات آموزش عالی بیش از سالهای پیش دانشجویان را برای دریافت مدارک بالاتر تحصیلی در دانشگاه نگاه میدارند. مدارک عالی تحصیلات دانشگاهی در حال حاضر به ۲۵ درصد دانشجویانی که وارد دانشگاهها میشوند داده میشود در حالیکه این رقم در سال ۱۹۶۰ به ۲۰ درصد و در سالهای دهه ۱۹۲۰ در حدود ۱۰ درصد بوده است. تعداد زنان و دختران دانشگاهی که در سال ۱۹۷۰ از ۴۱ درصد ثبت نام کنندگان تجاوز نمیکرد در سال ۱۹۸۵ به ۵۳ درصد رسیده است. هم چنین دانشجویان وابسته به گروههای اقلیت که از ۸/۸ درصد کل دانشجویان بیشتر نبود هم اکنون به ۱۴/۱ درصد رسیده که این عده شامل گروههای اسپانیولی میشود. علاوه بر این دانشگاهها فرصت پذیرش دانشجویان ۲۵ ساله و بالاتر را از دست نداده اند. در سال ۱۹۷۰ تعداد این گروه های سنی از ۲۷ درصد کل دانشجویان تجاوز نمیکرد ولی این عدد در سال ۱۹۸۵ به ۴۱/۱ درصد رسیده است و به گفته معاون وزارت علوم آمریکا دانشگاهها آرام نخواهند نشست تا مگر همه را



بار دیگر به دانشگاه برگردانند!

در نتیجه این اشتباهی سیری ناپذیر دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی کیفیت به نحوی سابقه ای پائین آمده است. در سال ۱۹۵۲ ضریب هوش دانشجوی برای وارد شدن به تحصیلات دانشگاهی ۱۱۰ بود که این عدد فقط ۲۵ درصد جمعیت رادر برمیگرفت. احتمالاً این نسبت در حال حاضر نیز ثابت مانده است ولی واقعیت این است که عده زیادی از دانشجویان فعلی دارای ضریب هوش بمراتب کمتر از ۱۱۰ هستند. کالجها برای توسعه بازار خود دانشجویانی رامی پذیرند که سابقاً حتی نمیتوانستند تحصیلات دبیرستانی را پایان برسانند. در حال حاضر

شاگردانی از دبیرستانها فارغ التحصیل می شوند که ضریب هوش آنها کمتر از ۱۱۰ است و این بدان معنی است که آنها فاقد خصوصیات لازم برای کسب آموزش و مهارتهائی هستند که لازمه دریافت درجات دانشگاهی است، با وجود گرانی هزینه وسایر مشکلاتی که آموزش عالی در آمریکا با آن دست به گریبان است و به آن اشاره شد توجه به آمارهای زیر که بوسیله یونسکو و وزارت آموزش آمریکا در مورد وضع آموزش عالی در سایر کشورها و در مقایسه با آمریکا تهیه شده خالی از فایده نیست.

هزینه آموزش  
عالی بر حسب  
درصد تولید  
ناخالص ملی

تعداد دانشجویان  
هر یکصد هزار نفر

نام کشور

۲/۷	۵/۳۵۰	آمریکا
۱/۹	۴/۲۰۰	کانادا
۱/۱	۱/۷۰۰	بریتانیا
%۹	۲/۷۰۰	سوئد
%۸	۱/۸۰۰	سوئیس
%۸	۱/۹۰۰	اتحاد شوروی
%۶	۲/۱۰۰	فرانسه
%۶	۲/۴۰۰	آلمان غربی
%۵	۲/۱۰۰	ایتالیا
%۴	۲/۰۰۰	ژاپن

دومین شماره

# راهنمای سال

حاوی کاملترین و جامع ترین نیازهای

جامعه ایرانیان برونمرزی منتشر شد

۱۱۷۶-۶۵۹ (۲۱۳)

ارسال «راهنمای سال» به سراسر آمریکا «مجانی» بوده و کلیه کسانی که تاکنون

کتاب را دریافت نکرده اند می توانند به وسیله تلفن و یا نشانی زیر

تماس حاصل فرمایند.



Saal Annual Almanac ©  
P.O. BOX 2849  
BEVERLY HILLS, CA 90213

(213) 659-1176

دفتر وکالت

الکساندر هارونيان

وکيل رسمى و ادکستري آمريکا

امور مهاجرت، تجارى، ملكى، تصادفات و تنظيم و ستينامه

**Alexander Haroonian**  
Attorney At Law

3580 Wilshire Blvd., Suite 2080  
Los Angeles, CA 90010

**(213) 380-8888**

Delshad Jewelry



St. Vincent Jewelry  
650 S. Hill St., #711  
Los Angeles, CA 90014

جواهری دلشاد

خریدار و فروشنده برلیان - سنگ های رنگی

نقره آلات - طلاجات و انواع

سکه های ایرانی و خارجی

(213) 624-1930

## دفتر خدمات بیمه اسحاقیان

حلول سال نو ۱۳۶۷ و فرارسیدن عید سعید پسح را  
بعموم هم میهنان و هم کیشان گرامی تبریک میگویند.  
و برای همگان آرزوی صلح و برکت می نماید.

## BUSINESS FOR SALE

- OFFICE EQUIPMENT -

\$100,000 YEARLY NET INCOME

- FOR THE OWNER -

NOW 32 YEARS IN BUSINESS

AT SAME LOCATION IN VAN NUYS

CALL 818-997-4444

## خاطره ای از یک سفر

همکارما آقای نعمت الله شکیب، با الهام از نوشته آقای صیون ابراهیمی زیرعنوان «همسفران»، خاطره زیر را نگاشته اند که از نظر شما می گذرد. در اینجا یادآوری این نکته لازم است که شوفاربعنوان یک نشریه یهودی، از منشی فکری یهودی که بر مبنای آزادمنشی است و ریشه لاینفک در کنکاش، کنجکاوی و انتقاد دارد، پیروی میکند.

باتکیه بر این باور است که هرگونه انحراف از اعتقادات بنیادی در دین یهود، گرایش های فشری و بالاخره روحانی نمائی بارها در این نشریه به انتقاد و بحث گذاشته شده است. یکی از شخصیت های داستانی که اکنون می خوانید، روحانی نمای مسلمانی است که به کسوت اهل ایمان درآمده است.

پراز مسافر چه غوعائی پیا شده بود. مسافرین که غالب آنها همانند من از صبح تا آنوقت روزتشنه و گرسنه در درون اتوبوس به انتظارنشسته و از شدت هوای گرم همگی بجان آمده بودند دسته جمعی فریاد و داد و بیداد راه انداخته زبان بشکایت گشودند که کی و چه وقت اتومبیل حرکت میکند تا اینکه بالاخره متصدی گاراژ پس از اینکه مطمئن شد جای دیگر باقی نمانده به راننده اجازه حرکت داد. پس از آنکه اتوبوس براه افتاد، ناگهان یکی از مسافرین با صدای بلند فریاد زد: «در سرازیری قبردرمانده نشوی صلوات ربابصدای بلند ختم کن» بلافاصله آخوندی که کنار من نشسته بود فریاد زد «امام زمان دستت را بگیرد صلوات دوم را بلندتر ختم کن» مسافرین با صدای بلند تر همگی «اللهم صلی علی محمد وآل محمد» گفتند. مسافر بغل دستی من که متوجه شده بود هردو دفعه از من صدائی در نیامده حیرت زده با آرنج خود به پهلو من زد و گفت «چرا صلوات نمی فرستی؟»

باو گفتم «آقامن کلیمی هستم» او که فرصت خوبی برای خود نمائی و ابراز شخصیت بدستش افتاده بود خطوط چهره اش متقبض و برافروخته شد و مثل اینکه از گفته من ضربه ای به مغزش وارد آمده باشد با صدای بلند چندین فحش و ناسزای آبدارنثار بنده حقیر نمود و در حالیکه خودش را از من عقب میکشید،

الساعه حرکت میکند. فوراً به سورچی درشگه دستور توقف دادم و از درشگه پیاده شدم و پس از پرداخت کرایه درشگه چمدان بسته دیگری را که همراه داشتم بدوش کشیدم و با عجله خودم رابه دفتر گاراژ رسانیدم و بلیط خریدم و برگشتم پای اتوبوس و بلیط را نشان دادم. یک نفر آمد و چمدان و بسته را گرفت و روی سقف اتوبوس برد و بمن گفت عجله کن و سوار شو. من خوش باور هم که خیال میکردم اظهارات کمک راننده حقیقت دارد با شتاب بالا رفتم و روی یکی از صندلیها نشستم و با امید اینکه همین حالا اتوبوس حرکت خواهد کرد بانتظار نشستم.

خلاصه درد سرتان نمیدهم، همین الساعه اتوبوس حرکت میکند ها تا ساعت هفت بعد از ظهر بطول انجامید تا اینکه سرانجام گاراژدار بی انصاف پررو سی و پنج نفر مسافر که بیشتر آنها طلبه و آخوند بودند و به قم میرفتند گرفت و همه را مثل من بداخل اتوبوس که ظرفیت آن بیش از بیست نفر نبود چپانید بطوریکه مسافرین مجبور شدند بار و بینه و آنچه داشتند را زیر پا و یادر وسط راهروها و صندلیها گذاشته و روی آنها محلی برای نشستن تهیه کنند.

معلوم است در این وقت سال و در اواسط مرداد ماه هوای تهران چقدر گرم و تفته بود و بسویژه در داخل اتوبوس کوچک

شاید بخاطر داشته باشید که در سالهای ۱۳۳۰ و قبل از آن مسافرت از اصفهان تا تهران و بالعکس یکی دو روز طول میکشید و مسافرین با اتوبوسهای مسافربری مجبور بودند یک شب را در قم بیتوته کنند و چون بسیار خسته و فرسوده شده بودند خود را حاضر میکردند بار خت خوابهای کثیف و پراز شپش و کیک مسافرخانه های قم بسازند و شب را بروز بیاورند. قطعاً نمیتوانید پیش خودتان مجسم کنید کسیکه یک شب تمام در درون اینگونه لحاف و تشکها قنوده چه بسرش آمده و چه حالی داشته است. من با جباریک شب را در داخل یکی از این رختخوابها بروز آورده ام و میدانم شپش و کیک چه بصرم آورد.

در اواسط ماه مرداد بود که بنا شد با اصفهان بروم. صبح زود بار و بینه خود را برداشتم و بوسیله درشکه رفتم که بلیط خریده حرکت کنم. در خیابان ناصر خسرو به اولین گاراژ مسافربری که برخورد کردم گاراژ مسافربری گیتی نور بود، رو بروی شمس العماره، دیدم دم در گاراژ یک اتوبوس که روی سقف آن را مقداری چمدان و اسباب و اثاثه دیگر بار کرده اند و در داخل اتوبوس نیز چند نفر مسافر نشسته اند پارک شده و یک نفر در جلو گاراژ کنار خیابان فریاد میزند مسافر برای اصفهان کم داریم عجله کنید اتوبوس همین

وانمود میکرد که نمیخواهد بدن مرا لمس کند. مسافرین همه هاج و واج شده و صحنه را تماشا می کردند. عده ای بطرفداری بغل دستی من شروع به بدگویی کردند و با آقا اظهار همدردی نمودند. در داخل اتومبیل اوضاع بهم خورد بطوریکه راننده مجبور گردید اتوبوس را متوقف کند. پس از اینکه راننده از قضیه مطلع گردید و اصرار مسافرین را برای بیرون کردن من از اتوبوس شنید ناچار شد میانجی شده و جانی را در عقب اتوبوس بمن اختصاص دهد. مرا بردند و در آنجا نشانند و تقریباً اعتراضات فروکش کرده بود و مسافرین ساکت شده بودند دوباره راننده پشت فرمان نشست و اتوبوس حرکت کرد. هیچانات تقریباً خاتمه یافته و تازه داشتیم از حالت بهت و حیرت در میآمدیم و کم کم داشتیم به اعصاب متشنج خود مسلط میشدم که ناگهان اتومبیل بانگانی شدید از روی یک دست انداز خیلی ناهموار گذشت و مسافرین و محتویات اتوبوس رابه هوا پرتاب نمود و بارهای روی سقف اتوبوس هم جابجا شد.

قطعاً کسانی که همسن و سال بنده هستند میدانند که در آن روزها هنوز جاده های اتومبیل رو آسفالت نشده بود و کلیه وسایل نقلیه مجبور بودند روی جاده های خاکی و سنگلاخی رفت و آمد کنند ناچار اینگونه اتفاقات بی سابقه نبود و مسافرین بآن عادت داشتند. اما در اثر این تکان اتفاق غیر مترقبه ای که من هیچوقت در فکر آن نبودم رخ نمود و گرفتاری فوق العاده ای مجدداً بوقوع پیوست. ناگهان از سقف اتوبوس مایعی رقیق و پر بو و تقریباً غیر مانوس شروع به چکیدن کرد و هر چه بیشتر میرفتیم جریان آن بیشتر میشد و روی سروصورت بعضی از مسافرین میریخت. من فوراً متوجه شدم موضوع از چه قرار است. بدبختی تازه ای شروع شده بود. من روز قبل از حرکت در تهران از مغازه مشروب فروشی پنج بطر شراب خوب جهت هدیه به دوستان خریدم و در میان بسته ای که روی سقف اتوبوس بسته شده بود جای داده بودم. موقعی که اتوبوس از روی دست انداز گذشت و تکان خیلی شدید

وارد آمد یکی از بطریهای داخل بسته من شکسته بود و مایعی که از روی سقف اتوبوس جریان داشت همین شراب کهنه بود که روی سروصورت مسافرین میریخت و آنها را کلافه میکرد.

سروصدا بلند شد و کسانی که زیادتر از دیگران زیر جریان مایع قرار گرفته بودند یکصد نفریاد زدند و از راننده خواستند اتوبوس را متوقف کند. دوسه نفر گفتند این بوی شراب است، شراب روی سقف اتومبیل بار کرده اند، شراب از چه کسی است؟ حدستان درست است! دوباره سیل فحش و ناسزا بود که بطرف من سرازیر گردید. یکی دو نفر بلند شدند و بطرف من حمله کردند که خوشبختانه از آن میان گروهبانی جسور سر برآورد جلو مهاجمین را گرفت و فریاد زد «میخواهید چه بکنید؟ اول بفهمید شراب از چه کسی است، آیا واقعاً شراب است که میچکد یا چیز دیگری است؟ شاید سرکه باشد، شاید دوا باشد که شیشه آن شکسته است. بگذارید یکنفر را بفرستیم روی سقف اتوبوس و موضوع را رسیدگی کند تا بعد از آن تصمیم بگیرید!» مسافرین کمی آرام شدند، در این هنگام همان روحانی نمائی که قبلاً پهلوی من نشسته بود داوطلب شد برود و قضیه را روشن کند همه قبول کردند و آقا از اتوبوس خارج شد.

قطعاً میتوانی حدس بزنی در آن هنگام وضع و حال من بدبخت چگونه بود و به چه فکر میکردم. حتم داشتم پس از اینکه این آقای متعصب برگشت و شراب بودن مایع را تصدیق کرد و با شهادت شاگردش و فرساحب بسته که اینجانب باشم معلوم شد، تکلیف من چه خواهد بود و چه بمرن خواهد آمد.

در انتظار برگشتن آقا بنده متشنج بود و داشتم از ترس عاقبت کار بر خودم میلرزیدم که آقا برگشت و گفت: «نه مطمئن باشید این مایعی که ماتصویر میگردیم شراب است، شراب نیست بلکه سرکه است که شیشه آن شکسته. کاری بکار این بنده خداند داشته باشید.» بسیار خوشحال شدم و خوشبختانه تا به قم رسیدیم اتفاق سوئی رخ ننمود. مسافرین همگی از اتوبوس پیاده شدیم،

هوا تاریک شده بود و تقریباً ساعت ده بعد از ظهر، خسته و کوفته دلم میخواست تختخوابی بود و فوری روی آن دراز میکشیدم. از گاراژدار پرسیدم در این نزدیکیها کجا مسافرخانه ای است، گاراژدار پسر بچه ای را طلبید و باو گفت او را ببر مسافرخانه غلام - در همین هنگام دستی را روی شانه خود احساس کردم وقتی سر بر گرداندم آقای بغل دستی ام را در اتوبوس در پشت سرم دیدم که میخندید و میگوید: «رفیق بهمین زودی ما را فراموش کردی؟» گفتم: خیر آقا من هیچوقت محبتی را که شما امروز بمن کردید فراموش نخواهم کرد. دستم را گرفت و مرا بکشتاری کشید و گفت: تو باید یک بطر از همان شرابها را بمن هدیه کنی گفتم بچشم و برگشتم و بسته حاوی بطرهای شراب را آوردم و یک بطر از شرابها را دو دستی تقدیم او کردم. بطر را گرفت و زیر لباس خود پنهان کرد و گفت: آیا حاضری آن سه بطر دیگر را بمن بفروشی؟ گفتم: البته هر چه بگوئید اطاعت میکنم و آن سه بطر دیگر را هم باو دادم. موقعی که داشتیم از هم جدا میشدیم سرش را بیخ گوش من گذاشت و گفت: امشب بسلامتی تو خوش خواهیم بود.

انجام کلیه احتیاجات ایرانیان

تازه وارد بطور رایگان

با مترجم فارسی زبان

ربای میرفلد

تلفن ۹۳۳-۱۸۱۶ (۲۱۳)

BEHNAM KASHANCHI, M.D.

Obstetrician & Gynecologist

## دکتر بهنام کاشانچی

جراح و متخصص بیماری های زنان، زایمان و نازائی از امریکا

عضو کالج متخصصین زنان و زایمان امریکا  
فارغ التحصیل از دانشگاه های ماساچوست و ایلینوی  
عضو هیئت علمی دانشگاه پزشکی بو.اس.سی. (U.S.C.)

- جراحی های زنانه با اشعه لیزر
- مامائی و زایمان
- نازائی
- تشخیص زودرس سرطان زنانگی
- جلوگیری از حاملگی
- پیشگیری از یائسگی
- بهداشت خانواده
- چک آپ سالیانه Pap Smear

9400 Brighton Way,  
#305  
Beverly Hills, CA 90211  
(213) 276-6933

Cedars Sinai Medical Towers  
8631 W. 3rd St. Suite #855 W.  
Los Angeles, CA 90048  
(213) 657-4269

# دکتر سعید ملایم

اورتودنטיست

متخصص زیبایی در ردیف کردن دندانها

با ۱۰ سال سابقه کار و تدریس در دانشگاه تورنتو (کانادا)

عضو انجمن اورتودنטיست های امریکا و کانادا

(۲۱۳) ۲۷۸-۹۱۰۱

**S. MOLAYEM, D.D.S.**

435 N. Roxbury Dr., #211  
Beverly Hills, CA 90210

**(213) 278-9101**

پاسخی به: هنر عشق ورزیدن

در پاسخ به نظریه جنجالی آقای ایرج پ. مندرج در شماره قبل در باره جنبه های رفتاری زنان یهودی ایرانی در امر عشق ورزیدن، نامه های متعددی بدست ما رسیده است که این نامه ها در صفحه «ماوشما» مطرح شده است.

علاوه بر پاسخ های مزبور، دونوخته ای که در زیر می خوانید - یکی از خانم نینا استوار دوست و همکار ما در ایتالیا و دیگری از یک زن وشوهر یهودی ایرانی

نوشته: نینا استوار

## مثلث عاشقانه زن ، مرد و ... خدا

«شما مسلماً از یاد برده اید! باید خاطر نشان کنم که «عشق ورزیدن یک

درگیری دونفره است!!!!»

حق باشماست. شترسواری دولا دولا نمیشود! بنابراین نمیتوان و نباید از زن یهودی ایرانی، تنها آن قسمت از رفتار و کردار زن خارجی را که بنفع شما آقایان ایرانی است انتظار داشت و در عین حال با اوطیق معمول ستوانی چون زن ایرانی رفتار کرد!

وقتی که حضرت آدم از بهشت رانده شد و گناه این در بدری و ترمرد را بگردن حوا انداخت و بنیانگذار این فلسفه ابدی شد که هر مصیبتی که گریبانگیر مردم میشود از دست زن است! خداوند بیاد آورد که هنگامیکه آدم را از خوردن میوه ممنوعه منع میکرد حوا حضور نداشت تا این دستور را مستقیم از دهان او بشنود و بعدها بصورت خبردست دوم از آدم شنید و شاید هم به همین دلیل آنرا زیاد جدی نگرفت. در اینجا بود که خداوند حساب دستش آمد و از ضعف مرد در مقابل زن آگاه شد. روی این اصل هنگام اعطای الواح مقدس به

مقیم لوس آنجلس بدست ما رسیده است. خوانندگان شوفار بانوخته های خانم استوار آشنائی کامل دارند. نوشته خانم مانی با مقدمه همسرشان (آقای کامران) نه تنها از دل برخاسته و سرشار از صداقت و صمیمیت است بلکه در آن رگه های بسیار غنی از قلمی پرتوان مشاهده می شود. ما از این بانوی با استعداد یهودی ایرانی می خواهیم که تماس خود را با نشریه ای که به خودشان تعلق دارد حفظ نموده باز هم برای ما بنویسند.

حضرت موسی گفت: «آنرا به دختران یعقوب بده تا به فرزندان اسرائیل بگویند.» و باین ترتیب تمام بار مسئولیت اخلاقی مرد را بخصوص در انجام امور مذهبی بعهده زن گذاشت.

توجه کنید که صحبت از مسئولیت بیشتر است و هیچ ربطی به احترام و عزت بیشتر به زن آنطور که بعضی ها میخواهند بقبولانند ندارد!! خلاصه اینکه خداوند باز بان بی زبانی به زن هشدار داد که بین او و مرد جدائی نیندازد و مرد را بحال خود بیگذارد تا بنده عابد خدا باشد!. و از همانجا بود که زن از مرد کناره گرفت و او را با خدایش تنها گذاشت! و کم کم دوری گزید. این دوری در دوران عادات ماهانه بیشتر شد چون اوحق نداشت - و هنوز هم حق ندارد- که در این دوران دست به مرد بزند چرا که آقا برای رفتن به درگاه خدا باید پاک و مطهر باشد. و زن ناخود آگاه خود رانجس دید و دست درازی به مرد برایش

مسئله ای شد که میتوانست خشم خدا و بندگان راباعث شود. این بود که در خود فرو رفت و در پس پرده نشست و احساساتش را به زیر تازیانه کنترل درآورد تا ابتدا بساکن بطرف مرد نرود. تا مرد هر وقت که میلش کشید و اوضاع مناسب بود سراغش بیاید. و مرد رفته رفته یکه تاز میدان شد و زمام امور را در دست گرفت! و خیلی زود مصمم شد که در این مورد به زن بیشتر از آنچه لازم بود- حد لازم را خود ایشان تعیین کرد!- با اصطلاح روندهد و او را بالذات عشق جسمی آشنا نکند. ناخود آگاه فکر میکرد اگر زن لذت این عشق زمینی را درک کند و بدعانش مرزه بدهد بنوبه خود آنرا به مرد هم می فهماند و آنوقت بیم آن میرود که این عشق زمینی عشق آسمانی و خدائی را از یادشان ببرد. اینجا بود که میبایست فاتحه دین مذهب و فلسفه خدا و پیغمبر را خواند. باین ترتیب بود که عشق خدا و مذهب به لذت جنسی پیروز شد!! و زن یهودی عشق را نیمه موخته از یاد برد! این زن لذت معاشرت و هم آغوشی و در کنار یک مرد بودن را برای اولین بار شب زفاف چشید. شبی که میبایست در حقیقت زیباترین شب و «خلوت» یاران باشد. اما این نمایشی عامیانه و عمومی و گهگاه کابوسی هولناک بود و شاید هم هنوز باشد. آقای نو یسنده صحبت بی سرانجام مردسالاری و زن محرومی را کنار بگذارید. و بگوئید: کدامیک از شما مردان یهودی مقاومت بخرج دادید و مرد مردانه به فامیل و اقوام و بخصوص مادر خود گفتید که:

آنچه که در شب زفاف و در اطاق خواب بین من و همسرم میگذرد محرمانه است و نباید کسی بخود اجازه دهد که از آن باخبر شود؟

کدامیک این آقائی را بخرج دادید و گفتید که: اطاق خواب خلوتگاه من است و سندی پاک بودن و با کمره بودن زن مربوط به «خود من». از کجا میدانید که این نمایشنامه تهوع آور و من درآوردی بسیاری از زنان بیچاره را از هر چه مرد و هم آغوشی و بقول شما هنر عشق ورزی بیزار و واژه نکرده است!! و یانکنند!- چون داستان ادامه دارد-



این همتای شرقی شما سالهای سال است که در هنر عشق و رزی شهره آفاق است! و طفلکی یک تنه حرمسراها را اداره کرده و هنوز هم بداشتن یک زن قانع نیست. بهتر است نگویند که زن یهودی ایرانی کجا و زن غیریهودی کجا چون آنوقت منبهم میگویم و... بهتر است کار دستم ندهید.

## مؤسسه رسمی دارالترجمه

### فنی شایان

شماره نیت ۷۲۴

مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران  
مترجم رسمی دادگاههای لوس آنجلس  
کلیه امور ترجمه و مکاتبات تجارتي شما را  
در اسرع وقت انجام می دهد

16000 Ventura Blvd.

5th Floor

Encino, CA 91436

(213) 784-7236

(213) 784-7321

Res. 852-4911

محل کار:

منزل:

۱-۸۰۰-۶۳۱-۸۸۱۱

تأحراف دلت را که حرف همه ما است و حرف حقی است بر زبان بیاوری. همین پرده پوشی ها مشکل اساسی تمام گرفتاریهای ما است.

راستی تا یادم نرفته، یککاش میشد که در خانه دوستان و آشنایان دستگاه فیلمبرداری مخفی بگذاریم و بعد سرفرصت بنشینیم و حرکات و رفتار و احوالاً گفتار! مردان قوم را در موقع برگشتن از سرکار و ورود به منزل باهم ببینیم. بخدا شما هم باقیافه ترش تر از لیموعمانی مردان قوم جرأت نخواهید کرد که به زنهای پیشنهاد کنید بدیده بوسی آنها بروند. چه خیر است بابا، مگر نوبرش را آورده اید؟ مگر تنها شما هستید که زحمت میکشید و زن و بچه نان میدهند و مگر این امر در رسم ماتازگی دارد؟ مردان ایرانی غیریهودی هم دچار چنین مسئله ای هستند. حرف از مردان غیریهودی ایرانی بمیان آمد دلم نمیخواهد فکر کنید که دارم آنها را بر خ شما میکشم! و از من دلخور شوید بخصوص که

شما گله دارید. و من بشما حق میدهم که چرازن شما چون زن خارجی دست به سروگوش شما نمیکشد و نازتان نمیکند. آقای محترم عشق و رزی یک درگیری دوفری است!! از کجا معلوم که خود شما سهمتتان را اگر نه به نحو احسن، حداقل آنطور که باید ادا میکنید؟! شما و امثال شما هرگز بیشتر از مهلتی که کروئومتر فیزیولوژی! در اختیارتان گذاشته وقت صرف این کار کرده اید؟! آقای محترم «مستمع صاحب سخن را بر سر حرف آورد!!»

نیاز به عشق در همه ما هست. منتهی ما قوم باصطلاح تاجر پیشه اصل و بنای دادوستد را که عرضه و تقاضا باشد فراموش کرده ایم. یا همه باهم خریدار میشویم و یا همه باهم فروشنده. مسلم است که معامله ای در کار نخواهد بود. باید پرده ها را کنار زد و بی پرده درد دل کرد. شما خود که از سخنران سمینار گله کردی که حرف اساسی رابی پرده نگفته است خود چرا در پس پرده نشستی

## M. Yagoub-Zadeh General Dentistry Orthodontics

## دکتر منصور یعقوب زاده

متخصص از فرانسه با سابقه تدریس در فرانسه و ایران



11850 Wilshire Blvd., Suite 101  
West Los Angeles, CA 90025

Wilshire & Westgate تقاطع

(213) 820-9774

ارتودنسی

• ردیف کردن دندانها و زیبایی

• دندانپزشکی عمومی

• انواع روکش

• روت کانال

• ترمیمی

• باندینگ

• جراحی فک و دهان توسط جراح متخصص

# دنیای پرده

دوخت و نصب انواع مدل‌های پرده

وارد کننده بهترین انواع پارچه های پرده ای و تورهای گیپور

**World Wide Drapery Fabric Inc.**

**COMMERCIAL & RESIDENTIAL**



934 S. Wall St.  
Los Angeles, CA 90015

(Between 9th St. & Olympic Blvd.  
Downtown L.A.)

**(213) 683-1488**



# مارک صدف بر بیش از ۲۵۰ محصول غذائی

حاکی از خالص و سالم بودن آن محصول است

برای انتخاب بهترین ها

صدف کافیت

فرارسیدن عید سعید پسخ را

بعموم هم میهنان و هم کیشان گرامی تبریک میگوید.

انتخاب صدف

یعنی انتخاب بهترین ها



## پاسخی از سردلتنگی

مقاله آقای ایرج «پ» تحت عنوان «هنر عشق ورزیدن» برابر آن داشت که در مورد آنچه بنظم میرسد چند سطر بنویسم. ایشان نظرشان این است که یکی از مشکلات روابط زن و مرد یهودی ایرانی امور جسمی و روابط جنسی آنان است و مینویسد که زن یهودی ایرانی بطور عام از ته دل و از بُن وجود، عشق ورزیدن را امری مضموم و شرم آور و بقول عوام «عیب» میداند.

همه مردان متاهل یهودی کم و بیش آنچه که ایشان نوشته اند را حس و لمس کرده اند ولی من نمیدانم چرا ایشان از مقاله خود هیچ نتیجه گیری نکرده اند و هیچگونه راه حلی را ارائه و یا پیشنهاد نداده اند. چرا سؤال نکردند چه کنیم تا این تفکر را تغییر دهیم و اگر هم در این نسل قابل اصلاح نیست لااقل در نسل بعدی ما اصلاح شود تا دختران ما آنچه از عشق و محبت در خود دارند بتوانند آزادانه و بدون احساس شرم و عذاب تقدیم شوهران خود کنند. البته من خود نه روانپزشک هستم و نه تخصصی در امور اجتماعی دارم، تنها چیزی که بعقلم رسید این بود که مقاله هنر عشق ورزیدن را دیروز دادم به همسر خواند، نظرش را جویا شدم شروع کردم تندوتند پاسخ گفتن. از او خواهش کردم همه حرفهایش را به روی کاغذ بیاورد امروز این چند برگ را جلوی من گذاشت، منم آنرا بدون کم و کاست برای شما میفرستم تا خود قضاوت کنید، چون میدانم اغلب مایهودیان کم و بیش نظراتی مشابه به اینها داریم.

کامران ر. (امضاء محفوظ)

نوشته: مانی

دهد. امثال آقای ایرج پ مقام همسرشان را تا حد یک آدم ماشینی که روزها آشپزی میکند، از خانه مواظبت میکند، بچه ها را تربیت می کند و بدرس و مشق آنها میرسد، پائین میآورند ولی از همین زن انتظار دارند که چنان دختری تربیت کند که وقتی به سن ازدواج رسید، پس از آنکه شوهرش او را با یک زن بی بند و بار آمریکائی مقایسه کرد و احساساتش را نادیده گرفت، از او این انتظار را هم داشته باشد که مثل هنر پیشه های فیلم های سکسی با چنین مردی هم بستر شود!

اشکال همین جاست آقایان! انتظارات شما از عشق بازی فقط برقراری یک رابطه جنسی است. چرا که محیط به شما اجازه تجربه های متعدد داده است و در نتیجه جنبه عاطفی برایتان ناچیز است. در حالیکه برای مادر زحمت کش ایرانی عشق ورزی به مالش دادن دست و پای آقا در ملاء عام نیست (رجوع شود به مقاله هنر عشق ورزیدن)، بلکه برای او رسیدن به اوج لذت،

آنها، به معاشرت آنها اهمیت میدهد، کوچکترین ناراحتی فرزندانش غم بزرگی در دل اوست.

آشپزی زن یهودی ایرانی به روزی ۱۰ دقیقه گرم کردن غذاهای منجمد و یا باز کردن سوپ کمپل ختم نمی شود. (شاید به همین جهت در ساختن خانه ها در ایران به بزرگی آشپزخانه اهمیت داده میشود!) زن ایرانی الحاق که حتی بعد از انقلاب و در این دگرگونی بزرگ تاریخی هم ستونی استوار در محیط خانه و خانواده بوده است و هم پشتیبانی پایدار برای مرد نان آور.

مرد یهودی ایرانی وظیفه خود را با خانه فقط غذای خوب و استراحت کامل و ارضاء امیال جنسی و یابقاء نسل میداند، و البته در مورد بقاء نسل فقط مسئولیت به اطاق خواب ختم میشود و پس از آن این مادر است که با یک تب کوچک فرزند صدمبار می میرد و تا جان در بدن دارد می کوشد تا فرزند خود را بصورت انسانی صاحب نظر تحویل جامعه

متاسفانه بنده نویسنده نیستم و این چند خط را نیز بخاطر شوهرم که بسیار اصرار دارد نظراتم را بدانم بنویسم. قصد من انتقاد نیست بلکه رسیدن به نتیجه ای مثبت است، لذا در مقام یک مادر و زن یهودی ایرانی اجازه میخواهم با دوستان درد دلی کرده باشم.

آقای ایرج پ در اول مقاله شان مسئولیت زن را فقط و فقط به رتق و فتق امور آشپزخانه اختصاص داده اند و در پایان مقدمه هم گوشه چشمی به وظیفه مادر بودن داشته اند. در واقع انحراف فکری هم از همین نقطه شروع میشود، اول ناچیز شمردن مسئولیت خانه و خانواده، دوم (که البته در نظر اجتماع همیشه مقام اول را داشته است) مسئولیت مادر بودن.

زن یهودی ایرانی به خانه اش عشق میورزد. برای او پخت و پز تغذیه درست خانواده است. نظافت اساس نظم و ترتیب و دادن دیسپلین و البته بهداشت خانواده است. مادر ایرانی به درس فرزندانش، به ورزش

تبادل نظر کردن و به همفکری رسیدن است. اوج لذت جنسی برای زن معادل با به اوج رسیدن یک مرتاض است که پس از فرو رفتن به دنیای درونی خود به حقیقت میرسد. رابطه جنسی برای زن یهودی ایرانی تقلید کردن و ادا درآوردن و فقط ارضا امیال شهوانی نیست. ولی آیا شوهران هیچوقت درصد رضای خواسته های عاطفی همسران خود بوده اند؟

آیا یکبارهم شده یکروز سعی کرده اند که تمام مسئولیت های مادر خانواده را نه از نظر کار جسمانی بلکه روحی تقبل کنند؟ و آنوقت در پایان روز پس از شنیدن انتقادات

مکرر در مورد غذا و تربیت غلط بچه ها و بدبودن آنها انتظار ایجاد رابطه عاطفی بازن خود را داشته باشند؟ آیا هیچوقت زندگی خودشان را با مرد آمریکائی مقایسه کرده اند که در مورد مسائل جنسی به خانمشان سرکوفت می زنند؟ آیا محیط رشد و شکل گیری شخصیت یک یهودی ایرانی را با محیط بی بندوبار زندگی آمریکائی مقایسه کرده اند؟ چطور غیرت شوهر یهودی ایرانی اجازه میدهد زن پاک و عقیف خود را با زن بی بندوبار آمریکائی که دارای تجربه های آنچنانی قبل از ازدواج است مقایسه کند؟ برای زن یهودی ایرانی پرونده روز از شب

جدانیست بلکه شب آئینه روز است که احتیاج به جلا دادن دارد. احساسات او دچار خلاء و سردرگمی محیط آمریکا نشده است. روحش احتیاج به چند کلمه محبت آمیز دارد و تمامی وجودش احتیاج به پشتیبانی شوهرش. من مطمئن هستم که اگر آقایان منصفانه به قاضی بروند- با توجه به غرورشان که البته قابل احترام است - یواشکی هم که شده از اینکه نعمتی چون داشتن زن یهودی ایرانی نصیبشان شده است از خداوند تشکر می کنند.

## دکتر بهمن فلک آسا

Diplomate of American Board

متخصص در بیماریهای داخلی

فوق تخصص در بیماریهای گوارشی (معهده، روده، کبد و مجاری صفراوی)

تغذیه و کنترل وزن

چک آپ و پیشگیری و آگاهی زودرس سرطان

Midway Medical Plaza

5901 W. Olympic Blvd., #407  
Los Angeles, CA 90036

(213) 937-9761

تلفن ۲۴

## کنیسای هالیوود تمپل بت ال

بمدت محدودی بمناسبت مجالس عروسی تخفیف مخصوص

برای مجالسی که در

روزهای دوشنبه و پنجشنبه برگزار گردد، قائل میشود

برای اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۱۵۰-۶۵۶ (لوری) تماس حاصل

فرمائید.

# GAMA

Central Heating & Air Conditioning Inc.

شرکت تأسیساتی و تعمیراتی

## گاما

با ۳۰ سال سابقه کار

به مدیریت: جمشید شادپور

دارای لایسنس کالیفرنیا به شماره ۴۴۵۴۸۴

نصب - تعمیرات - سرویس و نگهداری ارکاندیشن

هواکش های کارخانجات،

هتل، رستوران، منازل مسکونی، بیلدینگ، لیکور استور،

فروشگاه های مواد غذایی و خشک شوئی

موارد ضروری:

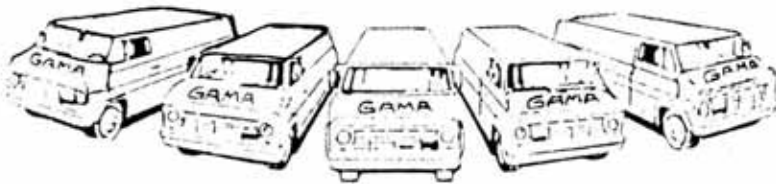
(213) 273-4919

ساعات اداری:

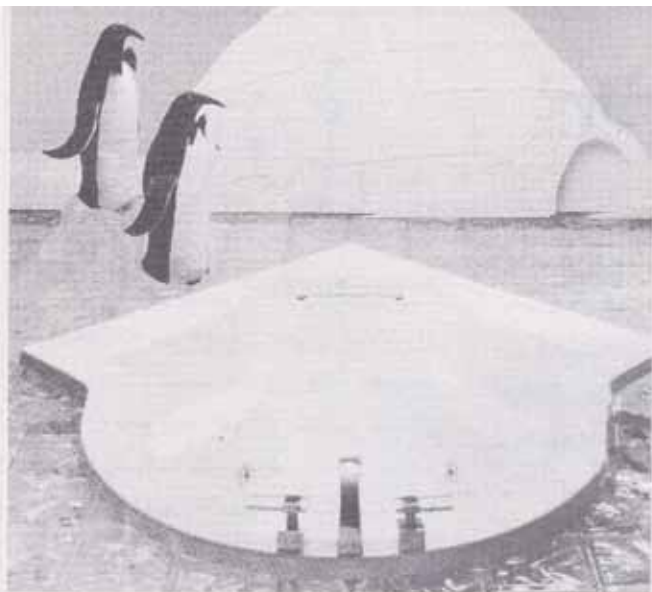
(213) 276-8111

سرویس ۲۴ ساعته:

(213) 273-4801



# دیزاین کامل حمام و آشپزخانه



کابینه حمام

شیرهای زینتی

دستشوئی

وان و جاکوزی

سنگ مرمر

توالت

دستشوئی

درب های ورودی داخلی

لوازم زینتی حمام

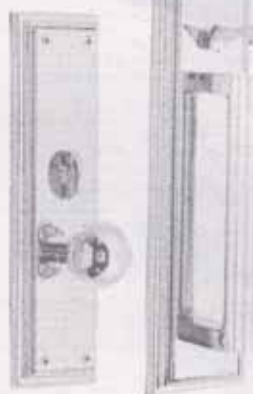
آئینه

درب های حمام

قفل های زینتی و

و... دهها لوازم ووسائل دیگر

باقیمت های عمده فروشی



**ORB**

BEVERLY HILLS BATH

8665 Wilshire Blvd.  
Beverly Hills, Ca 90211

(213) 659-8540

(213) 659-8541

# یهودا هَلوی

شاید اعراف نباشد اگر بگوئیم که شخصیت یهوداهلوی در میان کلیه شعرای عبری زبان بسیار ممتاز می باشد و هیچیک از شعرای ماتوانسته اند با این شیوایی و شیدائی آرزوی رسیدن بشهر موعود و دیدن سرزمین مقدس اورشلیم را مانند این شاعر شوریده در مغز و قلب خود پرورش داده تراوش افکار خود را بصورت اشعاری بس نغز و دلنشین برای همکیشان خود بارمغان آورند. نام دیگر او یهودا بن شموئیل هَلوی بود و اعراب همزمان وی را ابوالحسن می نامیدند - یهوداهلوی شاعری بلند پایه، فیلسوفی نامی و پزشکی ممتاز بود.

یهوداهلوی در ۱۱۰۱ میلادی از اسپانیا متولد گردید و در ۱۱۴۰ در اورشلیم بدرود حیات گفت. قبل از اینکه زندگی خود را بشعر و ادبیات و فلسفه اختصاص دهد یهودا هَلوی از عزت و احترام پزشکی دانشمند و مجرب برخوردار بود. یهودا بزرگترین شاعر عبری زبان و برگزیده ترین فیلسوف زمان خود محسوب میگردد. او در اشعارش به همکیشان خود میگوید که ما نیز مملکتی داریم که باید آنرا گرامی بداریم و برای استقلال آن و استقرار خود در این سرزمین که خداوند بما وعده داده کوشش نمائیم، چه توحید از این سرزمین برخاست و پرتو آن دنیا را روشنی بخشید.

یهودا بزودی میدان دانش و معلومات خود را توسعه داد- فلسفه عرب و یونان را فرا گرفت و تالیفاتش در این رشته با استقبالی بی سابقه رو بر رو گردید. یهوداهلوی مدتی در شهر مسلمان نشین کُردوا مسکن گزید و در این شهر عالی ترین مقام اجتماعی را بدست آورد و توانست زندگی مرفه و افتخار آمیزی را برای خود فراهم نماید- ولی سختگیری و تعصب خاندان بسیار متنفذ آل مرآوید به یهودیان بار دیگر او را بر این ایمان راسخ کرد که تنها در سرزمینی که خدا بوعده داده

میتواند با آسایش زندگی کند. از این رو از کلیه مزایائی که میان مردم و خاندان فرمانروا بدست آورده بود صرف نظر کرد و بر این تصمیم شد که اسپانیا را ترک گوید و بسرزمینی که اجدادش در آن زندگی میکردند و آنهمه آرزوی زیارت آنرا داشت مسافرت نماید و در آن سکنی گزیند- حتی محبت پدری که پس از مرگ همسرش او را به یگانه دختر و فرزندان دخترش پیوند میداد نتوانست شور و عشق دیدار سرزمین مقدس را از خاطر وی

محسوسازد- بالاخره در اواخر سال ۱۱۴۰ بعد از میلاد به فلسطین آنزمان مهاجرت نمود. ولی افسوس که این سفر را بازگشتی در پی نبود چه هنگامی که برگزیده از اشعار خود بنام صیونید را در کوچه های شهر اورشلیم که آنهمه عاشق دیدار آن بود، می سرانید مورد حمله سربازی بدوی و مسلح قرار گرفت و دو روز بعد از شدت جراحات درگذشت و این قطعه ای از مجموعه اشعار وی بنام صیونید

## اورشلیم شهر مقدس من

ای اورشلیم! حال اسیرانت رانمی پرسی؟

مشتاقانی که جاودانگی تو را می خواهند - آنان که باقیمانده قوم تو اند.

از شرق و غرب، از شمال و جنوب

سلام کسانی که دور هستند، سلام کسانی که از نزدیک در معاشرت تو قدم می زنند.

هنگام گریستن برای بی سامانیت بتلخی فریادمیزنم،

ولی هنگامی که آزادی تو را به خواب می بینم

چون چنگی هستم که نغمه آزادیت را می سراید

به قصر سلطنتی و خانه خداوند فکر میکنم - چگونه

غلامان بر کرسی بزرگان و برگزیده گانت تکیه زدند

ایکاش میتوانستم در مکانهایی که خداوند

به رسولان و پیغمبرانت آشکار شد سرگردان باشم

چه کسی بمن بال میدهد تا به دور دست پرواز نموده

و بازمانده قلب شکسته ام را در پرتگاه های بهم ریخته ات جا گذارم

بر خاکت بوسه زنم بر فراز صخره های آرام گیرم

باروی خود، شنهایت را لمس کنم. تا غبار زمینهایت بر صورتم نرمی بخشد

از جنگلهای تو عبور نمایم. از گوهلت بگذرم

و در گیلعات متوقف گردم و کوه های را با تحسین تماشا کنم -

ای اورشلیم! ای بینهایت زیبایی و ای شایسته عشق و ستایش

از دیر باز بزرگی و جلال بتو برانزده بود و حال نیز جان شیفگانگت بتو وابسته است

همان شیفگانگی که در آبادانیت دلشاد

و در آوارگیت غمزه و هنگام اسارتت گریانند

خداوند ترا برای خود انتخاب نمود تا جلالش در آنجا فرود آید - خوشحال مردمی

که ترا برگزیده و بتو نزدیک گردیده و در حصارهای مسکن گزیدند.



## گلزار آشنایی

چشمست چو برساغر فتد وصفم زهر پیمانان خوان  
از من اگر دیدی نشان ما راهمان دیوانه خوان  
دیدنی مکن باور ورا فرزانه دان فرزانه خوان  
در جمع هشیاران مرا دردی کش میخانه خوان  
خواهی که رسواتر شوم رازم بهر بیگانه خوان  
ما را چو ابرسی نشان دریای بی دردانه خوان  
این خسته سرگشته راهم خانه دان هم خانه خوان  
هر جا زمن دیدی اثر احوال دل رندانه خوان

دیوانگی های مرا افسانه دان افسانه خوان  
در وادی دیوانگان با پای دل گشتی بزن  
از ما اگر دیوانه تر با عقل و دین بیگانه تر  
با گردش پیمانان ها یاد آر چشمان مرا  
سرگشته ای رسوا شده تنهاتر از تنها شده  
دیدنی تو ابر آسمان سرکش شتابان بی امان  
ای ناشناس آشنا کز دل خبرداری بیا  
در هر «نگاه» فتنه گر بنگر بگیر از من خبر

از: نادر نادرپور

## بت تراش

پیکر تراش پریم و با نیشه خیال  
یک شب ترا ز مرمر شعر آفریده ام  
تا در نگین چشم تو نقش هوس نهم  
ناز هزار چشم سیه را خریده ام

\* \* \*

بر قامتت که وسوسه شستو در اوست  
باشیده ام شراب کف آلود ماه را  
تا از گزند چشم بدت ایمنی دهم  
دزدیده ام ز چشم حسودان، نگاه را

\* \* \*

تا بیج و تاب فد ترا دلشین کنم  
دست از سرنیاز بهر سو گشوده ام  
از هر زنی، تراش تنی وام کرده ام  
از هر قدی، کرشمه رقصی ربوده ام

\* \* \*

اما تو چون بنی که به بت ساز نگرود  
در پیش پای خویش بخاکم فکنده ای  
ست از می غروری و دور از غم منی  
گوئی دل از کسی که ترا ساخت، کنده ای

\* \* \*

هشدار! زانکه در پس این پرده نیاز  
آن بت تراش بلهوس چشم بسته ام  
یک شب که خشم عشق تو دیوانه ام کند  
بینند سایه ها که ترا هم شکسته ام!

## غزلی از صائب

از: دکتر عبدالله حکیم فر

زبان آدمی نیرنگ دارد  
فلک از حیلش دل تنگ دارد

فدای خلقت چشم نکویان  
که در مهر و غضب یک رنگ دارد

\* \* \* \*

از گریه خاک را چو چمن می کنیم ما  
در غربتیم و سیر وطن می کنیم ما  
هر سنگ پاره که فند چشم ما بر او  
از یک نظر عقیق یمن می کنیم ما  
تیغ فنا چو آب حیات ایستاده است  
در خشک سال چشم وطن می کنیم ما  
مشگل گشاست غنچه دل‌های عاشقان  
جا در دل نسیم چمن می کنیم ما  
فرمان روای مصرع برجسته می شود  
صائب ز بحر عشق سخن می کنیم ما.

## غزلی از مولانا

بیانید، بیانید، که گلزار دمیده ست  
بیانید، بیانید، که دلداری رسیده ست  
ببارید به یکبار همه جان و جهان را  
به خورشید سپارید که خوش تیغ کشیده ست  
بر آن زشت بخندید که او ناز نماید  
بر آن یار بگریید که از یار بریده ست  
همه شهر بشورید که آوازه در افتاد  
که دیوانه دگر یار ز زنجیر رهیده ست  
چه روز است و چه روز است چنین روز قیامت  
مگر نامه اعمال ز آفاق پریده ست  
بکوبید دهلها و دگر هیچ مگوئید  
چه جای دل و عقل است که جان نیز بریده ست

# PARS MEDICAL CLINIC

## پارس کلینیک

مجھز به رادیولوژی - آزمایشگاه - فیزیوتراپی - نوار قلب

دکتر پرویز نظر به سرپرستی

پزشک خانواده

- چک آپ کامل با قیمت مناسب
- قبول بیمه تصادفات رانندگی و صدمات ناشی از کار
- گواهی و آزمایشهای قبل از ازدواج
- قبول تمام بیمه های درمانی

\* پزشک انتخابی اداره مهاجرت (برای آزمایشهای گرین کارت)

باهمکاری پزشکان متخصص:

- چشم پزشکی (تعیین عینک - لنز - جراحی چشم - معاینه چشم با دستگاه های کامپیوتر)
- قلب و فشار خون (مجھز به پیشرفته ترین دستگاه های تشخیصی بیماری قلب)
- پوست و آلرژی (برداشتن خال، زگیل بدون عمل جراحی)
- مقاربتی و مجاری ادرار (آزمایش خون برای تشخیص بیماری ایدز)
- بیماریهای داخلی و اطفال
- جراحی
- گوش و حلق و بینی
- رماتیسم و مفاصل و استخوان
- بیماریهای زنان
- اعصاب و روان

18445 Vanowen St.  
P.O. Box 1045  
Reseda, CA 91335

(818) 708-8484

تقاطع Reseda و Vanowen



## گالری آنتیک

ANTIQUE GALLERY

نمایانگر هنردست هنرمندان  
و آمیزه ای از خلاقیت دست گذشتگان

2025 Ave. of the Stars  
Century Plaza Hotel  
Los Angeles, CA 90067

بامدیریت: شناسا

(213) 556-3283



## مرکز کاربایی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی  
درلوس آنجلس بزرگ

• همانطور که در شماره قبل بنظرتان رساندیم بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاربایی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افرادجویای کارومعرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری ازدوستان ایرانی جویای کار در مرحله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دو مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو و لوس نام و نشانی و تخصص افرادجویای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به معرفی افرادجویای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل برانتز حروف اول اسم مشاوره که شخص جویای کار را باری می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو و لوس است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرموده نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر لوس آنجلس تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان عزیز ایرانی با مرکز کاربایی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همگامی و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود. ■

\* شیمی دان، سوزان - ک : آشنائی کامل به زبان انگلیسی آماده به کار و پیشرفت در رشته مربوطه می باشند. (MG-SFV)

\* خریدار، ژوزف : تابع کشور آمریکا و هفت سال تجربه در کار تولیدی آماده به کار می باشند. (CF-SFV)

\* برنامه ریز کامپیوتر، راحل : تحصیلات در رشته کامپیوتر، تجربه و آشنائی به رشته های مختلف کامپیوتر

\* تکنیسین لابراتوار، اسحق - ب : فوق لیسانس در رشته شیمی، تجربه در بررسی کیفیت مواد شیمیائی آماده به کار کردن هر رتبه ای می باشند. (RE)

\* تکنیسین لابراتوار، شیمی - ب : بیست سال تجربه در آنالیز و بررسی خون و سرطان، آماده به کار کردن در رشته مربوطه می باشند. (RE)

\* معلم عبری : سالها تجربه در تدریس در ایران و اسرائیل، قادر به تدریس تاریخ یهود آماده به تدریس بصورت خصوصی، گروهی و یا در محیط مدرسه می باشند. (RE)

## دکتر ساموئل نیومن

### پزشکی داخلی

### دارای برد تخصصی از امریکا

باسابقه ۲۵ سال طبابت در ایران  
وامریکا  
عضو گروه پزشکی سیدر سابانی  
بودلی هیلز

435 N. Bedford Dr., # 312  
(213) 273-4454

دوساعت پارکینگ آزاد  
قبول اکثر بیمه ها



JEWISH VOCATIONAL SERVICE  
of LOS ANGELES

L.A. 655-8910  
S.F.V. 907-5506

## بخش نیازمندیها

\* تکنیسین لابراتوار، ناصر: تجربه در آزمایش مواد شیمیائی مایل به کار کردن به صورت نیمه وقت می باشند. آشنائی با زبان انگلیسی (EN)

\* خیاطی، هوشنگ: با مهارت در دوختن پوشاک مردانه. ساکن منطقه ولی (EN)

\* مهندس راه و ساختمان، منوچهر: باتجربه و تحصیلات در آمریکا و آشنائی کامل به زبان انگلیسی. (EN)

\* حسابدار، ناصر- و.: آشنائی کامل به زبان انگلیسی، با پشتکار آماده به کار می باشند. (HR)

\* آرشیویست، بوسف - د.: تخصص در ساختن مدل آماده به کاری می باشند.

\* دانشجوی رشته برنامه ریزی کامپیوتر، سیمیا- ب.: با سابقه تحصیلات در آمریکا آماده به کار می باشند (HR)

\* تکنیسین دندانساز، منصور- ب : با مهارت و تجرب زیاد در ایران آماده به کار کردن در لابراتوار دندانسازی می باشند. (HR)

\* داروساز، اسرائیل - ف : آشنائی به زبان انگلیسی در جستجوی کار در رشته خود می باشند. (MG-SFV)

\* ژئوفیزیک دان، جمشید- ک : آشنائی کامل به زبان انگلیسی و تجربه در تدریس آماده به کار در رشته مربوطه می باشند.

(MG-SFV)



## AMPHORA ARTS & ANTIQUES

212 North Canon Drive  
Beverly Hills, CA 90210  
(213) 273-1433

### انواع نقره های ایرانی، اروپائی و امریکائی

ساعت و شمعدان و گلدانهای سرو - آنتیک های زینتی و  
نقاشی های مشهور قرن نوزدهم و بیستم  
از هنرمندان نامی جهان

## ماوشما



• بشتوانه ما، مقالات، مطالب و نظریاتی است که صاحبان قلم و اندیشه برای نشر در شوفار می فرستند.

• در این صفحه تنها به نظرات و نامه هائی اشاره می شود که نام نویسنده (و یا گوینده نظر)، آدرس و شماره تلفن آن ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری می شود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.

• مقالات و مطالبی که به دفتر شوفار نویسندگان می رسد متعلق به شوفار بوده و در صورت لزوم تصحیح و تلخیص می شود. از چاپ مطالبی که با خط مشی نشریه مغایرت داشته باشد معذوریم.

• تلفن شوفار ۷۷۳۰-۶۵۵ (۲۱۳) و آدرس ما پشت مجله چاپ شده است □

شماره مخصوص سال نوعیری مورد استقبال زیاد هم کیشان مافرا گرفت.

• در مورد داستان «همسفران» مطالب و نظرات زیادی بدست ما رسیده که یکایک در شماره های بعد مطرح خواهد شد. در این شماره به خاطره جالبی از یکی از همکاران دانشم ما آقای نعمت الله شکیب اکتفا شده که زیر عنوان «خاطره ای از یک سفر» به چاپ رسیده است.

• آقای ن. گ. (امضاء محفوظ) در افتراقی به نوشته خانم گیتی بروخیم (سیمانطوب) زیر عنوان «میخواهم زردپوشم» که در شماره قبل به چاپ رسید، مطلبی نوشته اند که عیناً به درج آن در زیر اقدام می شود.

«از سینه به سر»

گرنیبودی در جهان امکان گفت کی توانستی گل معنی شگفت در مورد وصله زرد رنگ وجه تمایز یهودیها با دیگران با توجه به اینکه مقصود از ابداع ایده ننگین وصله جهودی در قرنهای گذشته فقط شناسائی افراد یهودی و اعمال تبعیض، توهین و

بدر رفتاری نسبت به ایشان بوده باوقوف و احترام به فلسفه با کلاه بودن در مکانهای مقدس آیا بسر گذاردن کپیا در مکانهای غیر مقدس عمومی توسط افراد غیر روحانی خود بخود افتخاراً وصله جهودی را از سینه به سر منتقل کردن نیست؟ و باتوجه به اینکه در هر طایفه یا ملتی افراد خوب و بد وجود دارند با خود بزرگ بینی بیجا و این کلاه متفاوت عملاً داوطلبانه درخواست تبعیض و انگشت نماشدن نیست؟

مخصوصاً در مواقع نامناسب آبادلیلی دارد که درملاً عام یاد دیگران وجه تمایز داشته باشیم که تقصیر احتمالی فرد را بحساب جمع بگذارند؟ آیا تفاوت واقعی همان تفاوت درک و تحصیلات و ادب افراد است یا وصله مقدس یا کلاه یا آرم و نشان و مدال و غیره؟ فکر نمیکنید الصاق اینها هرگز نمیتواند درک بیشتر فرد باشد.

رجاء واثق دارم حتی سؤال مطالب فوق ممکن است مورد بی مهری عذّه واقع گردد تا عقیده اکثریت که درملاً عام کپیا به سر نمیگذارند چه باشد.

اگر تعصب بیجا که مساوی کوری مطلق است را کنار بگذاریم همینطور که نمک برای جلوگیری از فساد بعضی مواد غذایی لازم میباشد بهمان خدمت عادل دین نیز برای جلوگیری از فساد و گمراهی افراد لازمه ادامه حیات جوامع بوده. ولی اگر همین نمک ضد فساد به مقدار زیاد مصرف گردد، غذای مربوطه بجای اینکه با کمال توجه و دقت به روی میز غذاخوری برده شود دور ریخته خواهد شد.

البته قضاوت چه مقدار نمک برای چه ذائقه هائی؟ بعضی هاشور شور دوست دارند بدون اینکه بدانند نمک زیاد گاهی باعث بیماری میشود! با دیدن بدبختی های خانوادگی جامعه مختلف آمریکائی و گرفتاریهای تعصب آلود دیگران آیا بهتر نیست روش صحیح آبا و اجدادی خود را حفظ و راه رفتن کبک را بخودش واگذار و در همه موارد وهم چنین کنیسا همینطور که کنیساهای آمریکائی بعد از حتی یک قرن هنوز ماهیت ملاً مجارستانی، روسی، عربی، اسپانیولی و غیره خود را حفظ نموده جامعه مانیز اصالت قرنهای گذشته اجداد خود را حفظ و از منشعب شدن دوری جسته و یهودی ایرانی باقی بمانیم؟ در غیر این صورت خصوصاً در مورد ازدواج جوانان جامعه که بیشترین خطر متوجه آنهاست بزودی ده هانوع یهودی خواهیم داشت یهودی با کلاه، یهودی بی کلاه، یهودی متعصب یهودی عادی، یهودی نیم بند،

یهودی دوآتشه و یهودی گیج! لطفاً روی این مطالب بین خود بحث کنید و در نظر داشته باشید، چنانچه منشعب شویم منهدم خواهیم شد و فراموش نکنیم:

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن

\* همانطور که در مقدمه نوشته خانم نینا استوار در پاسخ به نوشته «هنر عشق و ورزیدن» مندرج در شماره قبل ذکر شد، در مورد این مقاله نظرات و مطالب متعددی بدست ما رسیده که ذیلاً تعدادی از این پاسخ ها بنظر خوانندگان گرامی میرسد.

\* خانم ژ. ب (امضاء محفوظ) طی نامه مبسوطی می نویسد:

«در پاسخ نویسنده، اینکه سن خانم های مورد نظر چقدر است خیلی موضوع مهمی است. اگر سن بالاتر از پنجاه سال باشد، درست است اگر بگوئیم که این گروه از زنان یهودی ایرانی عشقبازی را خاک بسری میدانند. اما در سنین متوسط این میزان کمتر شده و در سنین پائین یعنی حدود سی سال این نسبت نزدیک به صفر می شود.»

نویسنده نامه سپس به بی تفاوتی همسرشان نسبت به هدیه ای که در اولین سالگرد عروسی به شوهرشان داده بودند اشاره کرده می نویسد:

«حال دهسال از آن زمان گذشته و من همیشه سعی کرده ام این موضوع ها را نادیده بگیرم حتی این مسئله را که او تا کنون حتی یک هدیه هم بمن نداده است - حتی یک شاخه گل. آیامرد ایرانی رفتاری یک مرد آمریکائی را با همسرش دارد که توقع عکس العمل یک زن فرنگی را از او دارد؟ قبول کنیم که اشکال هم از مردان است وهم از زنان.»

\* آقای سعید م (امضاء محفوظ) زیر عنوان «لذت شبات» نوشته ای برای ما فرستاده اند که در آن از عظمت این روز روحانی سخن رفته است. ایشان می نویسند:

- نگهداری دستورات شبات برای سلامت روح و جسم ما میباشد. آنان که می گویند شبات را روحانیون وضع کرده اند و این امر سنتی قدیمی و غیر ضروری است سخت در اشتباهند چون رعایت دستورات مربوط به شبات بویژه در این عصر ماشینی ضرورت بسیار زیاد دارد، چه این مراسم بما آرامش میدهد. شب وقتی بانوی خانه شمع ها را روشن کرده و برای افراد خانواده خود دعای می کند و مراسم روز شبات در کنیسانیز قبل از هر چیز آرامش بخش و متعادل کننده روحیات

آدمی است.

**\* آقای داود مقیمی می نویسند:**

- از مصمیم قلب به همه شما همکیشان عزیز برای انتشار مجله فوق العاده ارزشمند شوفارتبریک گفته موفقیت شمارا در راه ارشاد قوممان خواهانم. بدون اغراق من تا انتشار شماره بعدی این مجله چشم انتظار باقی میمانم و وقتی بدستم میرسد آنرا با اولع خاصی مطالعه میکنم. تمام مطالب این نشریه آموزنده غرورآمیز بوده و بطور مؤثری اذهان خوانندگان را روشن می کند. با هر کس در باره مجله صحبت می کنم، همه باتقدیر و تحسین از آن سخن می گویند. بخودم می بالم که نویسنده گان والانسی با این مجله همکاری دارند. باز هم بشما تبریک میگویم. موفق و مؤید باشیم.

**\* آقای ناصر یوم توبیان از اسرائیل طی نامه ای** خواسته اند که مجله شوفار برای ایشان مرتباً ارسال گردد. با سپاس فراوان از این هم کیش عزیز و سایر عزیزانی که از اسرائیل ما را مورد تشویق قرار میدهند، باتوجه به بودجه محدود نشریه و هزینه قابل توجه پستی برای ارسال شوفار به خارج از آمریکا در شرایط حاضر انجام این امر عملی نیست.

چند ساعت وقت خود را داوطلبانه در اختیار فدراسیون یهودیان ایرانی قرار دهید. باتلفن های شماره: ۷۷۳۰-۵۵۵ (۲۱۳) و ۷۷۳۱-۵۵۵ (۲۱۳) دفتر فدراسیون تماس بگیرید.

## جاوید کهن

مترجم رسمی وزارت دادگستری ایران  
ودادگاه عالی کالیفرنیا

بایش از ۳۰ سال سابقه در امور ترجمه.

ترجمه های رسمی - فنی - قضائی -  
بازرگانی و دادگاهی شما را در اسرع وقت  
و بانازلترین نرخ انجام می دهد

1827 S. Barrington Ave., Suite 107  
W. Los Angeles, CA 90025

**Tel: (213) 478-8546**

معهدا، همانطور که قبلاً نیز اعلام شده، متصدیان نشریه در حال بررسی امکان ارسال آن به اسرائیل با حداقل هزینه می باشند که امیدواریم این امر در آینده بسیار نزدیک عملی شود.

**\* آقای ابی نوعم شبتانی از اسرائیل ضمن** ارسال نامه ای محبت آمیز همکاران ما را مورد تشویق قرار داده با ارسال بیوگرافی هر فصل همکاری خود را با شوفار اعلام داشته اند. شوفار ضمن چاپ نوشته های آقای شبتانی که از این بعد زیر عنوان «نام آوران یهودی» منتشر خواهد شد، از ایشان سپاسگزاری مینماید.

**\* آقای د. الف (امضاء محفوظ) از نیویورک** پس از ابراز لطف به نویسندگان شوفار می نویسند: «تمدن، فرهنگ و اندیشه انسانی وغنی

یهود که در طول هزاران سال تابندگی و فروزندگی، تقدس یافته خود توانسته ظلمات جهالت ها را از درونهای تیره عالمی بزدايد. چرا امروز از راه اندیشه دانشمندان و مریبان بی نظیرو بی غرض نباید دلهای خسته و درونهای به تاریکی نشسته بسیاری از هم کیشان سردرگم را روشنی بخشند و راهنما باشند؟»

**\* آقای فرامرز طالع حکیمی طی نامه ای** پیشنهاد همکاری با نشریه شوفار را بامداد داده اند. از ایشان و سایر هم کیشان عزیز می که باتوجه به مشی و شیوه کار مجله در خود توانائی همکاری با ما را می بینند می خواهیم که کمک خود را از ما دریغ نفرمایند.



MERCEDES-BENZ  
**SILVER STAR A.G., LTD.**

مردس بنز اتومبیلی است که ارزش خود را مانند طلا حفظ میکند  
**اتومبیل های مردس بنز نو و دست دوم**  
**با مناسبترین قیمت**

کسانی که دارای کردیت خوب هستند میتوانند بدون پرداخت وجهی اتومبیل دلخواه خود را (lease) نمایند



**اگر مایل بخرید اتومبیل بنز ارزانتر هستید**  
بنامانده فارسی زبان ما آقای هوشنگ کلیائی (HARRY)  
**(818) 889-2122**  
**(213) 456-7057** با تلفن  
**(805) 497-4515** تماس حاصل فرمائید

THOUSAND OAKS • WESTLAKE AUTO CENTER  
3755 DUESENBERG DR. THOUSAND OAKS, CA. 91362



مدیر عامل دکتر حسین تمدنی

# خدمات مالی گلندل

## GLENDALE FINANCIAL

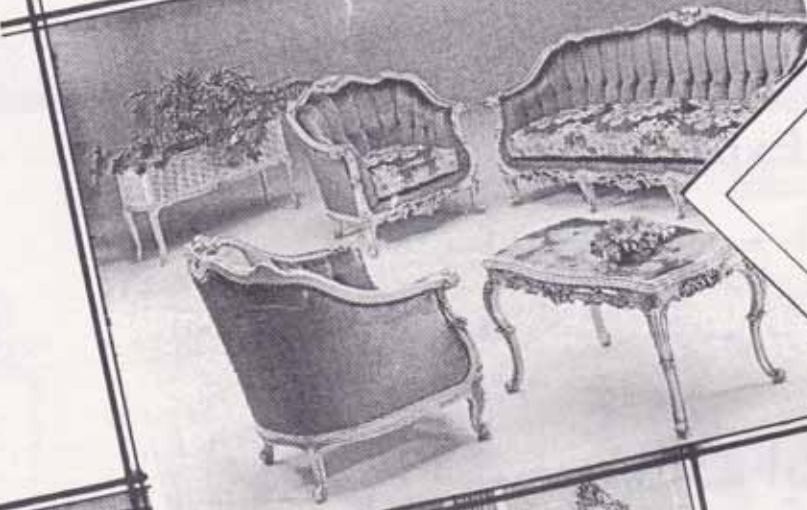
برای هر نوع وام های ملکی  
از سرویس رایگان و تجربه ۲۰ ساله ما  
استفاده بفرمائید

315 W. ARDEN AVE, SUITE 32  
GLENDALE, CA, 91203

(818) 242 - 3848



 Samuels



نوروز  
پیروز  
عید پسخ  
مبارک



سموئلز

با بیش از یکصد نمایندگی معروفترین مبل سازان  
ایتالیا بهترین ها را به شما تقدیم می کند  
در انتخاب مبلمان سموئلز آخرین میعادگاه شما است

838 W. Olympic Blvd.  
Los Angeles, CA 90015  
Tel: (213) 747-7726

روابط عمومی سموئلز



## American Express Bank International

فرارسیدن عید سعید پسخ را  
بعموم هم میهنان و هم کیشان گرامی تبریک میگوید.

### امریکن اکسپرس بانک اینترنشنال

وابسته به گروه امریکن اکسپرس کمپانی با دارائی متجاوز از صد  
میلیارد دلار باشبکه گسترده بین المللی در ۳۹ کشور جهان  
وسابقه ۶۶ ساله بانکی

انجام کلیه امور بانکی بین المللی، دریافت سپرده به ارزهای معتبر،  
افتتاح اعتبار اسنادی، خرید و فروش سهام، طلا و نقره و سایر خدمات  
بانکی

- ★ پروژه های سرمایه گذاری در پروژه های خرید سهام و اوراق بهادار زیر نظر متخصصان با  
تجربه امریکن اکسپرس بانک اینترنشنال.
- ★ تضمین صد درصد اصل مبلغ سرمایه گذاری با سابقه سودآوری متجاوز از ۳۵ درصد در سال ۱۹۸۶.
- ★ وام منازل مسکونی با شرایط بی نظیر و بهترین نرخ بهره.
- ★ وام های ساختمانی پروژه های ۵ میلیون دلار به بالا.

American Express Bank Int'l.  
600 Wilshire Boulevard, Suite 350  
Los Angeles, California 90071

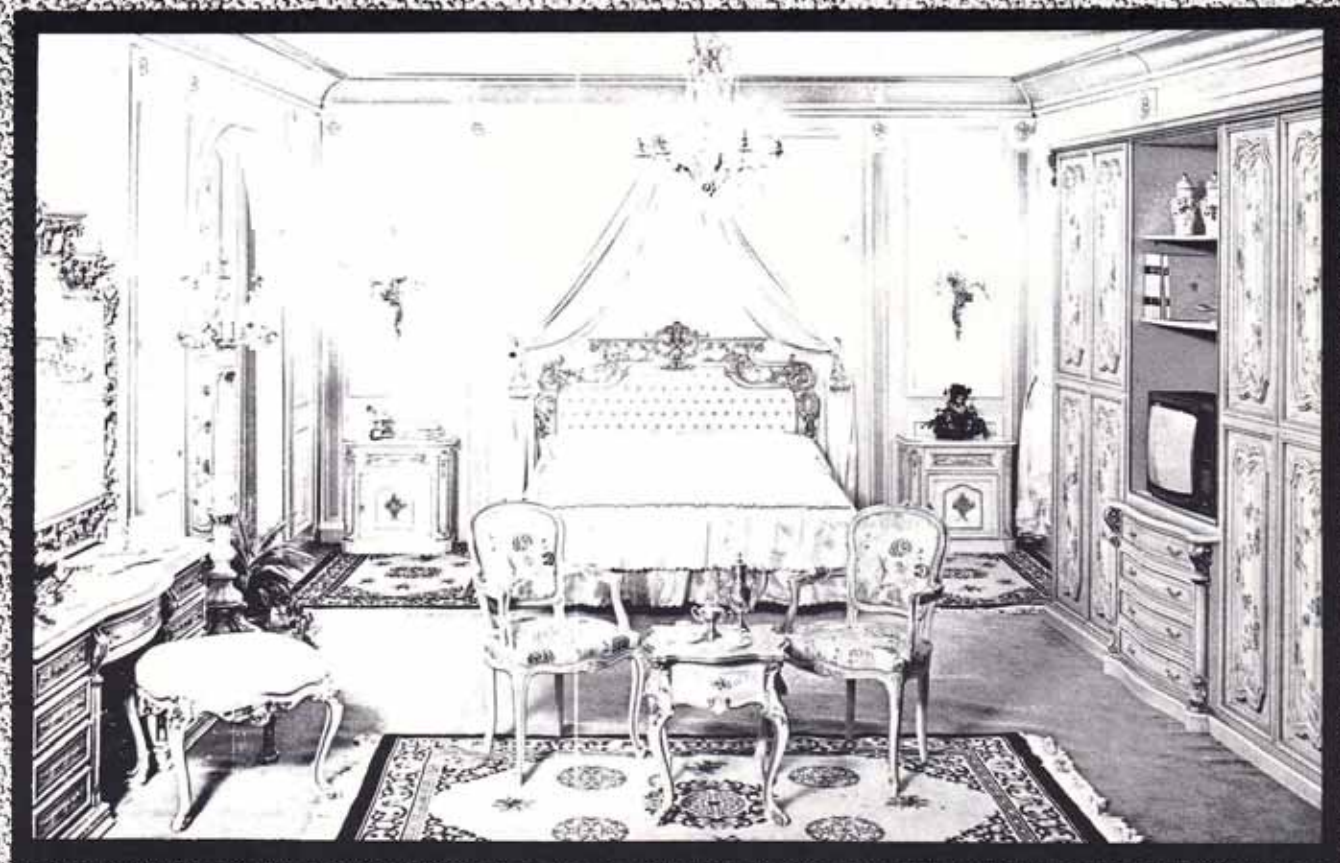
(213) 489-3400

American Express Bank Int'l.  
421 No. Rodeo Dr., Penthouse 1  
Beverly Hills, CA 90210

(213) 858-2924

FROM ITALY

ایلولیان، نامی بایش از ۲۰ سال اطمینان



## شیک ترین مبلمان از ایتالیا

صدها نوع مبلمان، کلید لوازم اتاق خواب، انواع میز و صندلی ناهار خوری، بوفه مدرن و استیل واردکننده مستقیم مبیل های استیل و مدرن از معروفترین و سرشناس ترین کارخانه های ایتالیا سفارشات شما از روی کاتالوگهایی که نظیر آنها را درجای دیگر نخواهید یافت، پذیرفته می شود



FROM ITALY

615 N. Western Ave.  
Los Angeles, CA 90004  
(213) 466-6911

از نمایشگاه عظیم ما دیدن کنید و

بهترین هارا ارزانتر بخرید

وقت تلف نکنید، آنچه می خواهید در «فرام ایتالی» خواهید یافت



CAR ACCIDENT  
SLIP & FALL  
WE HANDLE ANY & ALL

LAW OFFICE OF  
**DENISE BREAKMAN NAGHI**

8501 Wilshire Blvd., Suite 315  
Beverly Hills, CA 90211

(213) 657-2825

## دفتر حقوقی دنیس ناچی

کلیه حقوق قانونی شما را در نظر گرفته و شما را در امر تصادف،  
لیز خوردگی و افتادن، تصادف با موتورسیکلت و اتوبوس  
و هرگونه صدمات روحی و بدنی کمک و یاری می کند

### WE CAN:

- DO ALL INVESTIGATION
- OBTAIN MONEY FOR YOUR PAIN & SUFFERING
- GET YOUR CAR REPAIRED OR REPLACED
- HAVE YOUR MEDICAL BILLS PAID
- RECOVER LOSS OF EARNINGS
- ADVANCE YOUR COSTS

- ما انجام کلیه تحقیقات را بعهده می گیریم
- دریافت حقوق شما در اثر جراحات
- تعمیر و یا تعویض اتومبیل شما
- پرداخت صورتحساب درمان شما
- دریافت حقوق شما در طی مدت مداوا
- تعیین حق الزحمه در اولین جلسه

تلفن ۲۴ ساعته ۶۵۷-۲۸۲۵ (۲۱۳)

BULK RATE  
U.S. POSTAGE  
PAID  
Van Nuys, Ca.  
Permit 431

IRANIAN JEWISH FEDERATION  
6505 Wilshire Blvd, Suite 1101  
Los Angeles, Ca. 90048

SHOFAR

REQUESTED:

ADDRESS CORRECTION